

طائفة من قبلة



صد فضیلت از فضائل

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام

و اهل بیت علیهم السلام

به روایت عامّه

تألیف:

ابی الحسن محمد بن احمد بن علی بن

الحسن القمّی

معروف به «ابن شاذان»



عائمه منقبت

صد فضیلت از فضائل

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام

و اهل بیت علیهم السلام ۱۹۹۸



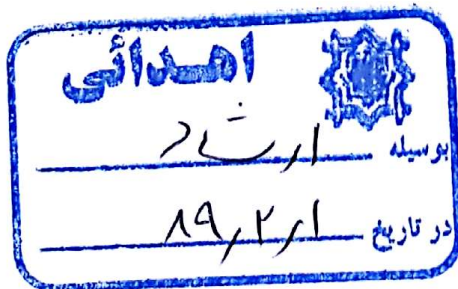
به روایت عامّه

تألیف:

ابی الحسن محمد بن احمد بن علی بن

الحسن القمّی

معروف به «ابن شاذان»



القمی علی بن الحسن - قرن ۴ هـ ق
مائه منقبة من مناقب أمير المؤمنين علي بن ابي طالب (ع) / علي بن الحسن القمي -
قم - نشر رشيد - ۱۳۸۸
ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۷-۶۱-۸
۲۰۰۰۰ ریال
۲۰۴ - ص
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما
کتابنامه بصورت زیر نویس
۱- علی بن ابی طالب (ع) - امام اول - ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ هـ ق - فضائل و مناقب
الف - عنوان ب - علی بن الحسن القمی - ابن شاذان
PB ۲۱۱۵/ح ۵ ح ۷۰۴۱
کتابخانه ملی ایران

شناسنامه کتاب

مائه منقبة .. صد فضیلت از فضائل امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام
و اهل بیت علیهم السلام به روایت عامه
مؤلف: الشیخ الفقیه و الحبر النبیہ، ابی الحسن محمد بن احمد بن علی
ابن الحسین القمی معروف «ابن شاذان» به از مفاخر قرن چهارم و پنجم
از مزایای چاپ دوم: ویرایش جدید و اعراب گذاری

تاریخ چاپ: دوم، عید الله الأكبر، عید غدیر خم «۱۸ ذی الحجة»
۱۴۳۰ قمری - ۱۳۸۸ شمسی

تایپ و صفحه آرایی: مسعود بهنام
ناشر: انتشارات رشید
تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: آل البيت علیهم السلام
چاپخانه: عترت
قیمت: اهدائی
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۷-۶۱-۸

به اهتمام حسینیه کربلائیهای اصفهان

«اهدائی»

قم: خیابان شهید فاطمی پ ۷۸

انتشارات رشید ۰۹۱۲۱۵۳۲۰۷۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ

الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ ، صَلَوَاتِكَ

عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ ، وَلِيًّا وَ حَافِظًا

وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا ، وَ دَلِيلًا وَ

عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا

وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا



و شگفتی آنگاه بیشتر می‌گردد که پروردگارش با او به گونه‌ای سخن می‌گوید که هیچ‌گاه با حبیبش به آن لحن سخن نگفته است، ﴿وَوَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ﴾^۱ و اگر این فرمان را اجرا نکنی هرگز رسالت حضرت باری تعالی را ابلاغ نکرده‌ای، یعنی در انجام وظیفه‌ات کوتاهی نموده‌ای و آن مساوی با عدم ابلاغ و امتثال فرمان تبلیغ است، از همین جمله‌ی شریفه واضح می‌شود که خطاب در باره‌ی رساندن پیام و بیان کردن فرمان ویژه‌ای می‌باشد که معادل است با تمام دوران پیامبری آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ و آن فرمان در روز غدیر خم تجلی پیدا می‌کند، هنگامی که دست پسر عم و عزیزتر از جان خودش، یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را بردست گرفته و با صدای رسا و بیانی شیوا اعلام می‌دارد: «أَيُّهَا النَّاسُ! ... مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^۲ هرکس که من مولای اویم، این علی مولای اوست.

از مردم گواهی می‌طلبید: «أَلَا! هَلْ بَلَغْتُ؟» ای مردم! آیا شاهدید که این فرمان را به شما ابلاغ کردم؟
و آنها همگی گواهی دادند: «نَعَمْ»؛ آری! به ما رساندی که خلیفه‌ی پس از تو مولای عالم امیرمؤمنان علی علیه السلام است.^۳

۱: سوره مائده: آیه ۶۷.

۲: خطبه‌ی غدیر.

۳: بحار الأنوار: جلد ۳۸، صفحه ۱۱۸ - امالی شیخ طوسی رحمته الله: صفحه ۴۱۸.



در آن لحظات ، آن پیامبر ستم کشیده ، و آن حبیب خداوندی که آخرین ایام عمر گرامی اش را سپری می کرد ، چند دعا کرد که در این عالم تا قیام قیامت آوازه ی او می پیچد و طنین صدایش که توأم با اشک شوق بود در گوش جانها تا ابدالآبدین شنیده می شود : « اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنْ وَاَلَاةُ » پرورنگارا ! هرکس از او پیروی می کند و او را دوست می دارد ، دوستش بدار و در ولایت امن خودت جای ده ، « وَ عَادِ مَنْ عَادَاةُ » پرورنگارا ! هر کس با او دشمنی می کند و می ستیزد ، با او دشمن باش و بستیز ، « وَ اَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ » پرورنگارا ! هر کس که او را یاری می کند ، یاریش کن ، « وَ اَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ » و هر کس او را رها می کند و یاری خود را از او دریغ می کند ، او را در بی کسی و برهوتت رها کن و مددهایت را از او دریغ بدار .

به ! به آن فرمان الهی که خداوند در خیر و ثواب را به روی اَمّت پیامبرش ، باز می کند و در شرّ و عذاب را می بندد ؛ چنانچه در پایان ابلاغ فرمان ، به حبیبش چنین مژده می دهد که : ﴿ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِيْنًا ﴾ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین و آیین جاودانی شما پذیرفتم . و پیامبرش هم با صدای



بلند عرض می‌کند: « الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِيْتَامِ النِّعْمَةِ
و رِضَى الرَّبِّ » حمد و سپاس پرورنگار را که به ولایت شاه ولایت،
دین را کامل و نعمت را تمام و از بندگانش راضی شد، که مسلمان باشند.
پس از این ابلاغ و دعای حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، دانشمندان خدا ترس
و متقیان آگاه، جهت داخل شدن در دعای خیر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دور
ماندن از نفرینش که هستی هر مخالفی را به باد فنا و غضب خدا
می‌دهد، بنا را بر این گذاشتند که فضایل و مناقب آن حضرت را در
بیان و بنای تقریر و تحریر کنند، تا مشمول دعای خیر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
شوند و عذری در پیشگاه حضرت احدیت داشته باشند و بگویند که
از جمله‌ی یاغیان بر امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام و غاصبان حق وی نبوده‌اند.

برو برای سردین خویش تاجی ساز

ز خاک پای جوائرد والٍ من والاه

زدل عداوت او دوردار، تا نخوری

ز تیغ لفظِ نبی، زخم عادٍ من عاداه



روی همین اصل ، نویسنده‌ی این کتاب شریف، ابوالحسن بن احمد ابن علی بن حسن بن شاذان قمی رضوان الله علیه مشهور به « ابن شاذان » ، این کتاب را در فضایل آن حضرت به رشته‌ی تحریر در آورد و آن را از مخالفان غدیر شاه ولایت نقل نمود، تا حجت بر آنان که خورشید رادر روز روشن انکار کردند، تمام شود، و ما هم به پیروی از آن اندیشمندان فرهیخته‌ی خدا ترس، بر آن شدیم که نشر این کتاب گران سنگ را بر عهده بگیریم، تا دعای خاتم المرسلین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شامل حال ما شود و با آن، سعادت دنیا و رحمت آخرت حقتعالی را خریدار شویم.

به امید ظهور نور برای احقاق حق از دست رفته و رجعت در دولت علوی و لذت بردن ابدی در آن خوان رحمت، شما خواننده‌ی محترم را به نوشیدن شراب ظهور از این خم سراسر نور دعوت می‌کنیم.

دست علی عَلِيٍّ بهمهراعتان
ناشر



اهمیت کتاب «مائة منقبة» نزد علمای اهل سنت

بسیاری از علمای اهل تسنن از این کتاب شریف بهره برده‌اند و در کتابهای خود، از روایات آن استفاده نموده‌اند، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

- ۱- حافظ ابوالمؤید الموفق بن احمد بن محمد البکری المکی الحنفی معروف به: «اخطب خوارزم» وی متولد سال ۴۸۴ هـ ق و متوفای سال ۵۲۸ هـ ق می‌باشد، که در دو کتاب خود «المناقب» و «مقتل الحسین علیه السلام» از کتاب شریف «مائة منقبة» روایاتی نقل می‌کند.
- ۲- حافظ شهید ابو عبیدالله محمد بن یوسف بن محمد القرشی الكنجدی الشافعی؛ که به واسطه‌ی تمایلش به مذهب اهل بیت علیهم السلام در کتاب «کفایة الطالب»، در سال ۶۵۸ هـ ق در مسجد جامع دمشق، بعد از نماز صبح، به قتل رسید.
- ۳- محدث کبیر، ابراهیم بن محمد بن المؤید بن عبدالله بن علی بن محمد الحموینی الخراسانی، متولد سال ۶۴۴ و متوفای سال ۷۳۰ هـ ق در کتاب گرانبهای خود، «فرائد السمطین» از کتاب «مائة منقبة» روایت نقل می‌کند.



جایگاه کتاب «مائة منقبة» نزد علمای شیعه

بسیاری از بزرگان علمای شیعه نیز این کتاب شریف را مورد وثوق قرار داده و از روایات آن در کتابهای خود استفاده نموده اند؛ مانند:

۱ - ثقه‌ی جلیل القدر ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان الکرّاجکی که از شاگردان «ابن شاذان» می‌باشد و از ایشان اجازه‌ی روایت داشته و تمامی روایات کتاب «مائة منقبة» را در سال ۴۱۲ هـ ق نزد باب مستجار مسجد الحرام از خود «ابن شاذان» شنیده و نقل نموده است. ایشان همچنین در کتابهای خود «الاستنصار» و «الإبانة عن المماثلة» و «کنزالفوائد» و «التعریف بحقوق الوالدین» از کتاب شریف «مائة منقبة» روایات و مناقبی نقل می‌کند و ابن شاذان را «شیخی» و «الشیخ الفقیه» و «الشیخ المفید»، خطاب می‌کند.

۲ - سید رضی الدین، ابن طاووس در کتابی با نام «الیقین فی إمره أمير المؤمنين عليه السلام» از مائة منقبة روایاتی نقل می‌کند.

۳ - فخر ائمت اسلام، علامه مجلسی - أعلى الله مقامه الشریف - نیز در «بحار الأنوار» مائة منقبة را یکی از منابع معتبر خود معرفی می‌کند و در مورد «ابن شاذان» می‌فرماید:

وی استاد ابوالفتح کراچکی است و ایشان از استاد خود، ابن شاذان در کتاب «کنزالفوائد» بسیار تعریف و تمجید می‌کند.



همچنین علامه می‌فرماید: روایات ابن شاذان، مورد وثوق ابن شهر آشوب هم می‌باشد و در کتاب «معالم»، از او روایت نقل می‌کند!
۴ - محدث جلیل القدر، سید هاشم بحرانی در دو کتاب خود «البرهان» و «غایة المرام» مائة منقبة را یکی از مصادر خود قرار داده است.
۵ - مدافع حریم ولایت، علامه امینی رحمته الله نیز در کتاب بی نظیر خود «الغدیر» از ابن شاذان روایاتی نقل می‌فرماید.



تألیفات ابن شاذان

در مورد تألیفات و اسامی کتابهای ابن شاذان، اختلافاتی وجود دارد؛ که با صرف نظر از اختلاف نظرها، به ذکر نام چند کتاب بسنده می‌کنیم:

۱: «ایضاح دفائن النواصب» .

۲: «بستان الکرام» یا «البستان» .

۳: «ردّ الشمس علی أمير المؤمنين عليه السلام» .

۴: «المناقب» نام این کتاب در الذریعة آورده شده و با «مائة

منقبة» تفاوت دارد .

۵: «مائة منقبة» همین کتاب شریف .

البته این کتاب را با نامهایی همچون «الأحادیث المائة»

و «الفضائل» و «المناقب» ، نیز یاد کرده اند، که ابن شاذان رضوان الله علیه

به درخواست یکی از شیوخ تألیف نموده و از ابن شاذان خواسته که

تمامی روایات آن از طریق عامه باشد .



مقدمه ي مؤلف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْی

الحمد لله الأوّل في ديموميته ، الآخر في أزليته ، العدل في قضيته ،
الرحيم في ربوبيته ، الواحد في ملكه و برهانه ، الفرد في صمديته
و سلطانه ، العلي في دنوه ، القريب في علوه ، حمد من يعلم أنّ الحمد
فريضة و تركه خطيئة ، و أومن به إيمان من علم أنّه رهين بعمله ،
و ميّت دون أمله ، و أتوكّل عليه توكل من ردّ الحول و القوّة إليه .
و أشهد أنّ لا إله إلاّ الله وحده لا شريك له ، شهادة نحيا بها ما
أبقانا ، و نذخرها لشدائد ما يلقانا .

و أشهد أنّ محمّداً عبده و رسوله ، بشير الرحمة و مصباح الأمتة
و المنقذ من الجهالة و العمى و الضلالة و الردى ، صلّى الله عليه
و آله صلاة لا يُحصى لها عدد ، و لا ينفد منها أبد ، و لا يتقدّمها
أمد ، و لا يأتي بمثلها أحد .

أمّا بعد ؛ فقد جمعت لك أيّها الشيخ - أطال الله بقاءك - ما
التمست و فيه رغبت ، من فضائل أمير المؤمنين و قائد الغرّ المحجلين
أسد الله الغالب عليّ بن أبي طالب و الأئمة من ولده ، صلوات الله
عليهم من طريق العامّة و هي مائة منقبة و فضيلة ؛ فتمسك بها
راشداً و عيها حافظاً ، و عمدت الإيجاز ، و قصدت الإختصار ، لئلا
تمل النفس منه و تضجر وفقنا الله لإصابة الحق و الصواب و لا حرمنّا
الخير و جزيل الثواب .



فَأَوَّلُ مَنْقَبَةٍ

ما حدّثني بها الحسن بن أحمد بن يخبويه رضي الله عنه بالكوفة في سنة أربع و سبعين و ثلاثمائة، قال حدّثني أبو بكر محمد بن أحمد بن عيسى بن مهران، قال: حدّثني يحيى بن عبد الحميد، قال: حدّثني قيس بن الربيع، قال: حدّثني الأعمش، قال: حدّثني عباية عن حبة العرنى عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب رضي الله عنه، قال:

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : أَنَا سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْخَلَائِقِ بَعْدِي ، وَ أَوْلُنَا كَأَخْرِنَا ، وَ آخِرُنَا كَأَوْلُنَا » .^۱

فضیلت اول

حبة العرنى از امیرالمؤمنین رضي الله عنه نقل می کند که فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرمایند:

من سرور اولین و آخرین هستم؛ و شما ای علی، سرور مخلوقات، بعد از من می باشی، و اولین ما (چهارده معصوم) مانند آخرین ما، و آخرین ما، مانند اولین ما می باشد.

۱: بحار الأنوار: ج ۲۵، ص ۳۶۰، ح ۱۷ - غاية المرام: ص ۴۵۰، ح ۱۴ و ص ۶۲۰، ح ۱۴۷.



الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ

حدثنی أبوزکریا طلحة بن أحمد بن طلحة بن محمد الصرام - قدم علينا الكوفة حاجباً - قال: حدثنا أبو معاذ شاه بن عبد الرحمن بهراء، قال: حدثني علي بن عبدالله، قال: حدثنا عبد الحميد القتاد، قال: حدثني هشيم بن بشير، قال: حدثنا شعبة بن الحجاج، قال حدثنا عدي بن ثابت، قال: حدثنا سعيد بن جبیر، عن ابن عباس رضی اللہ عنہما قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: « إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرِي ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا ، وَ إِنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَ إِنَّ عَلِيًّا خَطَبَنِي ، وَ لَوْ وَجَدْتُ لِفَاطِمَةَ خَيْرًا مِنْ عَلِيٍّ لَمْ أَزْوَجْهَا مِنْهُ »^۱.

فضیلت دوّم

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلى الله عليه وسلم می فرمایند: همانا علی بن ابی طالب علیه السلام برترین آفریده ی خداوند است به غیر از من، حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان بهتر و افضل از آن دو است، همانا فاطمه سرور بانوان عالمیان است. به درستی که علی فاطمه را از من خواستگاری نمود و اگر برای فاطمه فردی بهتر از علی می یافتم، او را به همسری علی در نمی آوردم.

۱: بحار الأنوار: ج ۲۵، ص ۳۶۰، ح ۱۸.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ

أخبرني أبو الطيب محمد بن الحسين التميمي، قال: حدثنا محمد بن سليمان، قال: حدثنا يحيى بن أحمد، قال: حدثنا محمد بن متوكل، قال: حدثنا زفر بن الهذيل، قال: حدثنا الأعمش، قال: حدثني مروق، عن جابر بن عبد الله الأنصاري، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «سُمِّيَ الْحَسَنُ حَسَنًا، لِأَنَّ بِإِحْسَانِ اللَّهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، وَالْحَسَنُ مُشْتَقٌّ مِنَ الْإِحْسَانِ، وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ إِسْمَانِ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى، وَالْحُسَيْنُ تَصْغِيرُ الْحَسَنِ»^١.

جابر بن عبد الله انصاری رضی اللہ عنہ نقل می کند کہ پیامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند:

«حسن»، به این علت حسن نامیده شد که آسمانها و زمین به احسان خداوند برپا شدند و (نام) حسن از (کلمه) احسان مشتق شده است و علی و حسن دو اسم اند که از اسامی خداوند متعال مشتق شده اند، و «حسین» تصغیر حسن می باشد.

١: مدينة المعاجز: ص ٢٠٢، ح ٤ و ص ٢٣٧، ح ٨ - حلية الأبرار: ج ١، ص ٤٩٩ - بحار الأنوار:

ج ٤٣، ص ٢٥٢، ح ٣٠.



الْمَنْقَبَةُ الزَّاهِيَةُ

حدَّثني أحمد بن محمد الجراح، قال: حدَّثني القاضي عمر بن الحسين، قال: حدَّثني أمّة بنت أحمد بن ذهل بن سليمان الأعمش، قالت: حدَّثني أبي، عن أبيه، عن سليمان بن مهران، قال: حدَّثني محمد بن كثير، قال: حدَّثني أبو خيثمة عن عبد الله بن عمر، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «بي أنذرتكم، وبعلي ابن أبي طالب عليه السلام اهتديتم، وقرأ: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلكلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^١ وَ بِالْحَسَنِ أُعْطِيتُمْ الْإِحْسَانَ، وَ بِالْحُسَيْنِ تَسْعَدُونَ وَ بِهِ تَشْقُونَ، أَلَا وَ إِنَّ الْحُسَيْنَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، مَنْ عَادَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ»^٢.

فضیلت چهارم

عبدالله بن عمر نقل می کند: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

شما توسط من هشدار داده شده و به واسطه‌ی علی بن ابی طالب عليه السلام هدایت شدید؛ سپس این آیه را قرائت فرمودند: ﴿همانا تو هشدار دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت کننده‌ای است﴾^١ آنگاه فرمودند: به واسطه‌ی حسن به شما احسان و نیکی عطا شد و به سبب حسین عده‌ای به سعادت رسیده و گروهی دچار شقاوت و گمراهی می‌شوند. آگاه باشید که حسین دری از درهای بهشت است، هر کس با او دشمنی کند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌گرداند.

١: سوره رعد: آیه ٧.

٢: بحار الأنوار: ج ٣٥، ص ٤٠٥، ح ٢٨ - غاية المرام: ص ٢٣٥، ح ٦ - البرهان: ج ٢، ص ٢٨١، ح ١٨ - مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمی»: ج ١، ص ١٤٥.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ

حدّثني محمد بن علي بن الفضل بن تمام الزرياتي رضي الله عنه قال: حدّثني محمد بن القاسم، قال: حدّثني عباد بن يعقوب، قال: حدّثني موسى بن عثمان، قال: حدّثني الأعمش، قال: حدّثني أبو إسحاق، عن الحارث و سعيد بن قيس عن علي بن أبي طالب رضي الله عنه قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَنَا وَإِرَادُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ السَّاقِي، وَالْحَسَنُ الدَّائِدُ، وَالْحُسَيْنُ الْأَمْرُ، وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْفَارِضُ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاشِرُ، وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّائِقُ، وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ مُحْصِي الْمُحِبِّينَ وَالْمُبْغِضِينَ وَ قَامِعُ الْمُنَافِقِينَ، وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى مُزَيِّنُ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مُنْزِلُ أَهْلِ الْجَنَّةِ فِي دَرَجَاتِهِمْ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ خَطِيبُ شِيعَتِهِ وَمُرْوِجُهُمُ الْخُورَ، وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ سِرَاجُ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَسْتَضِيئُونَ بِهِ، وَالْقَائِمُ شَفِيعُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَيْثُ لَا يَأْذَنُ اللَّهُ إِلَّا لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى»^١.

١: مقتل الحسين رضي الله عنه «خوارزمي» به اسناد ابن شاذان: ج ١، ص ٩٤ - الطرائف: ص ١٧٣، ح ٢٧١ و الصراط المستقيم: ج ٢، ص ١٥٠ و حلية الأبرار: ج ٢، ص ٧٢١، ح ١٣٠ و غاية المرام: ص ٣٥، ح ٢٢ و ص ٦٩٢، ح ٢ و فرائد السمطين «حموي»: ج ٢، ص ٣٢١، ح ٥٧٢ به اسناد خوارزمي - غاية المرام: ص ١٩٥، ح ٤٣.



فضیلت پنجم

حارث و سعید بن قیس از مولا علی علیه السلام نقل می‌کنند که فرمودند: پیامبر

گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

(در روز قیامت) من بر شما وارد می‌شوم کنار حوض (کوثر)، در حالی

که ای علی، شما ساقی (کوثر) و حسن دورکننده (دشمنان) و حسین امر

کننده (دوستان به سوی حوض کوثر) است و علی بن الحسین اولین کسی است

که در آب کوثر دست می‌کند و محمد بن علی آب حوض کوثر را میان

شیعیان تقسیم می‌کند و جعفر بن محمد (شیعیان را به طرف حوض کوثر)

رهبری می‌کند و موسی بن جعفر دوستان و دشمنان اهل بیت را

شمارش و منافقین را از بین می‌برد و علی بن موسی زینت دهنده‌ی

مؤمنین است و محمد بن علی اهل بهشت را در مقاماتشان قرار

می‌دهد و علی بن محمد میان شیعیان و حورالعین خطبه ازدواج

می‌خواند و حسن بن علی چراغ و روشنایی اهل بهشت است که توسط

او شیعیان نورانی می‌شوند و قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شفیع شیعیان در

روز قیامت است، آن زمان که خداوند اجازه‌ی شفاعت به کسی نمی‌دهد،

مگر به آن کسانی که بخواهد و راضی باشد.



الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ

حدثني محمد بن عبدالله بن عبدالله بن مرة رضي الله عنه قال: حدثنا عبدالله بن محمد البغوي، قال: حدثني علي بن الجعد، قال: حدثني أحمد بن وهب بن منصور، قال: حدثني أبو قبيصة شريح بن محمد العنبري، قال: حدثني نافع، عن عبدالله بن عمر بن الخطاب، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رضي الله عنه: « يَا عَلِيُّ أَنَا نَذِيرُ أُمَّتِي، وَأَنْتَ هَادِيهَا، وَالْحَسَنُ قَائِدُهَا، وَالْحُسَيْنُ سَائِقُهَا، وَعَلِيُّ ابْنُ الْحُسَيْنِ جَامِعُهَا، وَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ عَارِفُهَا وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ كَاتِبُهَا، وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ مُحْصِيهَا، وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى مُعَبِّرُهَا وَ مُنْجِيهَا وَ طَارِدُ مُبْغِضِيهَا وَ مُدْنِي مُؤْمِنِيهَا، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَائِمُهَا وَ سَائِقُهَا، وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ سَائِرُهَا وَ عَالِمُهَا، وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ مُنَادِيهَا وَ مُعْطِيهَا، وَ الْقَائِمُ الْخَلْفُ سَائِقُهَا وَ مُنَاشِدُهَا؛ ﴿وَإِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾^١ يَا عَبْدَ اللَّهِ^٢.

١: سورة حجر: آية ٧٥.

٢: بحار الأنوار: ج ٣٦، ص ٢٨٠ ضمن ح ٩١، از مناقب ابن شهر آشوب: ج ١، ص ٢٥١

اثبات الهداة: ج ٣، ص ٢٢٢، از صراط المستقيم: ج ٢، ص ١٥٠ به نقل از بغوي.



فضیلت ششم

عبدالله بن عمر نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای علی! من هشدار دهنده‌ی امتم هستم و شما هدایت کننده‌ی امت و حسن پیشوای این امت و حسین راهنما و هدایت کننده و علی بن الحسین جمع کننده امت و محمد بن علی عارف امت و جعفر بن محمد کاتب امت و موسی بن جعفر شماره کننده امت و علی بن موسی عبور دهنده و نجات دهنده امت و دور کننده کینه توزان و دشمنان (اهل بیت) و جمع کننده مؤمنین و محمد بن علی قائم و رساننده امت و علی بن محمد پوشاننده (عیوب) و عالم امت و حسن بن علی ندا دهنده و عطا کننده امت و قائم فرزند حسن، ساقی و معرف امت است. (سپس پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به عبدالله بن عمر نموده و این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿در این مطلب برای هوشمندان، عبرت و بصیرت بسیار است﴾ ای عبدالله!



الْمَنْقَبَةُ السَّابِغَةُ

حدثنا سهل بن أحمد، حدثني أبو جعفر محمد بن جرير الطبري، قال: حدثني هناد بن السري، قال: حدثني محمد بن هشام، قال: حدثني سعيد بن أبي سعيد، قال: حدثني محمد بن المنكدر، عن جابر بن عبدالله الأنصاري، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ دَعَاهُنَّ فَأَجَبْنَهُ، فَعَرَضَ عَلَيْهِنَّ نُبُوتِي وَوَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَبِلَتْهَا، ثُمَّ خَلَقَ الْخَلْقَ وَفَوَّضَ إِلَيْنَا أَمْرَ الدِّينِ، فَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ بِنَا وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ بِنَا، نَحْنُ الْمُحَلَّلُونَ لِحَلَالِهِ وَالْمُحَرَّمُونَ لِحَرَامِهِ»^۱.

فضیلت هفتم

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: همانا زمانی که خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را خلق نمود، آنها را فراخواند، پس جواب خدا را دادند، آنگاه بر آنها نبوت من و ولایت علی بن ابی‌طالب را عرضه نمود، و آنها قبول نمودند، پس مخلوقات را خلق نمود و امر دین را به ما واگذار نمود. بنابراین سعادت‌مند کسی است که به واسطه‌ی ما سعادت یابد، و شقی و بدعاقبت کسی است که با مخالفت ما شقاوت یابد، ما حلال کننده‌ی حلال خدا، و حرام کننده‌ی حرام خداوند هستیم.

۱: غایة المرام: ص ۲۰۸، ح ۹ - خوارزمی در مناقب: ص ۷۹، مقتل الحسين ﷺ: ج ۱، ص ۴۶ - محتضر ص ۹۷ - كشف الغمة: ج ۱، ص ۲۹۱ مصباح الأنوار: ص ۶۴، بحار الأنوار: ج ۲۷، ص ۲۸۴، ح ۸ به نقل از محتضر - وج ۱۷، ص ۱۳، ح ۲۵ وج ۲۵، ص ۳۳۹، ح ۲۰ به نقل از كشف الغمة.



الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ

حدثني القاضي المعاني بن زكريا، قال: حدثني عبدالله بن محمد بن عبدالله ابن العزيز البغوي، قال: حدثني يحيى الحماني، قال: حدثني محمد بن الفضيل، عن الكلبي، عن أبي صالح، عن ابن عباس، قال:

« كُنْتُ جَالِسًا بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ ، وَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ، إِذْ هَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَعَهُ تَفَاحَةٌ ، فَحَيَّيْتُ بِهَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَحَيَّيْتُ بِهَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ حَيَّيْتُ بِهَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، فَتَحَيَّيْتُ بِهَا عَلِيٌّ وَ قَبَّلَهَا وَ رَدَّهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَحَيَّيْتُ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ حَيَّيْتُ بِهَا الْحَسَنَ ، فَتَحَيَّيْتُ بِهَا الْحَسَنَ وَ قَبَّلَهَا وَ رَدَّهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَحَيَّيْتُ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ حَيَّيْتُ بِهَا الْحُسَيْنَ ، فَتَحَيَّيْتُ بِهَا الْحُسَيْنَ وَ قَبَّلَهَا وَ رَدَّهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَتَحَيَّيْتُ بِهَا وَ حَيَّيْتُ بِهَا فَاطِمَةَ فَتَحَيَّيْتُ بِهَا وَ قَبَّلَهَا وَ رَدَّهَا إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَحَيَّيْتُ بِهَا وَ حَيَّيْتُ بِهَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَتَحَيَّيْتُ بِهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، فَلَمَّا هَمَّ أَنْ يَرُدَّهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَقَطَتِ التَّفَاحَةُ مِنْ بَيْنِ أُنَامِلِهِ ، فَاثْقَلَتْ نِصْفَيْنِ ، فَسَطَعَ مِنْهَا نُورٌ حَتَّى بَلَغَ السَّمَاءَ الدُّنْيَا ، فَإِذَا عَلَيْهَا سَطْرَانِ مَكْتُوبَانِ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَحِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سِبْطِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ أَمَانٌ يُحِبُّبُهُمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ »^١.

١: غاية المرام: ٦٥٩ ب ١١١ - مدينة المعاجز: ٦١، ملحق ح ١٣١ - مقتل خوارزمي: ج ١، ص ٩٥ - بحار الأنوار: ج ٤٣، ص ٣٠٨، ح ٧٢ عوالم: ج ١٦، ص ٦٢، ح ٢.



فضیلت هشتم

ابن عباس می‌گوید: روزی خدمت رسول خدا ﷺ نشسته بودم و در مقابل آن حضرت، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام نشسته بودند؛ در این هنگام جبرئیل نازل شد، در حالی که سیبی در دست داشت؛ پس از عرض سلام، آن سبب را خدمت رسول خدا ﷺ هدیه کرد. پس ایشان هدیه را قبول نموده و به علی بن ابی طالب علیه‌السلام اهدا نمودند؛ علی علیه‌السلام نیز آن را قبول نمودند، بوسیدند و به رسول خدا ﷺ بازگرداندند. آنگاه رسول خدا ﷺ آن را به حسن علیه‌السلام هدیه دادند، آن حضرت سبب را گرفتند، بوسیدند و به رسول خدا ﷺ دادند. باز رسول خدا ﷺ آن را به حسین علیه‌السلام هدیه نمودند و حسین علیه‌السلام نیز آن را بوسیدند و به رسول خدا ﷺ بازگرداندند؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را به فاطمه علیها‌السلام هدیه نمودند، آن حضرت نیز سبب را بوسیدند و به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دادند، پس برای مرتبه چهارم سبب به دست رسول خدا ﷺ رسید و باز آن را به علی بن ابی طالب علیه‌السلام هدیه نمودند، علی بن ابی طالب علیه‌السلام آن را پذیرفتند و چون خواستند سبب را به رسول خدا ﷺ برگردانند، سبب از بین انگشتان آن حضرت افتاد و دو نصف شد، آنگاه نوری از میان آن ساطع شد و به قدری بالا رفت تا به آسمان دنیا رسید، در این هنگام دیدند دو سطر بر آن نوشته شده:

(بسم الله الرحمن الرحيم ، این هدیه ایست از خدای متعال به محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن و حسین ، دو فرزندان رسول خدا و امانی برای محبتین آنها در روز قیامت از آتش جهنم است) .



الْمَنْقَبَةُ الثَّاسِيَةُ

حدثني نوح بن أحمد بن أيمن رضي الله عنه، قال: حدثني إبراهيم بن أحمد بن أبي
حصين، قال: حدثني يحيى بن عبد الحميد، قال: حدثني قيس بن الربيع، قال:
حدثني سليمان الأعمش، عن جعفر بن محمد عليه السلام قال:
« حَدَّثَنِي أَبِي ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ :
حَدَّثَنِي أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ، قَالَ : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم :
يَا عَلِيُّ ! أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ .
يَا عَلِيُّ ! أَنْتَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ ، وَ وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ ، وَ خَيْرُ
الصِّدِّيقِينَ ، وَ أَفْضَلُ السَّابِقِينَ .
يَا عَلِيُّ ! أَنْتَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَ خَلِيفَةُ خَيْرِ الْمُرْسَلِينَ .
يَا عَلِيُّ ! أَنْتَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ .
يَا عَلِيُّ ! أَنْتَ الْحُجَّةُ بَعْدِي عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ ، اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ
مَنْ تَوَلَّاكَ ، وَ اسْتَحَقَّ النَّارَ مَنْ عَادَاكَ .
يَا عَلِيُّ ! وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَ اصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ ؛
لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا بِوِلَايَتِكَ
وَ وِلَايَةِ الْأُمَّةِ مِنْ وَدِّكَ ، وَ إِنْ وِلَايَتِكَ لَا تُقْبَلُ إِلَّا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ
أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ الْأُمَّةِ مِنْ وَدِّكَ . بِذَلِكَ أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عليه السلام :
﴿ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ﴾ ^(١) ٢ .

١ : سورة كهف: آية ٢٩.

٢ : اليقين: ٥٦ - بحار الأنوار: ج ٢٧، ص ١٩٩، ح ٦٦ - غاية المرام: ١٧، ح ٩ اثبات الهداة: ج ٤، ص ١٦٨، ح ٥٠٧ - كنز الفوائد «كراجكي»: ١٨٥ - بحار الأنوار به نقل از كنز: ج ٢٧، ص ٦٣، ح ٢٢ - المستدرک: ج ١، ص ٢٣، ح ٥٤ - روضات الجنات: ١٨٣، ٦.



فضیلت نهم

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند:

ای علی! شما امیر مؤمنان و پیشوای متقینی.

ای علی! شما سرور اوصیا و وارث علم پیامبران و بهترین راستگویان و برتر از پیشینیانی.

ای علی! شما همسر سرور زنان عالمیان و جانشین و خلیفه‌ی بهترین پیامبرانی.

ای علی! شما مولای مؤمنینی.

ای علی! شما حجت (خدایی) پس از من بر همه‌ی مردم، هر کس شما را دوست بدارد بهشت بر او واجب و هر کس با شما دشمنی کند مستحق آتش دوزخ است.

ای علی! قسم به آن خدایی که مرا مبعوث به رسالت فرمود و مرا بر تمام خوبان عالم برتری داد، اگر بنده‌ای هزار سال خداوند را عبادت کند، این عبادت (هزار ساله او) قبول نشود مگر به ولایت شما و ولایت امامان از فرزندان شما، و ولایت شما قبول نمی‌شود مگر با بی‌زاری و دوری جستن از دشمنان شما و دشمنان امامان از فرزندان شما.

این مطلبی است که جبرئیل علیه السلام به من ابلاغ نموده؛ (سپس این آیه را تلاوت نمودند: ﴿پس هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کفر ورزد﴾).



الْمَنْقَبَةُ الْخَاشِعَةُ

حدثنا سهل بن أحمد رضي الله عنه ، قال: حدثني علي بن عبدالله، قال: حدثني الربيري إسحاق بن إبراهيم، قال: حدثني عبدالرزاق بن همام عن أبيه، قال: حدثنا مينا مولى عبدالرحمن بن عوف، قال: حدثني عبدالله بن مسعود، قال: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَدْ أَصْحَرَ فَتَنَفَّسَ الصُّعْدَاءُ ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَكَ تَتَنَفَّسُ ؟

قال : « يَا ابْنَ مَسْعُودٍ نَعَيْتَ إِلَيَّ نَفْسِي » .

قُلْتُ : اسْتَخْلِفْ يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قال : « مَنْ ؟ » .

قُلْتُ : أَبَا بَكْرٍ . فَسَكَتَ ، ثُمَّ تَنَفَّسَ ، فَقُلْتُ : مَا لَكَ تَتَنَفَّسُ

فَدَتَكَ نَفْسِي يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟

قال : « نَعَيْتَ إِلَيَّ نَفْسِي » .

قُلْتُ : اسْتَخْلِفْ يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قال : « مَنْ ؟ » .

قُلْتُ : عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ . فَسَكَتَ ، ثُمَّ تَنَفَّسَ ثَالِثًا ، فَقُلْتُ :

فِذَاكَ أَبِي وَ أُمِّي ، مَا لِي أَرَاكَ تَتَنَفَّسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟

قال : « نَعَيْتَ إِلَيَّ نَفْسِي » .

قُلْتُ : اسْتَخْلِفْ يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قال : « مَنْ ؟ » .

قُلْتُ : عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، فَبَكَى وَ قَالَ :

« أَوْهٌ... وَ لَنْ تَفْعَلُوا ، فَوَاللَّهِ لَوْ أَطَعْتُمُوهُ لَيَدْخِلَنَّكُمْ الْجَنَّةَ ،

وَ إِنْ خَالَفْتُمُوهُ لَيَحْبِطَنَّ أَعْمَالُكُمْ » .^۱

۱ : غاية المرام: ۶۹، ح ۱۴ - فرائد السمطين «حموي»: ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۲۰۹ به نقل از خوارزمی - بحار الأنوار: ج ۳۸، ص ۱۱۷، ح ۵۷ مناقب ابن شهر آشوب: ۲، ۲۶۲ و خوارزمی در مناقب: ص ۶۴.



فضیلت دهم

عبداللہ بن مسعود می گوید :

روزی در خدمت رسول خدا ﷺ به صحرا رفته بودم ، دیدم آن حضرت به تندی نفس می زند ، عرض کردم : ای رسول خدا ! شما را چه می شود که به تندی نفس می زنید ؟

ایشان فرمودند : ای ابن مسعود ! نفسم به من خبر مرگ می دهد !

عرض کردم : ای رسول خدا ! جانشینی برای خود تعیین کنید .

فرمودند : چه کسی را ؟

عرض کردم : ابابکر .

پیامبر ﷺ ساکت شدند .

دوباره دیدم آن حضرت به تندی نفس می زنند ، عرض کردم : فدایت

شوم ، شما را چه می شود ؟

فرمودند : نفسم به من خبر مرگ می دهد !

عرض کردم : ای رسول خدا ! جانشینی برای خود قرار دهید .

فرمودند : چه کسی را ؟

عرض کردم : عمر بن الخطاب .

بار دیگر آن حضرت ساکت شدند . دوباره دیدم به تندی نفس

می زنند ؛ باز هم عرض کردم : پدر و مادرم به فدای شما ؛ چرا این گونه

نفس می زنید ؟



آن حضرت فرمودند: نفسم به من خبر مرگ می دهد!
عرض کردم: ای رسول خدا! جانشینی برای خود تعیین کنید.
آن حضرت فرمودند: چه کسی را؟
عرض کردم علی بن ابی طالب علیه السلام.
در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله گریستند، آهی کشیدند و فرمودند:
چنین نمی کنید (یعنی سخن مرا را می کنید و نمی گذارید او به خلافت برسد) به
خدا قسم اگر از او اطاعت کنید، خداوند همه ی شما را داخل بهشت
می نماید و اگر با او مخالفت کنید، همه ی اعمالتان نابود می شود!



الْمَنْقَبَةُ الْحَادِيَةُ عَشْرَةَ

أخبرنا سهل بن أحمد بن عبد الله الكوفي، قال: حدثني عبد الله الحسين ابن محمد الزرنوبي، قال: حدثني إبراهيم بن محمد الثقيفي، قال: حدثني عبدالرحمن السراج، قال: حدثني قتيبة بن سعيد أبوالرجاء عن نافع عن عبد الله بن عمر ابن الخطاب، قال:

قال رسول الله ﷺ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

« يَا عَلِيُّ ! إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُؤْتَى بِكَ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُورٍ وَ عَلَى رَأْسِكَ تاجٌ يُضِيءُ يَكَادُ نُورُهُ يَخْطِفُ أَبْصَارَ أَهْلِ الْحَشْرِ ، فَيَأْتِي التِّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ : « أَيْنَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ؟ » فَتَقُولُ يَا عَلِيُّ : هَا أَنَا ، فَيُنَادِي الْمُنَادِي : « مَنْ أَحَبَّكَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَ مَنْ عَادَاكَ أَدْخَلَهُ النَّارَ » فَأَنْتَ الْقَسِيمُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْجُبَّارِ »^١.

١ : غاية المرام: ٦٩، ح ١٥- امالى صدوق: ص ٢٩٥، ح ١٤ - بحار الأنوار: ج ٧، ص ٢٣٢، ح ٣ - الجواهر السنوية: ٢٢٧ - اثبات الهداة: ج ٣، ص ٤٠٢، ح ٢٧٢ - ينابيع المودة: ص ٨٣.



فضیلت یازدهم

عبدالله بن عمر نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مولا علی علیه السلام فرمودند: ای علی! هنگامی که قیامت فرارسد، شما را وارد محشر می کنند در حالی که سوار ناقه ای از نور هستید و تاجی از نور بر سر شما می باشد که چشمان اهل محشر از آن نور خیره می شود. در این هنگام ندایی از جانب پروردگار متعال جلّ جلاله می آید که: کجاست خلیفه و جانشین محمد رسول خدا؟ و شما ای علی! در جواب این ندا خواهی گفت: منم خلیفه ی محمد صلی الله علیه و آله. سپس ندایی می آید که: هر کس شما را دوست داشته باشد او را داخل بهشت فرما و هر کس با شما دشمنی نموده داخل آتش نما. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی! شما به امر خداوند جبار، تقسیم کننده ی بندگان برای بهشت و جهنم هستید.



الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ عَشْرَةَ

أخبرني أبو محمد جعفر بن أحمد بن الحسين الشاشي من كتابه قال: حدثني أحمد بن زياد القطنان في دكانه بدار القطن بمدينة السلام، قال: حدثني يحيى بن أبي طالب، قال: حدثني عمر بن عبدالغفار، قال: حدثني الأعمش، عن أبي صالح، عن أبي هريرة، قال:

كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ أَقْبَلَ عَلَيَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: « يَا أَبَاهُ رَيْرَةٌ! أَتَدْرِي مَنْ هَذَا؟ » .

قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ .

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: « هَذَا الْبَحْرُ الرَّاحِرُ، هَذَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَسْحَى مِنْ الْفُرَاتِ كَفَاءً وَ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا قَلْبًا، فَمَنْ أَبْغَضَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ » ١ .

فضیلت دوازدهم

ابوهریره می گوید:

در خدمت رسول خدا ﷺ بودیم که علی بن ابی طالب ﷺ وارد شد؛ پیامبر ﷺ فرمودند: ای اباهریره! آیا می دانی این کیست؟

عرضه داشتم: آری ای رسول خدا! این علی بن ابی طالب ﷺ است.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: این است دریای موج، این است خورشید فروزان، دست با سخاوت او بخشنده تر از فرات، و قلب او وسیع تر از دنیا است؛ پس هر که بغض و کینه‌ی او را در دل داشته باشد، لعنت خدا بر او باد.

١: بحار الأنوار: ج ٢٧، ص ٢٢٧، ح ٢٩ - كز الفوائد «كراجکی»: ٦٢.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ عَشْرَةَ

حدثنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن مسرور اللخام الله، قال: حدثني الحسين بن محمد، قال: حدثني أحمد بن علوية المعروف بابن الأسود الكاتب الأهباني، قال: حدثني إبراهيم بن محمد، قال: حدثني عبدالله بن صالح، قال: حدثني جبرير بن عبد الحميد عن مجاهد عن ابن عباس، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَا مَرَرْتُ بِمَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا سَأَلُونِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ اسْمَ عَلِيٍّ أَشْهَرُ فِي السَّمَاءِ مِنْ إِسْمِي! فَلَمَّا بَلَغْتُ السَّمَاءَ الرَّابِعَةَ فَنَظَرْتُ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ عليه السلام فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! مَا فَعَلَ عَلِيٌّ؟ قُلْتُ: يَا حَبِيبِي وَ مِنْ أَيْنَ تَعْرِفُ عَلِيًّا؟

قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! وَمَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى خَلْقًا إِلَّا وَ أَنَا أَقْبِضُ رُوحَهُ بِيَدِيَّ مَا خَلَا أَنْتَ وَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقْبِضُ أَرْوَاحَنَا بِقُدْرَتِهِ.

فَلَمَّا صِرْتُ تَحْتَ الْعَرْشِ نَظَرْتُ إِذَا أَنَا بِعَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَاقِفٌ تَحْتَ عَرْشِ رَبِّي، فَقُلْتُ: يَا عَلِيُّ سَبَقْتَنِي؟ فَقَالَ لِي جَبْرَائِيلُ: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ الَّذِي تُكَلِّمُهُ؟ قُلْتُ: هَذَا أَخِي عَلِيُّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ.

فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! لَيْسَ هَذَا عَلِيًّا بِنَفْسِهِ، وَ لَكِنَّهُ مَلَكٌ مِنْ الْمَلَائِكَةِ خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى صُورَةِ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، فَنَحْنُ



الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ كُلَّمَا اسْتَقْنَا إِلَىٰ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ زُرْنَا هَذَا الْمَلِكَ لِكِرَامَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ، وَنَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِشَيْعَتِهِ « ۱ » .

فضیلت سیزدهم

ابن عباس می گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

در شب معراج که مرا به آسمان بردند، با هیچ گروهی از فرشتگان ملاقات نکردم مگر اینکه در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال می کردند، که من گمان کردم اسم علی علیه السلام در آسمانها مشهورتر از اسم من است! به آسمان چهارم که رسیدم، ملک الموت علیه السلام را دیدم؛ از من سؤال کرد: ای محمد! علی علیه السلام چه می کند؟

گفتم: ای حبیب من! تو از کجا علی علیه السلام را می شناسی؟

عرض کرد: ای محمد! خداوند تعالی خلقی را نیافریده مگر اینکه من با دست خود او را قبض روح می کنم، مگر شما و علی بن ابی طالب علیه السلام؛ همانا خداوند تعالی شما را به قدرت خود، قبض روح می فرماید.

به زیر عرش الهی که رسیدم، علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم که زیر عرش پروردگارم ایستاده است. گفتم: یا علی! آیا شما از من (در عروج به آسمانها و عرش) سبقت گرفته ای؟

۱: مدینه المعاجز: ص ۱۴۳، ح ۴۰۴ - کنز الفوائد: ۲۵۹ - بحار الأنوار به نقل از کنز: ج ۱۸،

ص ۳۰۰، ح ۳.



جبرئیل علیه السلام عرضه داشت: ای محمد! با چه کسی سخن می‌گویی؟

گفتم: علی بن ابی طالب علیه السلام.

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: ای محمد! این، شخص علی بن ابی طالب علیه السلام نیست! بلکه ملکی از ملائکه خداوند متعال است که او را به صورت علی بن ابی طالب علیه السلام خلق نموده و هرگاه ما ملائکه‌ی مقرب، مشتاق زیارت صورت علی بن ابی طالب علیه السلام می‌شویم، این ملک را زیارت می‌کنیم، و این به خاطر کرامتی است که علی بن ابی طالب علیه السلام نزد خداوند سبحان دارد، و آنگاه برای شیعیان آن حضرت، از خداوند طلب مغفرت می‌نمائیم.



الْمَنْقَبَةُ الرَّابِعَةُ عَشْرَةَ

حدثني أبو الحسن علي بن أحمد بن متويه المقرئ رضي الله عنه قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني محمد بن علي، قال: حدثني علي بن عثمان، قال: حدثني محمد بن فرات، عن محمد بن علي الباقر، عن أبيه، عن جده الحسين بن علي عن أبيه عليه السلام، قال:

قال رسول الله ﷺ: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِي ، وَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتِي ، وَ بَابُ اللَّهِ وَ بَابِي ، وَ صَفِيُّ اللَّهِ وَ صَفِيِّي ، وَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ حَبِيبِي ، وَ خَلِيلُ اللَّهِ وَ خَلِيلِي ، وَ سَيْفُ اللَّهِ وَ سَيْفِي . وَ هُوَ أَخِي وَ صَاحِبِي وَ وَزِيرِي وَ وَصِيِّي ، مُحِبُّهُ مُحِبِّي وَ مُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَ وَلِيِّهُ وَ لِيِّي وَ عَدُوُّهُ عَدُوِّي ، وَ زَوْجُ ابْنَتِي ، وَ وُلْدُهُ وَ وُلْدِي ، وَ حَرْبُهُ حَرْبِي وَ قَوْلُهُ قَوْلِي ، وَ أَمْرُهُ أَمْرِي ، وَ هُوَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ ، وَ خَيْرُ أُمَّتِي ، وَ سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ بَعْدِي .»^۱

۱: غاية المرام: ۶۹، ح ۱۶ - كنز الفوائد «كراجكي»: ۱۸۵، بحار الأنوار به نقل از كنز: ۲۶، ۲۶۳

ح ۴۷ و اثبات الهداة: ۳، ۶۳۲، ح ۸۶۰



فضیلت چهاردهم

حضرت امام محمد باقر علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی بن ابی طالب علیه السلام جانشین خدا و جانشین من است، و حجّت خدا و حجّت من است، و باب من است، و برگزیده‌ی خدا و برگزیده‌ی من است، و حبیب خدا و حبیب من است، و دوست خدا و دوست من است، و شمشیر خدا و شمشیر من است.

او برادر من، دوست من، وزیر و وصی من است، دوستدار او دوستدار من است؛ دشمنی با او دشمنی با من است و دوست او دوست من، و دشمن او دشمن من است؛ اوست شوهر دختر من، و فرزندان او فرزندان من، و جنگ با او جنگ با من است، سخن او سخن من، و امر او امر من است؛ اوست سرور جانشینان (پیامبران گذشته) و اوست بهترین امت من، و سرور فرزندان آدم است بعد از من.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ عَشْرَةَ

حدثني القاضي المعافي بن زكريا، قال: حدثني الحسن بن علي العاصمي، قال: حدثني مهيب عن أبيه، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، قال: « حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ مَلَكٌ لَهُ عِشْرُونَ رَأْسًا، فِي كُلِّ رَأْسٍ أَلْفُ لِسَانٍ، يُسَبِّحُ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُهُ، كُلُّ لِسَانٍ بِلُغَةٍ لَا تَشْبَهُ الْأُخْرَى وَ رَاحَتُهُ أَوْسَعُ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ، فَحَسِبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ جَبْرَيْلُ، فَقَالَ: يَا جَبْرَيْلُ! لَمْ تَأْتِنِي فِي مِثْلِ هَذِهِ الصُّورَةِ قَطُّ؟ فَقَالَ الْمَلَكُ: مَا أَنَا جَبْرَيْلُ، أَنَا صَرَصَائِلُ، بَعَثَنِي اللَّهُ إِلَيْكَ لِتَرْوِجَ التُّورَ مِنَ التُّورِ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ بِمَنْ؟

قَالَ: ابْنَتُكَ فَاطِمَةُ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

قَالَ: فَزَوَّجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ عليها السلام مِنْ عَلِيِّ عليه السلام بِشَهَادَةِ جَبْرَيْلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ صَرَصَائِلَ عليهم السلام.

قَالَ: فَتَنَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا بَيْنَ كِتْفَيْ صَرَصَائِلَ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مُقِيمُ الْحُجَّةِ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا صَرَصَائِلُ! مُنْذُ كَمْ كُتِبَ هَذَا بَيْنَ كِتْفَيْكَ؟ قَالَ: مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِإِثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ سَنَةٍ^١.

١: مدينة المعاجز: ص ١٥٨، ح ٤٣٦ - المناقب «خوارزمي»: ٢٤٥ - كشف الغمة به نقل از خوارزمي: ج ١، ص ٣٥٢ - بحار الأنوار: ج ٤٣، ص ١٢٣، ح ٣١ - العوالم: ج ١١، ص ١٨٤، ح ٢٦ به نقل از كشف الغمة - المحتضر: ص ١٣٣ عن الحسن عليه السلام.



فضیلت پانزدهم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می‌کنند که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه‌ی امّ سلمه بودند؛ فرشته‌ای خدمت آن حضرت رسید که بیست سر، و در هر سر هزار زبان داشت، و با هر زبان تسبیح و تقدیس الهی می‌کرد، اما لغت هیچ یک از آن زبان‌ها به دیگری شبیه نبود؛ کف دست آن ملک (بال او) از هفت آسمان و هفت زمین وسیع‌تر بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم گمان کردند، جبرئیل علیه السلام است و فرمودند: ای جبرئیل! هرگز به این صورت نزد من نیامده بودی! آن ملک عرضه داشت: من جبرئیل نیستم، نام من صرصائیل است، خداوند مرا خدمت شما فرستاده، تا نور را به ازدواج نور درآورید!

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چه کسی را به چه کسی؟

صرصائیل عرض کرد: دخترتان فاطمه علیها السلام را برای علی بن ابی طالب علیه السلام در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه علیها السلام را برای علی علیه السلام با گواهی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و صرصائیل علیهم السلام تزویج نمودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میان دو کتف صرصائیل را دیدند که بر آن نوشته شده بود: نیست خدائی جز خدای یگانه، محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پیامبر رحمت است، علی بن ابی طالب علیه السلام اقامه کننده‌ی حجّت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای صرصائیل! چه مدّت است که این

جملات میان دو کتف تو نوشته شده؟

عرض کرد: دوازده هزار سال قبل از خلقت آدم.

الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ عَشْرَةَ

حدثنا أبو عبدالله محمد بن وهبان الهنادي رضي الله عنه قال: حدثني أحمد بن إبراهيم، قال: حدثني الحسين بن عبدالله الرضفاني، قال: حدثني إبراهيم بن محمد التقي، قال: حدثني يحيى بن عبدالقدوس، قال: حدثني عجل بن محمد الطيالي، قال: حدثني محمد بن وكيع الجراح، قال: حدثني فضيل بن مرزوق، عن مطية الوفي عن أبي سعيد الخدري، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: « إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكَيْنِ يَقْعُدَانِ عَلَى الصِّرَاطِ ، فَلَا يَجُوزُ بِهِمَا أَحَدٌ إِلَّا بِبِرَاءَةٍ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ بِرَاءَةٌ ، أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَلَكَيْنِ الْمُؤَكَّلَيْنِ عَلَى الْجَوَازِ أَنْ يُوقِفَاهُ وَ يَسْأَلَاهُ ، فَلَمَّا عَجَزَ عَنْ جَوَابِهَا ، فَيَكْتَبَاهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿ وَ قَفُوهُمْ إِنتِهَمْ مَسْئُولُونَ ﴾ ١ .»

قُلْتُ: فِذَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ مَا مَعْنَى الْبِرَاءَةِ الَّتِي أَعْطَاهَا عَلِيٌّ؟

فَقَالَ: « مَكْتُوبٌ بِالنُّورِ السَّاطِعِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ » ٢ .

١: سورة صافات: آية ٢٤.

٢: اليقين في امرة أمير المؤمنين عليه السلام: ٥٧ - البرهان: ج ٤، ص ١٧، ح ٣ - غاية المرام: ١٧، ح

١٠ - بحار الأنوار: ج ٣٩، ص ٢٠١، ح ٢٢ به نقل از اليقين.



فضیلت شانزدهم

ابوسعید خدری می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: هنگامی که قیامت فرا رسد، خداوند متعال به دو فرشته امر می فرماید تا بر پل صراط بایستند؛ اجازه ی عبور به احدی نمی دهند مگر با جوازی از علی بن ابی طالب علیه السلام، و هر کس آن جواز را نداشته باشد، خداوند به آن دو فرشته امر می فرماید تا او را متوقف کرده، از او سؤال کنند، و چون نتواند جواب آن دو فرشته را بدهد، او را با صورت به آتش جهنم می افکنند! این است فرمایش خداوند متعال در قرآن که می فرماید: ﴿ آنها را متوقف کنید! که سخت مسؤول می باشند ﴾.

ابوسعید می گوید، عرضه داشتم: پدر و مادرم فدای شما ای رسول خدا! منظور از جوازی که علی علیه السلام می دهد چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در آن جواز با نوری درخشان نوشته شده:

« لا إله إلا الله ، مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ ، عَلِيٌّ وَوَلِيُّ اللهِ » .

الْمَنْقَبَةُ السَّابِغَةُ عَشْرَةَ

حدثنا أحمد بن محمد بن عبدالله الحافظ رحمه الله قال: حدثني علي بن سنان الموصلي، قال: حدثنا أحمد بن محمد الحلبي الآملي، قال: حدثنا محمد بن صالح، قال: حدثني سليمان بن أحمد، قال: حدثني زياد بن مسلم، قال: حدثني عبدالرحمان ابن يزيد بن جابر، قال: حدثني سلام عن أبي سلمة راعي رسول الله ﷺ قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَيْلَةُ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِي الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ: ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ - قُلْتُ: - وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأُكْتِفَتِهِ وَكُتِبَ وَرُسُلِهِ﴾ قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ؛ مَنْ خَلَفْتَ فِي أُمَّتِكَ؟ قُلْتُ: خَيْرَهَا. قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؟

قُلْتُ: نَعَمْ، يَا رَبِّ.

قال: يا مُحَمَّدُ! إِنِّي اطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ، فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا، فَشَقَّقْتُ لَكَ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي، فَلَا أَدُكُرُ فِي مَوْضِعٍ إِلَّا ذَكَرْتَ مَعِي، فَأَنَا الْمُحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدُ، ثُمَّ اطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا، فَشَقَّقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي، فَأَنَا الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ.

يا مُحَمَّدُ! إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأُمَّةَ مِنْ وَ لِدِهِ مِنْ سِنِّ نُورِي، وَ عَرَضْتُ لِأَيْتِكُمْ عَلَى أَهْلِ



السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ ، فَمَنْ قَبْلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ،
وَ مَنْ بَعْدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ .

يَا مُحَمَّدُ ! لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِي عَبَدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَ يَصِيرَ
كَالشَّنِّ الْبَالِي ، ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لِيُؤَلِّيَتِكُمْ مَا غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يُقِرَّ
بِوَلَايَتِكُمْ .

يَا مُحَمَّدُ ! أَتَحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ ؟
قُلْتُ : نَعَمْ ، يَا رَبِّ .

فَقَالَ لِي : ائْتَيْتَ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ ، فَالْتَمَتُّ ، فَإِذَا أَنَا بِعَلِيِّ
وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْمُهْدِيِّ ، فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ
نُورٍ ، قِيَامٌ يُصَلُّونَ وَ فِي وَسْطِهِمُ الْمُهْدِيُّ يُضِيءُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ .
فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ! هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ وَ هُوَ الثَّائِرُ مِنْ عِزَّتِكَ ،
فَوَعِزَّتِي وَ جَلَالِي إِنَّهُ الثَّائِرُ لِأَوْلِيَائِي ، وَ الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي ،
وَ هُمْ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ ، وَ بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ أَنْ تَقَعَ عَلَى
الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ « ١ .

١: بحار الأنوار: ج ٢٧، ص ١٩٩، ح ٦٧ - مدينة المعاجز: ص ١٤٣، ح ٤٠٥ - مقتل الحسين عليه السلام
«خوارزمي»: ج ١، ص ٩٥ - الطرائف به نقل از خوارزمي: ص ١٧٢، ح ٢٧٠ حلية الأبرار: ج
٢، ص ٧٢٠، ح ١٢٩ - ينابيع المودة: ٤٨٦ - الصراط المستقيم: ج ٢، ص ١١٧ غاية المرام: ص
٣٥، ح ٢١ - الزام الناصب: ج ١، ص ١٨٦ - فرائد السمطين: ج ٢، ص ٣١٩ ح ٥٧١ به اسناد
خوارزمي - غاية المرام: ص ٦٩٥، ح ٢٧.



فضیلت هفدهم

ابوسلمی که شتریان پیامبر خدا ﷺ بود، نقل می‌کند: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند:

شبی که مرا در آسمان‌ها سیر دادند (معراج)، خداوند جلیل جلّ جلاله به من فرمود: رسول به آنچه خدا بر او نازل فرمود، ایمان آورده - من عرض کردم - و مؤمنین نیز همگی به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیامبران الهی ایمان آوردند.

خداوند فرمود: درست گفתי ای محمد! چه کسی را در میان امت خود جانشین قرار دادی؟

عرض کردم: بهترین و خیرخواه‌ترین آنها را.

خداوند فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام را؟

عرض کردم: آری، ای پروردگار من!

خداوند فرمود: ای محمد! من بر (اهل) زمین نظر کردم و در بین آنها تو را برگزیدم، و آنگاه برای تو اسمی از اسامی خود انتخاب نمودم، پس جایی یاد نمی‌شوم و ذکر من برده نمی‌شود مگر اینکه از تو نیز یاد می‌شود، پس من محمودم و تویی محمد.

سپس برای مرتبه دوم بر زمین نظر افکندم و علی علیه السلام را انتخاب و اختیار نمودم، و برای او نیز اسمی از اسامی خود برگزیدم، پس منم علی اعلی و اوست علی.

ای محمد! همانا من و تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان (از فرزندان حسین) را از اصل نور خودم خلق نمودم! و ولایت شما را بر



اهل آسمان‌ها و اهل زمین‌ها عرضه داشتم، پس هر که ولایت شما را قبول کرد، او نزد من از مؤمنین به شمار می‌آید و هر کس انکار کرد ولایت شما را، نزد من از کافرین است.

ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگان من آنقدر مرا عبادت کند که مانند مشک خشکیده شود، سپس (در روز قیامت) نزد من آید در حالی که منکر ولایت شما باشد، او را نمی‌بخشم مگر اینکه اقرار کند به ولایت شما.

ای محمد! آیا دوست داری آنها (اهل بیت) را ببینی؟
عرض کردم: آری.

خداوند فرمود: به سمت راست عرش بنگر.

چون نگاه کردم دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی علیه السلام در حبیبی از نور، مشغول نمازند! مهدی در وسط ایشان ایستاده و مانند ستاره‌ای درخشان پرتو افکنی می‌کند!

در آن هنگام خداوند فرمود: ای محمد! اینان حجت‌های من می‌باشند و او (یعنی مهدی) منتقم خون فرزندان تو است، قسم به عزت و جلالم که او اولیای مرا یاری می‌کند و انتقام می‌گیرد از دشمنان من، او حجت من است بر آنان، اطاعتش بر اولیای من واجب است و به واسطه‌ی آنهاست که خداوند آسمان‌ها را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او (پروردگار).



الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ عَشْرَةَ

حدثني محمد بن سعيد أبو الفرج، قال: حدثني أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثني سعد بن طريف الخفاف، قال: حدثني سعيد بن جبير، عن ابن عباس، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ! أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَ أَنْتَ بَابُهَا، وَ لَنْ تُؤْتِيَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ، وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُكَ، لِأَنَّكَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ، لِحُمُكَ مِنْ لِحْمِي وَ دَمُكَ مِنْ دَمِي، وَ رُوحُكَ مِنْ رُوحِي، وَ سَرِيرَتُكَ مِنْ سَرِيرَتِي، وَ عَلَانِيَتُكَ مِنْ عَلَانِيَتِي، وَ أَنْتَ إِمَامٌ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي، سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ، وَ شَقِيَ مَنْ عَصَاكَ، وَ رَبِحَ مَنْ تَوَلَّاكَ، وَ خَسِرَ مَنْ عَادَاكَ، وَ فَازَ مَنْ لَزِمَكَ، وَ خَسِرَ مَنْ فَارَقَكَ .

فَمَثَلُكَ وَ مَثَلُ الْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ رَكِبَهَا نَجَّى، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، وَ مَثَلُكُمْ مَثَلُ التُّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^١.

١: غاية المرام: ٥٤٣، ح ٧ - امالي صدوق: ٢٢٢، ح ١٨ وكمال الدين: ١ ٢٤١ ح ٦٥ بحار الأنوار: ١٢٥/٢٣، ح ٥٣ - غاية المرام: ٥٠، ح ١٦ - بشارة المصطفى «طبرى»: ٣٩ - فرائد السمطين: ٢٤٣/٢، ح ٥١٧ وجامع الأخبار: ١٦ - اثبات الهداة: ٨٨/٣، ح ٧٩٢ به نقل از جامع الأخبار - غاية المرام: ٣٧، ح ٣١ - ينابيع المودة: ٣٨ - احقاق الحق: ١٤٩/٤.



فضیلت هجدهم

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: ای علی! من شهر حکمت و شما در آن می‌باشی، و کسی وارد شهری نمی‌شود مگر از در آن؛ دروغ می‌گوید آن که گمان می‌کند مرا دوست دارد و با شما دشمن است، زیرا شما از من و من از شما میم، گوشت شما، گوشت من و خون شما، خون من، روح شما، روح من، و باطن شما، باطن من، و ظاهر شما، ظاهر من است. شما امام امت من و جانشین من هستید، سعادت مند کسی است که از شما اطاعت کند و بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند؛ کسی که شما را دوست داشته باشد، سود و منفعت برده است و دشمنی با شما ضرر و زیان به دنبال دارد، رستگار کسی است که ملازم شما باشد و زیانکار کسی است که تو را ترک نماید.

مثل شما و امامان از فرزندان شما بعد از من، مانند کشتی نوح علیه السلام است که هر کس بر آن سوار شد، نجات یافت و هر کس آن را ترک کرد غرق شد، و مثل شما مانند ستارگان است که با غروب یکی از آنها، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌نماید تا روز قیامت (یعنی تا روز قیامت عالم از وجود امامان خالی نمی‌ماند).



الْمَنْقَبَةُ الثَّاسِعَةُ عَشْرَةَ

حدثنی محمد بن حمید الجرار، قال: حدثنی الحسن بن عبدالصمد، قال: حدثنی یحیی بن محمد القاسم القزوینی، قال: حدثنی محمد بن الحسن الحافظ، قال: حدثنی أحمد بن محمد، قال: حدثنی هدبة بن خالد، قال: حدثنی حماد بن سلمة، قال: حدثنی ثابت عن أنس بن مالك، قال:

قال رسول الله ﷺ: «خَلَقَ اللهُ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَلِشِيعَتِهِ وَلِحُبَّيْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱.

فضیلت نوزدهم

انس بن مالک نقل می کند: پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

خداوند از نور جمال علی بن ابی طالب ﷺ هفتاد هزار ملک خلق نموده که تا روز قیامت برای او و شیعیان و محبانش استغفار می کنند.

۱: غایة المرام: ۵۸۵، ح ۷۵ - مدينة المعاجز: ۱۷۳، ح ۴۸۷ - المناقب «خوارزمی»: ۳۱ و مقتل الحسين ﷺ: ۱، ۳۹ - ارشاد القلوب: ۲۳۴ - مصباح الأنوار: ۶۴ (خطی) - غایة المرام: ۸، ح ۱۸ - المناقب المرتضوية «کشفی حنفی»: ۲۲۰ - أرجح المطالب «المرتسری»: ص ۴۶۳ کشف الغمة: ۱، ۱۰۳ به نقل از خوارزمی - بحار الأنوار: ۳۹، ۲۷۵، ح ۵۲ به نقل از کشف الغمة محتضر: ۹۵ مرسل.



الْمَنْقَبَةُ الْجَمَشُرُونَ

حدثنا سهل بن أحمد بن عبدالله، قال: حدثنا محمد بن جرير، قال: حدثني الحسن بن إبراهيم البغدادي، قال: حدثني محمد بن يعقوب الإمام، قال: حدثني أحمد بن يحيى، قال: حدثني عبدالرحمن بن مهدي، عن ابن عباس، قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال له: أيتنفعني حبُّ عليِّ بن أبي طالب عليه السلام؟ فقال له: « لا أعلم حتى أسأل جبرئيل عليه السلام » .

فأتاه جبرئيل في الحال، فسأله النبي صلى الله عليه وآله عن ذلك، فقال: لا أعلم حتى أسأل إسرافيل، فارتفع جبرئيل، فقال لإسرافيل: أيتنفع حبُّ عليِّ بن أبي طالب صلوات الله عليه؟ فقال: لا أعلم حتى أناجي ربَّ العِزة جَلَّ جلاله .

فأوحى الله تعالى إليه: « قل يا إسرافيلُ لأمنائي على وحيي أن أبلغوا تحييتي إلى حبيبي و يقولوا له: إنَّ الله يُقرُّكَ السَّلامَ و يقول: أنت مني حيثُ شئتُ و أنا و عليُّ منكَ حيثُ أنت مني و محبُّو عليِّ مني حيثُ عليُّ منكَ »^١.

١: غاية المرام: ٥٨٥، ح ٧٦ - مدينة المعاجز: ١٦٣، ح ٢٥٠ - الجواهر السننية به نقل از جزء

چهارم از كنز الفوائد كراچكى.



فضیلت بیستم

ابن عباس می‌گوید: مردی خدمت پیامبر خدا ﷺ شرفیاب شد و عرضه داشت: آیا محبت و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام برای من سود و منفعتی دارد؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: سؤالت را برای جبرئیل علیه السلام مطرح می‌کنم و جوابت را خواهم گفت.

در همان موقع جبرئیل علیه السلام خدمت آن حضرت مشرف شد و آن حضرت جواب سؤال آن مرد را جویا شدند؛ جبرئیل علیه السلام عرض کرد: این سؤال را برای اسرافیل علیه السلام مطرح می‌کنم. جبرئیل علیه السلام به آسمان رفت و به اسرافیل علیه السلام گفت: آیا محبت علی بن ابی طالب علیه السلام منفعت دارد؟ او گفت: باید با حضرت رب العزة جل جلاله مناجات کنم، آنگاه خداوند تعالی به اسرافیل علیه السلام وحی نمود و فرمود: ای اسرافیل! به امینان وحی من بگو به حبیب من سلام برسانند و بگویند: خداوند می‌فرماید: تو از من هستی، آن‌گونه که اراده‌ی من است، و من و علی نسبت به تو همان‌گونه‌ایم که تو نسبت به من می‌باشی، و مقام و منزلت محبتین علی نزد من، همان‌گونه است که علی نسبت به شما می‌باشد.



الْمَنْقَبَةُ الْخَاصِيَّةُ وَالْحَشْرُونَ

حدثني الحسن بن حمزة بن عبدالله عليه السلام قال: حدثني أحمد بن الحسن الخشاب، قال: حدثني أيوب بن نوح، قال: حدثني العباس، قال: حدثني عمرو بن أبان، قال: حدثني أبان بن تغلب، قال: حدثني عكرمة، عن ابن عباس، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ حَجَّةِ الْوِدَاعِ :

« أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّ جَبْرَيْلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ نَزَلَ عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : (إِنِّي اسْتَقْتُ إِلَى لِقَائِكَ فَأَوْصِ بِخَيْرٍ وَتَقَدَّمْ فِي أَمْرِكَ) .

أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنِّي قَدْ اقْتَرَبَ أَجْلِي ، وَكَأَنِّي بِكُمْ وَ قَدْ فَارَقْتُمُونِي وَ فَارَقْتُكُمْ ، فَإِذَا فَارَقْتُمُونِي بِأَبْدَانِكُمْ فَلَا تُفَارِقُونِي بِقُلُوبِكُمْ .

أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ نَبِيٌّ قَبْلِي خُلِدَ فِي الدُّنْيَا فَأَخْلَدَ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ : ﴿ وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ، أَلَمَّا مِتَّ فَأَهُمُّ

الْخَالِدُونَ ، كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ﴾ .

أَلَا وَ إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي بِوَصِيَّتِكُمْ ؛ أَلَا وَ إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أَدُلَّكُمْ عَلَى سَفِينَةِ نَجَاتِكُمْ وَ بَابِ حِطَّتِكُمْ ، فَمَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ النَّجَاةَ بَعْدِي



وَ السَّلَامَةَ مِنَ الْفِتَنِ الْمُرْدِيَةِ ، فَلَيَتَمَسَّكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَإِنَّهُ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ هُوَ إِمَامٌ كُلِّ مُسْلِمٍ
بَعْدِي ، مَنْ أَحَبَّهُ وَ اقْتَدَى بِهِ فِي الدُّنْيَا وَ رَدَّ عَلَيَّ حَوْضِي ، وَ مَنْ خَالَفَهُ
لَمْ أَرَهُ وَ لَمْ يَرْنِي وَ اخْتَلَجَ دُونِي فَأَخِذْ بِهِ ذَاتَ الشِّبَالِ إِلَى النَّارِ .
ثُمَّ قَالَ : أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنِّي قَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُحِبُّونَ
النَّاصِحِينَ ؛ أَقُولُ قَوْلِي هَذَا ، وَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ لِي وَ لَكُمْ « .
ثُمَّ أَخَذَ رَأْسَ عَلِيٍّ وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ قَالَ لَهُ :
« يَا عَلِيُّ ! فَضْلُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصَى ، فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ
وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ لَوْ اجْتَمَعَ الْخَلَائِقُ عَلَى مَحَبَّتِكَ وَ عَرَفَ حُقُوقَكَ مِنْكَ
مَا يَلِيقُ بِكَ ، مَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ » ١ .

١ : غايه المرام: ٤٥، ح ٤٨ - به اختصار در احقاق الحق: ٤، ٣٣١ به نقل از ابو بكر بن مؤمن
شیرازی متوفای ٣٨٨ در رساله الاعتقاد بنا بر آنچه در مناقب الكاشی آمده است.



فضیلت بیست و یکم

ابن عباس نقل می‌کند: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع بازگشتند، فرمودند:

ای مردم! همانا جبرئیل روح الامین علیه السلام از جانب پروردگarem جل جلاله بر من نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند تعالی می‌فرماید: من مشتاق لقای تو می‌باشم، پس وصیت کن به خیر (بهترین اوصیا را به مردم معرفی کن) و شتاب کن.

ای مردم! همانا اجل من نزدیک شده و گویا می‌بینم زمان آن رسیده که من از شما و شما از من جدا شوید، اما زمانی که من از بدن های شما جدا می‌شوم، شما قلب‌هایتان را از من جدا نکنید.

ای مردم! خداوند پیامبری قبل از من نداشته که در دنیا جاوید و ابدی نگاه داشته باشد که من نیز تا ابد زنده بمانم، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿و ما به هیچ کس قبل از تو عمر ابدی ندادیم (تا به تو دمیم) آیا با آن که تو (محبوب و مقرب ترین بنده مایی) خواهی مرد، دیگران در دنیا زنده بمانند؟ هر موجودی طعم مرگ را می‌چشد﴾.

آگاه باشید! که پروردگار من امر فرموده به شما وصیت کنم. (خلیفه و جانشین خود را معرفی کنم).

آگاه باشید! پروردگار من امر فرموده شما را راهنمایی کنم به کشتی نجات و راه قبولی توبه، پس هر کس از شما می‌خواهد بعد از من



نجات یابد و از فتنه‌ها سالم بماند، به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام چنگ بزند، همانا اوست راستگوی بزرگ و اوست جداکننده‌ی حق از باطل و اوست امام و پیشوای هر مسلمانی، پس از من .

هر کس او را دوست بدارد و به او در دنیا اقتدا نماید، در روز قیامت بر من بر سر حوض (کوثر) وارد می‌شود و هر کس با او مخالفت کند، مرا (در قیامت) نمی‌بیند؛ من نیز او را نخواهم دید و بین من و او جدایی می‌افتد، (و این جدایی باعث می‌شود) که او را به سوی آتش جهنم برند .

سپس فرمودند: ای مردم! من شما را نصیحت کردم، اما شما نصیحت‌کنندگان را دوست ندارید، (اما با این وجود، پیام الهی را برای شما) می‌گویم و گفته‌ی من این است (که برای شما گفتم) و برای خودم و شما از خداوند عظیم طلب مغفرت می‌کنم .

پس از آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سر علی علیه السلام را گرفتند و بین دو چشمان آن حضرت را بوسیدند و فرمودند: ای علی! فضائل شما بیش از آن است که شمارش شود و به حساب آید، پس سوگند به آن خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر بندگان بر محبت شما اجتماع می‌کردند و شما و حقوق شما را می‌شناختند، آن‌گونه شناختنی که سزاوار شما باشد، خداوند آتش جهنم را خلق نمی‌کرد .



الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَّةُ وَالْحِشْرُونَ

حدثنا أبو القاسم جعفر بن محمد قولويه عليه السلام قال: حدثني علي بن الحسين، قال: حدثني علي بن إبراهيم، عن أبيه، قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني محمد ابن فضيل، عن ثابت بن أبي حمزة، قال: حدثني علي بن الحسين عليه السلام، عن أبيه، قال:

« حَدَّثَنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : إِنْ أَلَّفَ اللَّهُ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتِي وَنَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَتِي وَ أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعَ أَمْرِي وَ أَنْ تُطِيعُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ بَعْدِي ، فَإِنَّهُ أَخِي وَ زَيْرِي وَ وَارِثُ عِلْمِي وَ هُوَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ ، حُبُّهُ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ .

أَلَا فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهُوَ مَوْلَاهُ ، أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ ، فَمَنْ عَصَى أَبَاهُ فَحَشِرَ مَعَهُ وَوُلِدَ نُوحٍ حَيْثُ قَالَ لَهُ أَبُوهُ : ﴿ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ، قَالَ سَأَوِي إِلَى جَبَلٍ ﴾ الْآيَةَ .
ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ : اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ ، وَ وَالِ وَاوِيَّهُ وَ عَادِ عَدُوَّهُ .

ثُمَّ بَكَى النَّبِيُّ ﷺ وَ وَدَّعَهُ ثَلَاثَ كَرَّاتٍ بِمَشْهَدٍ جَمَعَ مِنْ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ كَانُوا حَوْلَهُ جَالِسِينَ يَبْكُونَ ٢ .

١ : سورة هود: آية ٤٢ و ٤٣ .

٢ : غاية المرام: ١٦٥، ح ٥١ - كنز الفوائد: ١٨٥ - بحار الأنوار: ٢٦، ٢٦٣، ح ٤٨ - اثبات الهداة: ٣، ٦٣٢، ح ٨٦١ - روضات الجنات: ٦، ١٨٤ امالى صدوق: ٢٢، ح ٦ به اسناد ثابت بن ابي صفيه، از حضرت زين العابدين عليه السلام از پدران بزرگوارشان عليه السلام - بشارة المصطفى «طبري»: ١٩٦ به اسناد صدوق.



فضیلت بیست و دوم

حضرت امام سجاد علیه السلام از پدر بزرگوارشان علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کنند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

همانا خداوند متعال اطاعت مرا بر شما واجب نموده و از نافرمانی من نهی فرموده است؛ تبعیت از امر مرا بر شما واجب کرده و این که پس از من از علی بن ابی طالب علیه السلام اطاعت کنید؛ براستی که او برادر من، وزیر من و وارث علم من است، او از من و من از اویم، محبت او ایمان و دشمنی با او کفر است.

آگاه باشید! هر کس من مولای اویم پس او (علی علیه السلام) مولای اوست، من و علی علیه السلام دو پدر این امتیم، پس هر کس از پدرش نافرمانی کند با پسر نوح علیه السلام محشور می‌شود، آنگاه که پدرش به او گفت: ﴿ای پسر من تو هم بر این کشتی سوار شو (تا نجات یابی) و با کافران همراه مباش (که هلاک خواهی شد) در پاسخ گفت: من به زودی بر فراز کوه روم که از خطر هلاک شدن، نجات یابم﴾.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوندا! یاری فرما هر آن که یاری کند او را، و ذلیل فرما هر آن کس که ذلت او را خواهد؛ دوست بدار دوستانش را، و دشمن بدار دشمنانش را. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گریستند و با امیرالمؤمنین علیه السلام سه مرتبه وداع نمودند. این واقعه در جمع مهاجرین و انصار بود و همه‌ی کسانی که شاهد این صحبت‌ها و اطراف آن حضرت بودند نیز با رسول خدا صلی الله علیه و آله گریستند.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ وَالْجَشْرُونَ

حدثننا أحمد بن محمد رضي الله عنه من كتابه، قال: حدثني عبد الله بن جعفر، قال: حدثني إبراهيم بن هاشم، قال: حدثني جعفر بن محمد بن مروان، عن أبيه، قال: حدثني عبد الله بن يحيى، قال: حدثني محمد بن علي الباقر، عن أبيه، عن الحسين بن علي، عن أمير المؤمنين عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: « وَ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿ اَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴾ قَالَ صلى الله عليه وآله: « يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ إِذَا جَمَعَ الْحَلَائِقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ، كُنْتُ أَنَا وَ أَنْتَ يَوْمَئِذٍ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا مُحَمَّدُ! يَا عَلِيُّ! قُومَا وَ اَلْقِيَا مَنْ اَبْغَضَكُمَا وَ كَذَّبَكُمَا وَ خَالَفَكُمَا فِي النَّارِ »^۱.

فضیلت بیست و سوم

حضرت امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیه السلام از مولا علی علیه السلام نقل می کنند که فرمودند: از رسول خدا صلى الله عليه وآله در مورد آیه می: ﴿ امروز هر کافر معاند را در دوزخ افکنید ﴾ سؤال شد. رسول خدا صلى الله عليه وآله در جواب فرمودند: ای علی! هنگامی که روز قیامت شود، خداوند مخلوقات را در یک بیابان جمع می کند و من و شما در آن روز، سمت راست عرش می ایستیم و خداوند متعال می فرماید: ای محمد! ای علی! برخیزید و کسانی که دشمنی شما را داشتند، بر شما دروغ بستند و مخالفت کردند را درون آتش جهنم بیفکنید.

۱: سوره ق: آیه ۲۴.

۲: غایة المرام: ۳۹۰، ب ۱۰۱، ح ۲ - البرهان: ۴، ۲۲۷، ح ۱۸ - اللوامع النورانية: ۴۰۹
تفسیر قمی: ۶۴۴ - بحار الأنوار: ۳۹، ۱۹۹، ح ۱۳ - البرهان: ۴، ۲۲۳، ح ۱ - غایة المرام: ۳۹۰،
ب ۱۰۲، ح ۱ - تفسیر فرات کوفی: ۱۶۶ - شواهد التنزیل «حسکانی»: ۲، ۱۹۱، ح ۸۹۷
ینابیع المودة: ص ۸۵.

الْمَنْقَبَةُ الرَّابِعَةُ وَالْحَشْرُونَ

حدثنا محمد بن عبدالله بن عبدالله بن محمد بن الهاسم عن عباد بن يعقوب، قال: حدثني عمرو بن أبي القدام، عن أبيه، قال: حدثني سعيد بن جبير عن ابن عباس، قال:

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا مَا اسْتَقَرَّ الْكُرْسِيُّ وَالْعَرْشُ وَلَا دَارَ الْفُلْكِ وَلَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ) ». ثُمَّ قَالَ:

« إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَاحْتَصَّنِي بِلَطِيفِ نِدَائِهِ، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! قُلْتُ: لَبَّيْكَ رَبِّي وَ سَعَدَيْكَ، فَقَالَ: أَنَا الْمُحَمَّدُ وَ أَنْتَ مُحَمَّدٌ، شَقَقْتُ اسْمَكَ مِنْ إِسْمِي، وَ فَضَّلْتُكَ عَلَى جَمِيعِ بَرِيَّتِي، فَانصَبْتُ خَالِيَّ عَلِيًّا عَلِمًا لِعِبَادِي، يَهْتَدِيهِمْ إِلَى دِينِي.

يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ الْمُؤْمِنِينَ أَحْصَى عِبَادِي، وَ جَعَلْتُ عَلِيًّا الْأَمِيرَ عَلَيْهِمْ، فَمَنْ تَأَمَّرَ عَلَيْهِ لَعْنَتُهُ، وَ مَنْ خَالَفَهُ عَدْبَتُهُ، وَ مَنْ أَطَاعَهُ قَرَّبْتُهُ.

يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ عَلِيًّا إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ، فَمَنْ تَقَدَّمَ عَلَيْهِ أَخْزَيْتُهُ، وَ مَنْ عَصَاهُ اسْتَجَفَيْتُهُ، فَإِنِّي جَعَلْتُ عَلِيًّا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَ قَائِدَ الْعُرَى الْمُحْجَلِينَ وَ حُجَّتِي عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ! »

١: اليقين في امرة أمير المؤمنين ﷺ: ٥٧ - مدينة المعاجز: ١٥٧، ح ٢٢٨ - غاية المرام: ١٧، ح ١١ بحار الأنوار: ٢٧، ٨، ح ١٦ به نقل از اليقين - الجواهر السنوية: ٣٠٠ - تأويل الآيات: ١٨٦، ح ٣٤.



فضیلت بیست و چهارم

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

قسم به آن خدایی که مرا به حق مبعوث نمود و برای بشارت و هشدار برانگیخت، عرش و کرسی استوار نگردید و دنیا ایجاد نشد و آسمانها و زمین مستقر نشدند، مگر بعد از آنکه خداوند بر آنها نوشت: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ) سپس فرمودند: همانا هنگامی که خداوند تعالی مرا به آسمان عروج داد و مرا مورد لطف و ندای خود قرار داد، فرمود: ای محمد! عرض کردم: لبیک، ای پروردگار من! فرمود: من محمود می باشم و تو محمد، اسم تو را از اسم خود مشتق نمودم و تو را بر همه ی خلائقم برتری دادم، پس تو نیز برادرت علی علیه السلام را نشانه ای برای بندگانم منصوب کن، تا آنها را به دین من هدایت کند.

ای محمد! من مؤمنین را برگزیده ترین خلقم و علی علیه السلام را امیر آنها قرار دادم. پس هر کس بر او حکومت کند (خود را امیر مسلمین قرار دهد) او را لعنت می کنم و هر کس با او مخالفت کند، عذابش می کنم و اطاعت کننده ی او را، از مقربین قرار می دهم.

ای محمد! من علی علیه السلام را امام مسلمین قرار دادم، پس هر کس خود را بر او مقدم کند، ذلیلش می کنم و هر کس از او نافرمانی کند، بر او سخت گیرم؛ همانا من علی علیه السلام را سرور و وصیین و پیشوای پیشانی سفیدان و حجت خود بر همه ی خلقم قرار دادم.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ وَالْجِشْرُونَ

حدیثی احد بن محمد بن عمران، قال: حدیثی الحسن بن محمد العسكري، قال: حدیثی ابراهیم بن عبدالله، قال: حدیثی عبدالرزاق، قال: حدیثی معمر عن یحیی بن ابي کثیر، عن ابيه، قال: حدیثی ابومارون العبدي، قال: حدیثی جابر ابن عبدالله الأنصاري، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوَّلُ مَنْ أَدَّ مَنِّي سِلْمًا، وَأَكْثَرُهُمْ عِلْمًا، وَأَصْحَهُمْ دِينًا، وَأَفْضَلُهُمْ يَقِينًا، وَأَكْمَلُهُمْ حِلْمًا، وَأَسْمَحَهُمْ كَفًّا، وَأَشْجَعُهُمْ قَلْبًا، وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي»^۱.

فضیلت بیست و پنجم

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند: پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی بن ابی طالب علیه السلام اولین کسی است که اسلام آورد؛ علم او از همه ی ائمت بیشتر، دین او صحیح تر و یقین او بر دیگران برتری دارد؛ حلم او از همه کامل تر، سخاوت او بیشتر و قلب او از همه شجاع تر می باشد. اوست امام و جانشین من پس از من.

۱: غایة المرام: ۴۵ ح ۵۱ - کنز الفوائد «کراچکی»: ۱۲۱ - اثبات الهداة: ۳، ۶۳۳، ح ۸۶۲
امالی صدوق: ۱۶، ح ۶ به اسناد یحیی بن ابی کثیر - بحار الأنوار: ۳۸، ۹۰، ح ۱ - حلیة الأبرار: ۲۳۵، ۱.



الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالْأَشْرُونَ

حدثنا سهل بن أحمد بن عبدالله، قال: حدثني علي بن عبدالله، قال: حدثنا
إسحاق بن إبراهيم الدبري، قال: حدثني عبدالرزاق بن همام، قال: حدثني
معمر، قال: حدثني عبدالله بن طاووس، عن أبيه، عن ابن عباس، قال:
كُنَّا جُلُوسًا مَعَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ.»

فَقَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.
فَقَالَ عَلِيٌّ: تَدْعُونِي بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْتَ حَيٌّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
فَقَالَ: نَعَمْ وَ أَنَا حَيٌّ، وَ إِنَّكَ يَا عَلِيُّ قَدْ مَرَرْتَ بِنَا أَمْسٍ وَ أَنَا
وَ جَبْرَيْلُ فِي حَدِيثٍ وَ لَمْ تُسَلِّمْ، فَقَالَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بَأْسُ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَرَّ بِنَا وَ لَمْ يُسَلِّمْ؟ أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ سَلَّمَ لَسَرَرْنَا
وَ رَدَدْنَا عَلَيْهِ.

فَقَالَ عَلِيٌّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، رَأَيْتَكَ وَ دَحِيَّةً، اسْتَحَلَيْتُمَا فِي حَدِيثٍ،
فَكَرِهْتُ أَنْ أَقْطَعَهُ عَلَيْكُمَا.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ دَحِيَّةً، وَ إِنَّمَا كَانَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
فَقُلْتُ: يَا جَبْرَيْلُ، كَيْفَ سَمَّيْتَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: كَانَ اللَّهُ
تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ فِي غُرُورَةِ بَدْرِ، أَنْ أَهْبِطَ إِلَى مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَمْرُهُ

أَنْ يَأْمُرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَجُولَ بَيْنَ الصَّفَيْنِ ،
فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُحِبُّونَ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيْهِ وَ هُوَ يَجُولُ بَيْنَ الصَّفَيْنِ ،
فَسَمَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ السَّمَاءِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ذَلِكَ الْيَوْمَ .

فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ ! أَمِيرٌ مَنَ فِي السَّمَاءِ وَ أَمِيرٌ مَنَ فِي الْأَرْضِ
وَ أَمِيرٌ مَنَ مَضَى وَ أَمِيرٌ مَنَ بَقِيَ ، فَلَا أَمِيرَ قَبْلَكَ وَ لَا أَمِيرَ بَعْدَكَ ،
لِأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يُسَمَّى بِهَذَا الْإِسْمِ مَنَ لَمْ يُسَمِّهِ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ .^١

١: اليقين: ٥٨، باب ٧٩ - غاية المرام: ١٨، ح ١٢ - مدينة المعاجز: ٨ - الصراط المستقيم: ٢،
٥٤ به نقل از محمد بن جعفر المشهدى - بحار الأنوار: ٣٧، ٣٠٧، ح ٣٩ به نقل از اليقين - مناقب
ابن شهر آشوب: ٢، ٢٥٣.



فضیلت بیست و ششم

ابن عباس می گوید: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که علی بن ابی طالب علیه السلام داخل شده، عرضه داشتند:

سلام بر شما ای رسول خدا!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: و بر شما سلام ای امیر مؤمنان! و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

مولا علی علیه السلام فرمودند: ای رسول خدا! مرا امیر مؤمنان خطاب می کنید، در حالی که شما زنده هستید؟

فرمودند: آری، در حالی که زنده می باشم، ای علی! امروز من و جبرئیل علیه السلام مشغول صحبت بودیم و شما بر ما گذشتی و سلام نکردید؛ آنگاه جبرئیل علیه السلام عرض کرد: چرا امیر مؤمنان علیه السلام بر ما گذشتند و سلام نفرمودند؟ به خدا قسم اگر سلام می فرمود ما شاد می شدیم و جواب ایشان را می دادیم.

حضرت علی علیه السلام عرض کردند: ای رسول خدا! دیدم شما و دحیه^۱ خلوت کرده اید و مشغول صحبت هستید، نخواستم سخن شما را قطع کنم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: او دحیه نبود، بلکه جبرئیل علیه السلام بود و من

۱: دحیه بن خلیفه الکلبی؛ برادر رضاعی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، او از زیباترین مردم بود و جبرئیل علیه السلام غالباً به شمائل او نازل می شد؛ دحیه همان است که نامه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای قیصر روم برد.



به او گفتم: ای جبرئیل! چرا او را امیر مؤمنان می خوانی؟
جبرئیل علیه السلام عرض کرد: خداوند متعال در جنگ بدر به من دستور داد: نزد محمد صلی الله علیه و آله و سلم برو و از جانب من به او امر کن تا به امیر مؤمنان علیه السلام بفرماید بین صف مسلمین و کفار جولان دهد، همانا ملائکه دوست دارند به جولان دادن او میان صفوف نگاه کنند.
پس خداوند متعال، آن زمان ایشان را در آسمان امیر مؤمنان نامید.
سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پس ای علی! شما امیری بر هر کس که در آسمان ها و زمین است و امیری بر گذشتگان و آیندگان و امیری قبل از شما نبوده و بعد از شما هم نمی باشد، زیرا جایز نیست کسی که خداوند او را به این اسم نخوانده است، به این نام خوانده شود.



الْمَنْقَبَةُ السَّابِعَةُ وَالْجِشْرُونَ

حدثنا محمد بن عبدالله بن أبي عبدالله الشيباني رضي الله عنه، قال: أخبرنا محمد بن يحيى التميمي، قال: حدثني أبو قتادة الحراني عن أبيه، قال: حدثني الحارث بن الخزرج صاحب راية الأنصار، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
 « لَا يَتَقَدَّمُكَ بَعْدِي إِلَّا كَافِرٌ، وَلَا يَتَخَلَّفُ عَنكَ بَعْدِي إِلَّا
 كَافِرٌ، وَإِنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ يُسَمُّونَكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِأَمْرِ
 اللَّهِ تَعَالَى »^۱.

فضیلت بیست و هفتم

حارث بن خزرج که علمدار انصار بود، می گوید: از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که خطاب به علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید:
 پس از من کسی از شما پیشی نمی گیرد، مگر اینکه کافر باشد و از شما کسی روی برنگرداند، مگر اینکه کافر باشد؛ و همانا اهل آسمان های هفت گانه، شما را به امر پروردگار متعال، امیر مؤمنان می نامند.

۱: غایة المرام: ۶۹، ح ۱۷ - الیقین: ۷۸ - مصباح الأنوار: ۱۶۴ (خطی) - عباد ابن یعقوب رواجی هم در کتاب المعرفة به اسناد ابی قتاده الحرانی نقل نموده است.



الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ وَالْهَشْرُونَ

حدثنی **أبي عبد الله**، قال: حدثنی **محمد بن الحسين**، قال: حدثنی **محمد بن الحسن الصفار**، قال: حدثنی **أحمد بن محمد**، قال: حدثنی **أبي**، قال: حدثنی **عبدالله بن المغيرة** و **محمد بن يحيى الخثعمي**، قال: حدثننا **محمد بن بهلول العبدي**، من **جعفر بن محمد**، من **أبيه محمد بن علي**، من **أبيه**، قال: حدثنی **أبي الحسين بن علي بن أبي طالب** **عليه السلام**:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ انْتَهَيْتُ بِي إِلَى حُجْبِ النُّورِ، كَلَّمَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! بَلِّغْ عَلَيَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ **عليه السلام** مِنِّي السَّلَامُ وَ أَعْلِمْهُ أَنَّهُ حُجَّتِي بَعْدَكَ عَلَى خَلْقِي، بِهِ أَسْقَى عِبَادِي الْغَيْثَ، وَ بِهِ أَدْفَعُ عَنْهُمْ الشُّوْءَ، وَ بِهِ أَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَلْقَوْنِي. فَإِيَّاهُ فَلْيُطِيعُوا، وَ لِأَمْرِهِ فَلْيَأْتِمِرُوا، وَ عَن نَهْيِهِ فَلْيَنْتَهُوا، أَجْعَلُهُمْ عِنْدِي فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ وَ أْبِيحُ لَهُمْ جَنَّتِي؛ وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلُوا، أَسَكَّنْتُهُمْ نَارِي مَعَ الْأَشْقِيَاءِ مِنْ أَعْدَائِي ثُمَّ لَا أَبَالِي!».

فضیلت بیست و هشتم

حضرت امام صادق **عليه السلام** از پدران بزرگوارشان، از اباعبدالله الحسين **عليه السلام** نقل می کنند که رسول خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** فرمودند:
 هنگامی که در شب معراج به آسمان سیر داده شدم و در انتهای سیر خود به حجاب های نور رسیدم، پروردگارم جل جلاله با من سخن گفت و فرمود: ای محمد! سلام مرا به علی بن ابی طالب **عليه السلام** ابلاغ کن و او را آگاه کن که پس از تو، او حجت من است بر خلق من، بندگانم را به واسطه ی او از باران سیراب می کنم و به واسطه ی او بدی را از آنها دور می سازم و به واسطه ی او بربندگانم در روز قیامت احتجاج می کنم.

۱: مدینه المعاجز: ۱۵۷، ح ۴۳۰ - بشارة المصطفی «طبری»: ۷۹ - عنه البحار: ۲۸، ۱۳۸، ح ۹۹.



الْمَنْقَبَةُ التَّاسِعَةُ وَالْجِشْرُونَ

أخبرنا سهل بن أحمد الطرائقي و محمد بن عبدالله الكوفي رضي الله عنهما، قال:
حدثنا محمد بن جرير الطبري، قال: حدثني خلف بن خليفة، قال: حدثني يزيد بن
هارون، قال: حدثني محمد بن إبراهيم بن إبراهيم بن مبشر، عن جابر بن عبدالله
الأصاري، قال:

كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ جَالِساً إِذْ أَقْبَلَ عَلَيَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَأَدْنَاهُ وَ مَسَحَ وَجْهَهُ بِرَدَّتِهِ ، وَ قَالَ :

« يَا أَبَا الْحَسَنِ ! أَلَا أَبَشَّرَكَ بِمَا بَشَّرَنِي بِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟

قَالَ : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قَالَ : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ عَيْنًا يُقَالُ لَهَا : (تَسْنِيمٌ) يُخْرَجُ مِنْهَا نَهْرَانِ ،
لَوْ أَنَّ بَيْنَهُمَا سَفْنَ الدُّنْيَا بَحَرَتْ ، وَ عَلَى شَاطِئِ (تَسْنِيمٍ) أَشْجَارٌ
قِضْبَانُهَا مِنَ اللُّؤْلُؤِ وَ الْمَرْجَانِ الرَّطْبِ وَ حَشِيشُهَا مِنَ الرَّعْفَرَانِ ،
عَلَى حَافَتَيْهَا كِرَاسِيٌّ مِنْ نُورٍ ، عَلَيْهَا أَنْاسٌ جُلُوسٌ ، مَكْتُوبٌ عَلَى
جِبَاهِهِمْ بِالنُّورِ : (هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنُونَ ، هَؤُلَاءِ مُحِبُّو عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) « !

فضیلت بیست و نهم

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودم که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدند و پیامبر ﷺ ایشان را نزدیک خود نشانند و با جامه‌ی خود به صورت آن حضرت کشیدند و فرمودند:

ای ابالحسن! خواهی که بشارت دهم شما را به آنچه جبرئیل علیه السلام به من بشارت داده؟

ایشان عرض کردند: آری، ای رسول خدا!

پیامبر ﷺ فرمودند: همانا در بهشت چشمه‌ای است به نام تسنیم و از آن دو نهر خارج می‌شود؛ به قدری آن چشمه وسیع است که اگر تمام کشتی‌های دنیا در آن قرار گیرند، می‌توانند حرکت کنند.

بر ساحل تسنیم درختانی است که شاخه‌های آن از مروارید و مرجان تازه می‌باشد و علف‌های آن از زعفران است و اطراف آن (نهر) تخت‌هایی از نور است که مردمانی بر آن نشسته‌اند و بر پیشانی آنها با نور نوشته شده: اینان مؤمنان هستند، اینان محبتین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشند.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثُونَ

حدثني أحمد بن محمد بن عبدالله بن عياش الحافظ رحمته الله، قال: حدثني القاضي
عبد الباقي بن قانع، قال: حدثني الحسين بن محمد، قال: حدثني سليمان بن قرم،
قال: حدثني محمد بن شيبة، قال: حدثني داود بن عجيل، عن أبيه، عن جده
عبد الله بن العباس، قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعلي بن أبي طالب عليه السلام:

« يا علي! إن جبرئيل عليه السلام أخبرني فيك بأمرٍ قررت به عيني،
و فرح له قلبي، قال لي: يا محمد! إن الله تعالى قال لي: اقرأ
محمدًا مني السلام و أعلمه أن عليًا عليه السلام إمام الهدى و مصباح
الدُّجى، و الحجَّة على أهل الدنيا، و أنه الصديق الأكبر
و الفاروق الأعظم، و أني آليت بعزتي و بجلالتي أن لا أدخل
النار أحدًا تولاؤه و سلم له و للأوصياء من بعده، و أن لا أدخل
الجنة من ترك ولايته و التسليم له و للأوصياء من بعده.
و لكن حق القول مني لأملأن جهنم و أطباقها من الجنة
و الناس أجمعين من يكون من أعدائه، و لأملأن الجنة من
خلائقي من يكون من أوليائه و شيعته »^١.

١: بحار الأنوار: ٣٧، ١١٣، ح ٨٨ - غاية المرام: ٤٥، ح ٥٢.



فضیلت سی‌ام

عبداللہ بن عباس می‌گوید: رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ فرمودند:
ای علی! جبرئیل رضی اللہ عنہ در مورد شما مطلبی به من گفت که چشمم به
آن روشن و قلبم شاد شد.

جبرئیل رضی اللہ عنہ عرض کرد: ای محمد! همانا خداوند متعال به من فرمود:
سلام مرا به محمد صلی اللہ علیہ وسلم برسان و او را آگاه کن که علی رضی اللہ عنہ پیشوای
هدایت، چراغ فروزان و حجت الهی است بر اهل دنیا؛ همانا او
راستگوی برتر و بزرگترین جداکننده‌ی حق از باطل است.

من به عزت و جلالم قسم یاد کرده‌ام، احدی از دوستان او و کسانی
که تسلیم او و امامان پس از او هستند را داخل آتش جهنم نکنم،
و هر کس ولایت او را رها کند و در مقابل دستورات او و امامان پس
از او تسلیم نباشد، را وارد بهشت نسازم.

این قول حتمی و ثابت من است که جهنم و طبقات آن را از دشمنان
جن و انس او پُر می‌کنم و بهشت را از بندگانم که دوستان و شیعیان او
باشند، پُر می‌کنم.



الْمَنْقَبَةُ الْخَاصِيَّةُ وَالثَّلَاثُونَ

حدثنا محمد بن حماد بن بشير، قال: حدثني محمد بن الحسن بن عبدالكريم،
قال: حدثني ابراهيم بن ميمون و عثمان بن سعيد، قالا: حدثنا عبدالكريم بن
يعقوب عن ضياء الجني عن أبي الطفيل، عن أنس بن مالك، قال:

كُنْتُ خَادِمًا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَبَيَّنَّا أَنَا أَوْضِيهِ، إِذْ قَالَ:
« يَدْخُلُ دَاخِلُ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ
وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ » .

فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ، حَتَّى قَرَعَ قَارِعُ الْبَابِ،
فَإِذَا أَنَا بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

فَلَمَّا دَخَلَ عَرِقَ وَجْهُ النَّبِيِّ ﷺ عَرَقًا شَدِيدًا، فَسَحَّ الْعَرَقُ مِنْ
وَجْهِهِ بِوَجْهِ عَلِيِّ عليه السلام، فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام:

يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنْزَلَ فِيَّ شَيْءٌ؟

فَقَالَ ﷺ: « أَنْتَ مِنِّي، تُؤَدِّي عَنِّي دِينِي، وَ تُبْرِئُ ذِمَّتِي،
وَ تُبَلِّغُ رِسَالَتِي » .

فَقَالَ عَلِيُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْ لَمْ تُبَلِّغِ الرِّسَالَةَ؟

قَالَ: « بَلَى، وَ لَكِنْ تُعَلِّمُ النَّاسَ مِنْ بَعْدِي مِنْ تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ
مَا لَمْ يَعْلَمُوا، وَ تُخْبِرُهُمْ بِمَا لَمْ يَفْهَمُوا »^١.

١: اليقين: ٥٩ - غاية المرام: ١٨، ح ٣ - بحار الأنوار به نقل از اليقين: ٣٧، ٢٩٦، ح ١٣

المستدرک: ٣، ١٩٢، ح ٣٢.



فضیلت سی و یکم

انس بن مالک می‌گوید: من خادم رسول خدا ﷺ بودم، روزی در حال نظافت بودم که پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هر کس اکنون داخل شود، امیر مؤمنان و آقای مسلمین و بهترین وصی پیامبران است؛ او بر مؤمنین اولویت دارد و پیشوای پیشانی سفیدان (در روز قیامت) است.

من گفتم: خداوندا! او را مردی از انصار قرار بده.

لحظاتی بعد، در به صدا درآمد، به پشت در رفتم که ناگاه دیدم علی ابن ابی طالب علیه السلام است.

هنگامی که علی علیه السلام وارد شد، عرق شدیدی بر صورت رسول خدا ﷺ نقش بست و در همین حال آن حضرت صورت (به عرق آغشته‌ی خود را) به صورت علی علیه السلام مالیدند.

علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آیا در مورد من چیزی نازل شده؟ آن حضرت فرمودند: شما از من می‌باشی، شمایی که دین مرا ادا می‌کنی و برطرف کننده‌ی ذمه‌ی من و ابلاغ کننده‌ی رسالت من هستی.

علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! مگر شما رسالت را ابلاغ نکرده‌اید؟ فرمودند: آری، لکن شما مردم را پس از من به تأویل قرآن آگاه می‌کنی، آنچه نمی‌دانند و آنها را به آنچه نفهمیده‌اند آگاه می‌کنی.



الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ وَالثَّلَاثُونَ

حدثني أبو عبد الله محمد بن علي بن زنجويه عليه السلام قال: حدثنا محمد بن جعفر، قال: حدثني جعفر بن سلمة، قال: حدثني إبراهيم بن محمد، قال: أخبرنا أبو غسان، قال: حدثني يحيى بن سلمة، عن أبيه، عن أبي إدريس، عن المسيب:
عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ :

« وَ اللَّهُ لَقَدْ خَلَّفَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فِي أُمَّتِهِ ، فَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بَعْدَ نَبِيِّهِ وَ إِنَّ وَايَتِي لَتَلَزِمُ أَهْلَ السَّمَاءِ كَمَا تَلَزِمُ أَهْلَ الْأَرْضِ ، وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَذَكَّرُ فَضْلِي وَ ذَلِكَ تَسْبِيحُهَا عِنْدَ اللَّهِ .
أَيُّهَا النَّاسُ ! اتَّبِعُونِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ لَا تَأْخُذُوا يَمِينًا وَ شِمَالًا فَتَضِلُّوا ، أَنَا وَصِيُّ نَبِيِّكُمْ وَ خَلِيفَتُهُ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمِيرُهُمْ وَ مَوْلَاهُمْ وَ أَنَا قَائِدُ شِيعَتِي إِلَى الْجَنَّةِ وَ سَائِقُ أَعْدَائِي إِلَى النَّارِ .

أَنَا سَيْفُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ وَ رَحْمَتُهُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ .

أَنَا صَاحِبُ حَوْضِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ لَوَائِهِ ، وَ صَاحِبُ مَقَامِهِ وَ شَفَاعَتِهِ .

أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عليه السلام خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ أَمَنَاؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَ أُمَّتُهُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدَ نَبِيِّهِ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى بَرِيَّتِهِ « ! .



فضیلت سی و دوّم

مسیّب می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم، رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا در میان امتش خلیفه و جانشین خود قرار داد؛ منم حجّت خدا بر این امت بعد از پیامبرشان و همانا قبول ولایت من بر اهل آسمانها واجب و لازم است، همانگونه که بر اهل زمین واجب و لازم است.

همانا ملائکه فضائل مرا برای یکدیگر نقل می کنند و این عمل، نزد خداوند تسبیح ملائکه است.

ای مردم! از من پیروی کنید تا شما را به راهی هدایت کنم که در آن رشد و کمال شماست، به راست و چپ نروید که گمراه می شوید؛

منم وصی پیامبر شما و جانشین او و پیشوای پارسایان و مؤمنان.

منم امیر و مولای آنها، من جلودار شیعیانم به سوی بهشت

می باشم و دشمنانم را به سوی آتش جهنّم روانه می کنم.

منم شمشیر خدا بر دشمنانش و رحمت خدا بر دوستانش.

منم صاحب حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله، پرچم او و صاحب مقام

و شفاعت او.

من و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام

جانشینان خدائیم در زمین و امین وحی او و پیشوایان مسلمانانیم بعد

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و حجّت های خدائیم بر بندگانش.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ وَالثَّلَاثُونَ

حدثني محمد بن سعيد الدهقان رضي الله عنه، قال: حدثني محمد بن مسعود، قال: حدثني أحد بن عبيد بن علي، قال: حدثني الحسين، عن أبي خالد و عن زيد بن علي، عن أبيه، عن جده الحسين بن علي عليه السلام:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: « أَتَيْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وسلم وَهُوَ فِي بَعْضِ حُجْرَاتِهِ ، فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لِي .

فَلَمَّا دَخَلْتُ قَالَ : يَا عَلِيُّ ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَيْتِي بَيْتُكَ ، فَمَا لَكَ تَسْتَأْذِنُ عَلَيَّ ؟

قَالَ : فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْبَبْتُ أَنْ أَفْعَلَ ذَلِكَ .

قَالَ : يَا عَلِيُّ ! أَحْبَبْتَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَ أَخَذْتَ بِآدَابِ اللَّهِ .

يَا عَلِيُّ ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ أَخِي ، وَ أَنَّ خَالَتِي وَ رَزَاقِي أَبِي أَنْ يَكُونَ لِي أَخٌ دُونَكَ .

يَا عَلِيُّ ! أَنْتَ وَصِيِّي مِنْ بَعْدِي ، وَ أَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمَضْطَّهَدُ بَعْدِي .

يَا عَلِيُّ ! الثَّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمَقِيمِ مَعِي ، وَ مُفَارِقُكَ مُفَارِقِي .

يَا عَلِيُّ ! كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُكَ ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى

خَلَقَنِي وَ إِيَّاكَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ .^١

١ : غاية المرام: ٧، ح ١٢ - المستدرک: ٢، ٧١، ح ١ - كنز الفوائد: ٢٠٨ - بحار الأنوار: ٢٧،

٢٣٠، ح ٣٨ - روضات الجنات: ٦، ١٨٤.



فضیلت سی و سوّم

زید بن علی ، از پدر بزرگوارش حضرت امام سجّاد علیه السلام از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می کنند که حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند : نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از اطاق های (همسرانشان) آمدم و برای ورود اجازه خواستم ، آن حضرت اجازه دادند و فرمودند : ای علی ! آیا نمی دانی خانه ی من خانه ی شماست ؟ چرا برای داخل شدن اجازه می گیری ؟ عرض کردم : ای رسول خدا ! دوست داشتم این گونه عمل کنم ، (بدون اجازه داخل نشوم) .

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند : یا علی ! شما آنچه را خدا دوست دارد دوست می داری و به آداب الهی عمل می کنی .

ای علی ! آیا می دانی شما برادر من هستی و همانا خالق و رازق من نمی خواهد من برادری غیر از شما داشته باشم ؟

ای علی ! شما بعد از من وصی من هستی و پس از من مظلوم واقع می شوی و حقیقت پایمال می گردد .

ای علی ! هر کس در کنار شما ثابت قدم بماند، مانند آن است که در کنار من باقی مانده و هر کس از شما جدا شود، از من جدا شده .

ای علی ! دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد ، در حالی که با شما دشمنی می کند ، زیرا خداوند تعالی من و شما را از یک نور خلق نموده .



الْمَنْقَبَةُ الزَّاهِيَةُ وَالثَّلَاثُونَ

حدثني أحمد بن محمد عليه السلام، قال: حدثني محمد بن جعفر، قال: حدثني محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان، قال: حدثني زياد بن منذر، قال: حدثني سعيد بن جبير عن ابن عباس، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَ لَا أَقَلَّتِ الْعَبْرَاءُ

بَعْدِي عَلَى أَحَدٍ أَفْضَلَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَ إِنَّهُ إِمَامٌ أُمَّتِي وَ أَمِيرُهَا، وَ هُوَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا، مَنْ اقْتَدَى بِهِ بَعْدِي فَقَدْ اهْتَدَى، وَ مَنْ اقْتَدَى بِغَيْرِهِ ضَلَّ وَ غَوَى.

وَ إِنِّي أَنَا النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى، مَا أَنْطِقُ بِفَضْلِ عَلِيٍّ عَنِ الْهُوَى، إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى إِلَيَّ، نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْمُجْتَبَى عَنِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى»^١.

١: غاية المرام: ٤٥، ح ٥٤ - كنز الفوائد «كراجكي»: ٢٠٨ - بحار الأنوار: ٢٥، ٣٦١، ح ٣١

اثبات الهداة: ٣، ٦٣٣، ح ٨٦٤ - روضات الجنات: ٦، ١٨٥.



فضیلت سی و چهارم

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ فرمودند: آسمان بر کسی سایه نیفکند و روی زمین کسی بعد از من نیامده، که از علی بن ابی طالب علیه السلام برتر باشد.

همانا او امام و امیر امت من است، اوست وصی و جانشین من بر امتم، هر کس پس از من به او اقتدا کند هر آینه هدایت شود، و هر کس به غیر او اقتدا کند گمراه شود و زیان بیند.

به راستی که منم پیامبر برگزیده و سخنی در برتری علی علیه السلام از روی هوی و هوس نمی‌گویم، بلکه هرچه می‌گویم وحی الهی است که آن را روح الامین علیه السلام از طرف مالک آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنها و ما بین آنها و زیر زمین است، بر من نازل کرده.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ وَالْثَلَاثُونَ

حدثنا أبو الطيب محمد بن الحسين التيمي عليه السلام، قال: حدثني مطير بن محمد بن عبد الله، قال: حدثني يحيى الجبال، قال: حدثني هشام، قال: حدثني أبوهارون العبدوي، عن أبي سعيد الخدري، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « مَا مَرَرْتُ فِي لَيْلَةٍ أُسْرِيَ بِي بِشَيْءٍ مِنْ مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ وَلَا عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْحُجُبِ مِنْ فَوْقِهَا إِلَّا وَجَدْتُهَا كُلُّهَا مَشْحُونَةً بِكِرَامِ مَلَائِكَةِ اللَّهِ تَعَالَى ، يُنَادُونَ : هَنِيئاً لَكَ يَا مُحَمَّدُ ! فَقَدْ أُعْطِيَ مَا لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ قَبْلَكَ وَلَا يُعْطَاهُ أَحَدٌ بَعْدَكَ ، أُعْطِيَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَخاً ، وَ فَاطِمَةُ عليها السلام زَوْجَتَهُ بِنْتاً ، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عليهما السلام أَوْلَاداً ، وَ مُحِبِّهِمْ شِيعَةً .

يَا مُحَمَّدُ ! إِنَّكَ أَفْضَلُ النَّبِيِّينَ ، وَ عَلِيُّ عليه السلام أَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ ، وَ فَاطِمَةُ عليها السلام سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام أَكْرَمُ مَنْ دَخَلَ الْجَنَانَ مِنْ أَوْلَادِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ شِيعَتُهُمْ أَفْضَلُ مَنْ تَضَمَّنَتْهُ عَرَصَاتُ الْقِيَامَةِ ، يَشْتَمِلُونَ عَلَى عُرْفِ الْجِنَانِ وَ قُصُورِهَا وَ مُتَنَزَّهِهَا ، فَلَمْ يَزَالُوا يَقُولُونَ ذَلِكَ فِي مَصْدَرِي وَ مَرَجَعِي ، فَلَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَجَبَ عَنْهَا آذَانَ الثَّقَلَيْنِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا سَمِعَهَا ^١ .

١: غاية المراد: ١٦٦، ح ٥٦ و ص ٥٨٦، ح ٨٠.

فضیلت سی و پنجم

ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

در شب معراج عبور نکردم بر چیزی از ملکوت آسمان‌ها و حجاب‌های نور و بالاتر از آن، مگر آنکه گرامی‌ترین ملائکه‌ی پروردگار متعال اطراف مرا می‌گرفتند و ندا می‌دادند:

گوارا باد بر تو ای محمد! (زیرا) خداوند به شما چیزی عطا فرموده که آن را به احدی قبل و بعد شما عطا نفرموده است!

خداوند به شما برادری همچون علی بن ابی‌طالب علیه السلام و دختری چون فاطمه علیها السلام، همسر علی علیه السلام و فرزندانمانند حسن و حسین علیهما السلام؛ و دوستان آنها را شیعیان شما قرار داده است.

ای محمد! به راستی که شما بهترین پیامبران می‌باشی و علی علیه السلام برترین اوصیا و فاطمه علیها السلام سرور زنان دو جهان و حسن و حسین علیهما السلام گرامی‌ترین فرزندان فرستادگان الهی هستند که داخل بهشت می‌شوند؛ و شیعیان آنها برترین کسانی هستند که در عرصه قیامت حاضر می‌شوند، و غرفه‌ها و قصرها و بهترین مکان‌های بهشت از آنان است. ملائکه بی‌وقفه این سخنان را در موقع بالا رفتن و برگشتن من از معراج، تکرار می‌کردند.

اگر نبود اینکه خداوند پوشیده داشته است از آن مطالب، گوش ثقلین (جن و انس) را، باقی نمی‌ماند احدی مگر اینکه این سخنان ملائکه را می‌شنید.



الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالثَّلَاثُونَ

حدثنا محمد بن محمد بن مرة رحمته الله، قال: حدثني الحسن بن علي العاصمي، قال: حدثني محمد بن عبد الملك بن أبي الشوارب، قال: حدثني جعفر بن سليمان النخعي، قال: حدثنا سعد بن ظريف، عن الأصمغ، قال:

سُئِلَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ

صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِنَّ، فَقَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ :

« عَلَيَّكُمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَإِنَّهُ مَوْلَاكُمْ فَأَحِبُّوهُ، وَ كَبِّرُوكُمْ

فَاتَّبِعُوهُ، وَ عَالِمِكُمْ فَأَكْرَمُوهُ، وَ قَائِدِكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ فَعَزِّرُوهُ، وَ إِذَا

دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ، وَ إِذَا أَمَرَكُمْ فَأَطِيعُوهُ، وَ أَحْبُّوهُ بِحُبِّي،

وَ أَكْرَمُوهُ بِكَرَامَتِي، مَا قُلْتُ لَكُمْ فِي عَلِيٍّ إِلَّا مَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي جَلَّتْ

عَظَمَتُهُ »^١.

١: غاية المرام: ٥٨٦، ح ٨١ - كنز الفوائد «كراجكي»: ٢٠٨ - بحار الأنوار به نقل از كنز: ٢٧،

١١٢، ح ٨٦ - روضات الجنات: ٦، ١٨٥ - المناقب «خوارزمي»: ٢٢٦ و مقتل: ١، ٤١ - فرائد

السمطين: ١، ٧٨، ح ٤٥.



فضیلت سی و ششم

سعد بن ظریف از اصبع نقل می‌کند که او گفت: از سلمان فارسی در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه علیها السلام سؤال شد و او در جواب گفت:

شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: شما را به علی بن ابی طالب علیه السلام سفارش می‌کنم، همانا او مولای شماست، پس او را دوست بدارید و بزرگ شماست، پس از او تبعیت کنید و عالم شماست، پس او را گرامی بدارید، و پیشوای شماست به سوی بهشت، پس به او احترام کنید و زمانی که شما را خواند، اجابتش کنید و زمانی که امرتان کرد، از او اطاعت کنید؛ او را دوست بدارید، به دوستی من و او را گرامی دارید، همچنان که مرا گرامی می‌دارید.

من در مورد علی علیه السلام چیزی نمی‌گویم مگر اینکه پروردگارم جلّت عظمته امر نموده باشد.



الْمَنْقَبَةُ السَّابِحَةُ وَالثَّلَاثُونَ

حدثنا أبو بكر محمد بن أحمد بن النطريف الجرجاني، قال: حدثني أبو خليفة الفضل بن مال الحكي، قال: حدثني علي بن عبدالله بن جعفر، قال: حدثني محمد ابن عبيد، قال: حدثني عبدالله، عن نافع، عن عبدالله بن عمر، عن عمر بن الخطاب، قال:

سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَغَضِبَ
وَ قَالَ : « مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَذْكُرُونَ مَنْ لَهُ مَنزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ كَمَنْزِلَتِي
وَ مَقَامٌ كَمَقَامِي إِلَّا النُّبُوَّةَ ؟ !

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ،
وَ مَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَافَاهُ بِالْجَنَّةِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام اسْتَعْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ ، وَ فُتِحَتْ لَهُ
أَبْوَابُ الْجَنَّةِ ؛ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام أَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ، وَ حَاسَبَهُ
حِسَاباً يَسِيراً ؛ حِسَابَ الْأَنْبِيَاءِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنْ حَوْضِ
الْكَوْثَرِ، وَيَأْكُلُ مِنْ شَجَرَةِ طُوبَى، وَ يَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ ، وَ جَعَلَ
قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ .



أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام أَعْطَاهُ اللهُ فِي الْجَنَّةِ بِكُلِّ عِرْقٍ فِي بَدَنِهِ حَوْرَاءَ، وَ شَفَعَهُ فِي ثَمَانِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ مَدِينَةٌ فِي الْجَنَّةِ .

أَلَا وَ مَنْ عَرَفَ عَلِيًّا عليه السلام وَ أَحَبَّهُ بَعَثَ اللهُ إِلَيْهِ مَلَكَ الْمَوْتِ كَمَا يَبْعَثُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ، وَ رَفَعَ عَنْهُ أَهْوَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ، وَ نَوَّرَ قَبْرَهُ، وَ فَسَّحَهُ مَسِيرَةَ سَبْعِينَ عَاماً، وَ بَيَّضَ وَجْهَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام أَظَلَّهُ اللهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ مَعَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ آمَنَهُ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ وَ أَهْوَالَ يَوْمِ الصَّاحَّةِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام تَقَبَّلَ اللهُ مِنْهُ حَسَنَاتِهِ، وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ، وَ كَانَ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام أَثْبَتَ اللهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ، وَ أَجْرَى عَلَى لِسَانِهِ الصَّوَابَ، وَ فَتَحَ اللهُ لَهُ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام سُمِّيَ أَسِيرَ اللهِ فِي الْأَرْضِ، وَ بَاهَى اللهُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَ حَمَلَةَ عَرْشِهِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ : يَا عَبْدَ اللهِ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ .



أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام وَضَعَ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ تاجَ الْكِرَامَةِ ،
وَ أَلْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزِّ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ ،
وَ لَمْ يَرَ صُعُوبَةَ الْمُرُورِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ ، وَ بَرَاءَةً
مِنَ النِّفَاقِ ، وَ جَوَازاً عَلَى الصِّرَاطِ ، وَ أَمَاناً مِنَ الْعَذَابِ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام لَا يُنْشَرُ لَهُ دِيوَانٌ ، وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ
مِيزَانٌ ، وَ قِيلَ لَهُ : أَدْخِلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصِّرَاطِ .
أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام صَافَحَتْهُ الْمَلَائِكَةُ ، وَ زَارَتْهُ
أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ ، وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى .
أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام مَاتَ كَافِراً .

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام مَاتَ عَلَى الْإِيبَانِ ،
وَ كُنْتُ أَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ .

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ : (هَذَا آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ) .

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ .



أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ يَخْرُجُ مِنْ قَبْرِهِ أَسْوَدَ
الْوَجْهِ «^١.

١: بحار الأنوار: ٢٧، ١١٤، ح ٨٦ - غاية المرام: ٢٠٧، ح ١٠ - فضائل الشيعة «صدوق»: ٢، ح ١
تأويل الآيات: ٨٦٣، ح ١ - بشارة المصطفى «طبرى»: ٣٦ - الخزاعى در الأربعين: ح ١
ثعلبى در تفسيرش «الكشف و البيان» ذيل آيه: «لا أسألکم عليه من أجر إلا المودة في القربى»
الشورى: ٢٣.

الطرائف به نقل از ثعلبى: ٢٩ - ارجح المطالب «الامر تسرى»: ٣٢٠ - الحوادث الجامعة «ابن
القوطى»: ١٥٣ - ينابيع المودة: ٢٧ و ص ٢٦٣ و ص ٣٦٩ - مرآة المؤمنين «ولى الله اللكهنوى»:
٥ - فرائد السمطين: ٢، ٢٥٥، ح ٥٢٤ به اسناد ثعلبى - تفسير الكشاف: ٤، ١٧٣ - سعد
السعود: ١٤١ و فضائل الخمسة: ٢، ٧٨ - الكاف الشاف «ابن حجر»: ١٤٥ - الشرف
المؤبد «نهبانى»: ٧٤ - رشفة الصادى «حضرى»: ٤٥ - تفسير قرطبى: ١٦، ٢٣ به نقل از ثعلبى و
زمنشرى.

ضوء الشمس «سيد محمد ابوالهدى الرفاعى»: ١٠٠ - نزهة المجالس «الصفورى»: ٢، ٢٢٢ به نقل
از قرطبى - تجهيز الجيش «دهلوى»: ١٣ به نقل از زمنشرى و رازى.
نور الأبصار «شبلنجى»: ١٠٤ و الصواعق «ابن حجر»: ٢٣٠ - الفصول المهمة «مالكى»: ١١٠ رفع
اللبس و الشبهات «علامه احمد سودة الادريسى»: ٥٣ - مودة القربى «سيد على همدانى»: ١١٧
لسان الميزان «عسقلانى»: ٤، ٤٥٠ و وسيلة المآل «حضرى»: ١٩٩ - احقاق الحق: ٩، ٤٨٦.



فضیلت سی و هفتم

عبدالله بن عمر از پدرش نقل می‌کند :

روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال

نمودیم ، آن حضرت خشمگین شده ، فرمودند :

چه می‌شود گروهی را ، یاد می‌کنند از شخصیتی که منزلت او نزد

خداوند مانند منزلت من و مقام او مانند مقام من است ، به جز نبوت .

آگاه باشید ! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد مرا دوست داشته ،

و هر کس مرا دوست بدارد ، خداوند از او راضی است ، و هر کس خدا

از او راضی شود ، بهشت را پاداش او قرار می‌دهد .

آگاه باشید ! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد ، فرشتگان برای او

استغفار کنند ، و درهای بهشت برای او باز شود و بدون حساب ، از

هر دری که بخواهد وارد شود .

آگاه باشید ! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد ، خداوند نامه‌ی عملش

را به دست راست او عطا فرماید ، و حساب رسی برایش آسان شود ،

مانند حساب رسی پیامبران .

آگاه باشید ! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد ، از دنیا خارج نمی‌شود

تا از آب کوثر بیاشامد و از (میوه‌های) درخت طوبی بخورد ، و (قبل از

مرگ) مکان خویش را در بهشت ببیند .

آگاه باشید ! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد ، خداوند جان دادن را

بر او آسان گرداند و قبر او را باغی از باغهای بهشت قرار می‌دهد .

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند به تعداد رگهای بدنش حوریه‌ای در بهشت به او عطا فرماید، و شفاعت او را در مورد هشتاد نفر از بستگانش بپذیرد، و به تعداد هر مویی که در بدن او باشد، شهری در بهشت به او عنایت فرماید.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را بشناسد و او را دوست بدارد، خداوند عزرائیل علیه السلام را آن‌گونه که به سوی پیامبران علیهم السلام می‌فرستد، به سوی او می‌فرستد (قبض روح او آسان می‌شود) و برطرف می‌کند از او اضطراب و هول از نکیر و منکر را، و نورانی می‌کند قبر او را، و قبر او به اندازه‌ی راه هفتاد ساله وسعت پیدا می‌کند و صورت او در قیامت سفید و نورانی می‌شود.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند او را (در قیامت) در سایه‌ی عرش خود، همراه با صدیقین و شهدا و صالحین قرار دهد، و او را از هول و وحشت بزرگی که در قیامت، بندگان با آن مواجه می‌شوند، ایمن می‌دارد.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند کارهای نیک او را قبول و از گناهانش صرف نظر می‌فرماید، و در بهشت، رفیق (همنشین) حمزه‌ی سیدالشهدا علیه السلام، خواهد بود.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند حکمت را در قلب او استوار، و بر زبان او صواب (گفتار نیک) جاری سازد، و درهای رحمت را به روی او باز می‌کند.



آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، در زمین، اسیر خدا خوانده می شود (تمام امور او تحت اختیار و اراده ی الهی قرار می گیرد) و خداوند به وجود او بر فرشتگان و حاملین عرش فخر و مباهات می کند.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، ملکی از زیر عرش به او ندا دهد: ای بنده ی خدا! اعمالت را از سر بگیر، زیرا خداوند همه ی گناهانت را بخشید.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، روز قیامت در حالی وارد محشر می شود که صورتش مانند ماه تمام می درخشد.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند بر سر او تاجی از کرامت می گذارد و لباس عزت بر او بپوشاند.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، مانند برق جهنده از روی پل صراط عبور کند و مشکلات عبور از صراط را لمس نمی کند.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند دوری از آتش جهنم و رهایی از نفاق برای او بنویسد و جوازی برای عبور از پل صراط و امانی از عذاب الهی به دست او داده شود.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، پرونده ای (در قیامت) برای او باز نمی شود و او را برای حساب رسی نزد میزان اعمال نمی برند، و به او گفته می شود: بی حساب وارد بهشت شو.

آگاه باشید! هر کس آل محمد علیهم السلام را دوست داشته باشد، از حساب و میزان و پل صراط، ایمن می شود.

آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد علیهم السلام بمیرد، فرشتگان با او مصافحه کنند و ارواح انبیای الهی علیهم السلام به زیارت او بیایند و خداوند تعالی همه‌ی حوائج او را برآورده می‌کند.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمد علیهم السلام بمیرد، کافر از دنیا رفته است.

آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد علیهم السلام بمیرد، با ایمان از دنیا رفته، و من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمد علیهم السلام بمیرد، در حالی وارد محشر می‌شود که بین دو چشم او (روی پیشانی) نوشته شده: این شخص نا امید از رحمت خداست.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمد علیهم السلام بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمد علیهم السلام بمیرد، (در قیامت) در حالی که صورتش سیاه است، از قبرش خارج می‌شود.



الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ وَالْثَلَاثُونَ

حدیثنا أحمد بن الحسن بن محمد النشابوري من كتابه، قال: حدثني محمد بن الحسين الأجرى، قال: حدثني جعفر بن محمد بن العزري، قال: حدثني قتيبة بن سعيد، قال: حدثني جرير، عن مغيرة، قال: حدثني محمد بن عمرو بن أبي سلمة، عن ابن عباس، قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «عَلِيٌّ عَلِيٌّ مَنِي بِمَنْزِلَةِ دَمِي مِنْ بَدَنِي، مَنْ تَوَلَّاهُ رَشِدَ، وَ مَنْ أَحَبَّهُ نَهَجَ، وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا.

أَلَا وَ إِنَّ عَلِيًّا رَابِعُ الْأَرْبَعَةِ فِي الْفِرْدَوْسِ: أَنَا وَ هُوَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ»^۱.

فضیلت سی و هشتم

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

علی علیه السلام نسبت به من، به منزله‌ی خون من در بدنم است؛ هر کس ولایت او را داشته باشد، رشد می‌کند (به کمال می‌رسد) و هر کس او را دوست داشته باشد، راهش روشن است (در صراط مستقیم است) و هر کس از او تبعیت کند نجات یابد.

آگاه باشید! علی علیه السلام چهارمین نفر از چهار نفر (ممتاز) اهل بهشت می‌باشد، (آن چهار نفر عبارتند از: من و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام).

۱: غایة المرام: ۲۰۷، ح ۱۱.

الْمَنْقَبَةُ التَّاسِعَةُ وَالْثَلَاثُونَ

حدثني الشريف الحسن بن حمزة العلوي رضي الله عنه، قال: حدثني عبد الله بن موسى، عن الزهري عن عمرو بن ابن عباس، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ صَافَحَ عَلِيًّا عليه السلام فَكَأَنَّمَا صَافَحَنِي، وَ مَنْ صَافَحَنِي فَكَأَنَّمَا صَافَحَ أَرْكَانَ الْعَرْشِ، وَ مَنْ عَانَقَهُ فَكَأَنَّمَا عَانَقَنِي، وَ مَنْ عَانَقَنِي فَكَأَنَّمَا عَانَقَ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ، وَ مَنْ صَافَحَ مُحِبًّا لِعَلِيٍّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ وَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱.

فضیلت سی و نهم

ابن عباس می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس با علی علیه السلام مصافحه کند، مانند آن است که با من مصافحه نموده، و هر کس با من مصافحه نماید، مانند آن است که با ارکان عرش مصافحه کرده، و هر کس با علی علیه السلام معانقه کند، مانند آن است که با من معانقه کرده و هر کس با من معانقه کند، مانند آن است که با همه ی انبیا علیهم السلام، معانقه کرده باشد، و هر کس با محب علی علیه السلام مصافحه نماید، خداوند گناهان او را ببخشد و او را بدون حساب، داخل بهشت کند.

۱: بحار الأنوار: ۲۷، ۱۱۵، ح ۹۰ - المناقب «خوارزمی»: ۲۲۶ - مصباح الأنوار: ۱۲۲ و غایة

المرام: ۵۸۳، ح ۴۷.



الْمَنْقَبَةُ الْأَزْبَهُونَ

حدثني الشيخ المالح أبو عبد الله الحسين بن عبد الله القطيعي عليه السلام، قال: حدثني أبو الحسن محمد بن أحمد الهيثمي النعماني، قال: حدثني أبو موسى عمه بن أحمد، قال: حدثني علي بن محمد، من أبيه عن علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، من أبيه، عن علي بن الحسين، من أبيه عليه السلام، قال:

حَدَّثَنِي قَنْبَرٌ مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ، فَزَرَاعَ قَمِيصَهُ وَدَخَلَ الْبَاءَ، فَجَاءَتْ مَوْجَةٌ فَأَخَذَتْ الْقَمِيصَ، فَخَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَجِدِ الْقَمِيصَ، فَاعْتَمَمَ لِذَلِكَ غَمًّا شَدِيدًا، فَإِذَا بِهَا تَفِي يَهْتِفُ:

« يَا أَبَا الْحَسَنِ! انْظُرْ عَن يَمِينِكَ وَخُدُّ مَا تَرَى » فَإِذَا إِزَارٌ عَن يَمِينِهِ وَ فِيهِ قَمِيصٌ مَطْوِيٌّ، فَأَخَذَهُ لِيَلْبَسَهُ، فَسَقَطَتْ مِنْ جَانِبِهِ رُقْعَةٌ فِيهَا مَكْتُوبٌ:

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ إِلَى عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، هَذَا قَمِيصُ هَارُونَ بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام؛ ﴿كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ ١٠١ » ١.

١: سورة دخان: آية ٢٨.

٢: غاية المرام: ٦٦٠، ح ١١٩ - الخرائج والجرائح: ٢٨٨، ح ٦٠ - بحار الأنوار: ٣٩ / ١٢٦، ح

١٣ - اثبات الهداة: ٥٥١ / ٢، ح ٢٠١ - ابن شهر آشوب: ٢ / ٦٩ - مدينة المعاجز: ١٦، ح ١٤.



فضیلت چهلیم

حضرت امام هادی علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و ایشان از قنبر، خادم مولا علی علیه السلام نقل می فرمایند که قنبر گفت: من با امیرالمؤمنین علیه السلام بر ساحل فرات بودم، آن حضرت پیراهن خود را درآورده و داخل آب شدند، ناگهان موجی آمد و پیراهن را برد، امیرالمؤمنین علیه السلام از آب خارج شدند و پیراهن را نیافتند، غم و اندوه شدیدی به آن حضرت دست داد، ناگهان هاتفی ندا داد:

ای ابالحسن! به طرف راست نگاه کنید و آنچه می بینید، بگیرید.

آن حضرت نظر کردند و ازاری در سمت راست خود دیدند که در آن پیراهنی پیچیده شده بود، امیرالمؤمنین علیه السلام پیراهن را برداشتند که بپوشند، ناگهان از جیب آن، ورقه ای بر زمین افتاد که بر آن نوشته شده بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، هدیه ای از خداوند عزیز و حکیم به علی بن ابی طالب علیه السلام؛ این پیراهن هارون بن عمران است، ﴿ما آن را از قوم گذشته، به قوم دیگر ارث داده ایم﴾.



الْمَنْقَبَةُ الْخَاجِيَّةُ وَالْأَرْبَعُونَ

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد عليه السلام، قال: حدثني محمد بن الحسين، قال: حدثني إبراهيم بن هاشم، قال: حدثني محمد بن سنان، قال: حدثني زياد بن منذر، قال: حدثني سعيد بن طريف عن الأصمغ بن نباتة، عن ابن عباس، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ :

« مَعَاشِرَ النَّاسِ ! اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لَكُمْ بَاباً ، مَنْ دَخَلَهُ أَمِنَ مِنَ النَّارِ وَ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ » .

فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو سَعِيدٍ الْخَدْرِيُّ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، اِهْدِنَا إِلَى هَذَا الْبَابِ حَتَّى نَعْرِفَهُ .

قَالَ ﷺ : « هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ ، وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ أَخُو رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ! مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا فَلْيَتَمَسَّكَ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّ وِلايَتَهُ وَ وِلايَتِي وَ طَاعَتُهُ طَاعَتِي .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ! مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْرِفَ الْحُجَّةَ بَعْدِي فَلْيَعْرِفْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ! مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَوَلَّى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ ، فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ



أبي طالبٍ بعدي و الأئمة من ذريتي ، فإئتهم خزان علمي .
 فقام جابر بن عبد الله الأنصاري ، فقال : يا رسول الله و ما عِدَّةُ الأئمة؟
 فقال : « يا جابر ! سألتني رجمك الله عن الإسلام بأجمعه ،
 عدتُّهم عِدَّةُ الشُّهُورِ ، وَ هِيَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ
 اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ .
 وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُيُونِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ
 ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا .
 وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿ وَ بَعَثْنَا
 مِنْهُمْ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ﴾^١ .
 فَالأئمة يا جابر ! اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ، أَوْ لَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ »^٢ .

١ : سورة مائدة: آية ١٢ .
 ٢ : البقين : ٦٠ - غاية المرام : ١٨ ، ح ١٥ - الاستنصار «كراجكي» : ٢٠ و ٢١ - بحار الأنوار : ٣٦ ، ٢٤٣ ، ح ٨٢ .



فضیلت چهل و یکم

ابن عباس می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

ای مردم! آگاه باشید که خداوند تعالی برای شما خانه‌ای قرار داده که هر کس داخل آن شد از آتش و هول و وحشت قیامت در امان است. ابوسعید خدری از جای برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! هدایت کن ما را به این خانه تا آن را بشناسیم.

فرمود: او علی بن ابی طالب علیه السلام، سرور اوصیا و امیر مؤمنان، و برادر فرستاده‌ی پروردگار عالمیان، و خلیفه‌ی خداوند بر تمامی مردم است. ای مردم! هر کس دوست دارد چنگ بزند به ریسمان الهی که هرگز گسسته نمی‌شود، پس چنگ بزند به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام، به راستی که ولایت او ولایت من، و طاعت او طاعت من است. ای مردم! هر کس دوست دارد حجت پس از مرا بشناسد، پس بشناسد علی بن ابی طالب را.

ای مردم! هر کس می‌خواهد ولایت خدا و رسولش را بپذیرد، بعد از من به علی بن ابی طالب علیه السلام و امامانی که از ذریه‌ی او می‌باشند اقتدا کند، همانا که آنان گنجینه داران علم من می‌باشند.

جابر بن عبدالله انصاری از جای برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! تعداد امامانی که فرمودید، چند نفر می‌باشند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جابر! خداوند تو را رحمت کند، از من



در مورد همه‌ی اسلام (اصل اسلام) سؤال کردی، تعداد آنها به تعداد ماههای سال می‌باشد، که نزد خداوند دوازده ماه است، و این مطلبی است که خداوند در کتاب شریفش از آن یاد کرده، و از آغاز خلقت آسمان‌ها و زمین، تعداد ماهها همین بوده است.

و همچنین تعداد آنها به تعداد چشمه‌هایی است که برای موسی بن عمران علیه السلام از زمین جوشید، آنگاه که با عصای خود به سنگی زد، پس دوازده چشمه از آن جوشید.

و همچنین تعداد آنها به تعداد نقبای بنی اسرائیل می‌باشد، چنانچه خداوند تعالی در قرآن می‌فرماید: ﴿و برانگیختم میان آنها (بنی اسرائیل) دوازده نقیب (بزرگ) را﴾.

پس ای جابر! امامان (بعد از من نیز) دوازده امام می‌باشند، که اولین آنها علی بن ابی طالب، و آخرین آنها قائم مهدی «که درود خداوند بر جمیع آنان باد» است.





الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

حدثني محمد بن علي بن الحسين بن موسى عليه السلام، قال: حدثني الحسن بن محمد بن سعيد، قال: حدثني فرات بن إبراهيم، قال: حدثني أحمد بن موسى، قال: حدثني أبو حامد أحمد بن داود، قال: حدثنا علي بن يحيى، قال: حدثني سويد، قال: حدثني يزيد بن ربيع، عن عمرو بن دينار، عن طاووس، عن ابن عباس، قال: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَاةَ الْعَصْرِ، ثُمَّ قَامَ عَلَيَّ قَدَمَيْهِ، فَقَالَ: «مَنْ يُحِبُّنِي وَ يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِي فَلْيَتَّبِعْنِي».

فَاتَّبَعْنَاهُ بِاجْمَعِنَا حَتَّى أَتَى مَنْزِلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا فَفَرَعَ الْبَابَ قَرَعًا خَفِيًّا. فَخَرَجَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيْهِ شِمْلَةٌ، وَ يَدُهُ مُلَطَّخَةٌ بِالطِّينِ، فَقَالَ لَهُ: «يَا أَبَا الْحَسَنِ! حَدِّثِ النَّاسَ بِمَا رَأَيْتَ أُمِّسِ». فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَعَمْ فِذَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ! بَيْنَمَا أَنَا فِي وَقْتِ صَلَاةِ الظُّهْرِ أَرَدْتُ الطُّهُورَ، فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي الْمَاءُ، فَوَجَّهْتُ وَ لَدَيَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فِي طَلَبِ الْمَاءِ، فَأَبْطَيْتُ عَلَيَّ، فَإِذَا أَنَا بِهَاتِفٍ يَهْتَفُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَقْبِلْ عَلَيَّ يَمِينِكَ، فَالْتَفْتُ، فَإِذَا أَنَا بِقَدَسٍ مِنْ ذَهَبٍ مُعَلَّقٍ، فِيهِ مَاءٌ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ الثَّلْجِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، فَوَجَدْتُ فِيهِ رَائِحَةَ الْوَرْدِ، فَتَوَضَّأْتُ مِنْهُ، وَ شَرِبْتُ جُرْعَاتٍ، ثُمَّ قَطَّرْتُ عَلَيَّ رَأْسِي قَطْرَةً وَجَدْتُ بَرْدَهَا عَلَيَّ فُوَادِي».

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « هَلْ تَدْرِي مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ الْقَدَسُ ؟ »
 قَالَ: « اللَّهُ تَعَالَى وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ » .

قَالَ: « الْقَدَسُ مِنْ أَقْدَاسِ الْجَنَّةِ ، وَ الْمَاءُ مِنْ تَحْتِ شَجَرَةِ طُوبَى
 - أَوْ قَالَ : مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ - وَ أَمَّا الْقَطْرَةُ فَمِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ » .
 ثُمَّ ضَمَّهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى صَدْرِهِ وَ قَبَلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، ثُمَّ
 قَالَ : « حَبِيبِي مَنْ كَانَ خَادِمُهُ بِالْأُمْسِ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَلَّهُ وَ قَدَرَهُ
 عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ »^۱ .

فضیلت چهل و دوّم

ابن عباس می گوید: نماز عصر را پشت سر رسول خدا ﷺ خواندیم،
 آنگاه پس از نماز، روی پای مبارک ایستادند و فرمودند:
 هر کس من و اهل بیت مرا دوست می دارد، با من بیاید.
 ما همگی پشت سر رسول خدا ﷺ به راه افتادیم تا به منزل
 فاطمه علیها السلام رسیدیم، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آهسته در زدند، پس علی بن ابی
 طالب علیه السلام آمدند، در حالی که عبایی به دور خود پیچیده و دست
 ایشان گل آلود بود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابوالحسن! آنچه را
 روز گذشته دیده ای برای مردم تعریف کن.

۱: غایة المرام: ۶۳۸، ح ۴ - مدینة المعاجز: ۹۶، ح ۲۴۵.



علی علیه السلام عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای شما باد ای رسول خدا! دیروز هنگام نماز ظهر، خواستم وضو بگیرم، اما آب در خانه نبود، پس فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام را به دنبال آب فرستادم، اما آنها دست خالی بازگشتند.

ناگهان هاتفی ندا داد: ای ابالحسن! به طرف راست برو! پس به سمت راست نگاه کردم، سطل آبی میان زمین و آسمان معلق بود، در آن آبی از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر بود که بویی همچون عطر گل داشت. با آن آب وضو ساختم و چند جرعه نیز از آن آب آشامیدم، پس قطره آبی هم بر سرم ریختم، که خنکی آن را در قلبم احساس نمودم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا می دانی این سطل آب از کجا آمده بود؟ علی علیه السلام عرض کرد: خدا و رسولش صلی الله علیه و آله داناتر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: این سطل از سطل های بهشت و آب داخل آن از زیر درخت طوبی بود، (راوی گوید: یا فرمودند: آن آب از حوض کوثر بود) و اما آن قطره (که بر سرت ریخته شد) از زیر عرش الهی بود. پس رسول خدا او را در آغوش گرفتند و سینه ی خود را به سینه ی او چسبانیدند و بین دو چشم (پیشانی) او را بوسیدند و فرمودند: حبیب من کسی است که جبرئیل امین علیه السلام دیروز خادمش بوده، پس قدر و منزلت او نزد خداوند بسیار عظیم است.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

حدثني الشريف أبو جعفر محمد بن أحمد بن محمد بن عيسى العلوي رحمته الله قال: حدثني محمد بن أحمد الكاتب، قال: حدثني حماد بن مهران، قال: حدثني عبد العظيم بن عبد الله الحسني، قال: حدثنا محمد بن عيسى، قال: حدثنا محمد بن كثير، قال: حدثني إسماعيل بن زياد البرزاز، عن أبي إدريس، عن رافع مولى عائشة، قال: كُنْتُ غُلَامًا أُخْدِمُ عَائِشَةَ ، فَكُنْتُ إِذَا كَانَ النَّبِيُّ ﷺ عِنْدَهَا قَرِيبًا أُعَاطِيهِمْ . قَالَ : فَبَيْنَمَا النَّبِيُّ ﷺ عِنْدَهَا ذَاتَ يَوْمٍ وَ إِذَا دَاقَ يَدُقُ الْبَابَ ، فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ ، فَإِذَا جَارِيَةٌ مَعَهَا طَبَقٌ مُعْطَى ، قَالَ : فَرَجَعْتُ إِلَى عَائِشَةَ فَأَخْبَرْتُهَا ، فَقَالَتْ : أَدْخِلْهَا ، فَدَخَلَتْ ، فَوَضَعَتْهُ بَيْنَ يَدَيَّ عَائِشَةَ ، فَوَضَعَتْهُ بَيْنَ يَدَيَّ النَّبِيِّ ﷺ ، فَجَعَلَ يَتَنَاوَلُ مِنْهُ وَ يَأْكُلُ ، وَ خَرَجَتِ الْجَارِيَةُ ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ : « لَيْتَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ ، يَأْكُلُ مَعِي » . فَقَالَتْ عَائِشَةُ : وَ مَنْ هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، الْمُجْتَمَعُ فِيهِ هَذَا الْخِصَالُ ؟ فَسَكَتَ ، ثُمَّ أَعَادَ الْكَلَامَ مَرَّةً أُخْرَى ، فَقَالَتْ عَائِشَةُ مِثْلَ ذَلِكَ ، فَسَكَتَ النَّبِيُّ ﷺ فَجَاءَ أَحَدٌ وَ دَقَّ عَلَيْنَا الْبَابَ ، فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ ، فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام . قَالَ : فَرَجَعْتُ وَ قُلْتُ لِلنَّبِيِّ ﷺ : عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَلَى الْبَابِ .



فَقَالَ ﷺ: أَدْخِلْهُ؛ ثُمَّ قَالَ: « يَا أَبَا الْحَسَنِ! مَرْحَبًا وَ أَهْلًا بِكَ،
لَقَدْ تَمَنَيْتُكَ مَرَّتَيْنِ حَتَّى لَمَّا أَبْطَأْتُ عَلِيَّ، سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ
يَأْتِيَنِي بِكَ، إِجْلِسْ وَ كُلْ » فَجَلَسَ عَلَيْهِ وَ أَكَلَ مَعَهُ ﷺ.
ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: « يَا عَلِيُّ! قَاتِلِ اللَّهَ مَنْ قَاتَلَكَ، وَ عَادِي
مَنْ عَادَاكَ ».

فَقَالَتْ عَائِشَةُ: وَ مَنْ يُقَاتِلُهُ وَ مَنْ يُعَادِيهِ؟
قَالَ: « أَنْتِ وَ مَنْ مَعَكَ - مَرَّتَيْنِ - أَيَدِيهِمْ أَيَدِيهِمْ مَعَكَ - مَرَّتَيْنِ -
تَرْضَيْنَ بِذَلِكَ وَ لَا تُنْكِرِيْنَهُ »^١.

١: اليقين: ٦١ - غاية المرام: ١٨، ح ١٦ - المناقب «ابن مردويه» به اسناد اسماعيل ابن زياد
البراز، كشف الغمة: ٣٤٣، ١ - غاية المرام: ٢٠، ح ٣١ - بشارة المصطفى «طبري»: ١٦٥
بجاء الأنوار: ٣٨، ٣٥١، ح ٣ - مصباح الأنوار: ١٥٦ (خطي) به نقل از ابن ادریس، همجنین
آورده: «أنت يا حميراء و من معك، حتى قالها ثلاثاً».



فضیلت چهل و سوم

رافع می گوید: من غلام و خادم عایشه بودم، هرگاه پیامبر ﷺ نزد او می آمدند، برای خدمت حاضر بودم. یکی از روزهایی که پیامبر ﷺ نزد عایشه بودند، شخصی در زد، هنگامی که باز کردم، کنیزی بود با طبقی که روی آن پوشیده شده بود، نزد عایشه رفتم و خبرش دادم، گفت: او را داخل کن؛ هنگامی که کنیز آمد، طبق را مقابل عایشه قرار داد، او هم نزد پیامبر ﷺ برد، آن حضرت از غذایی که کنیز آورده بود میل می فرمودند و کنیز خارج شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند: ای کاش امیرمؤمنان، و آقای مسلمانان، و پیشوای متقین اینجا بود و با من تناول می نمود.

عایشه گفت: ای رسول خدا!، او کیست که تمام این صفت ها در او جمع است؟

رسول خدا ﷺ سکوت فرمودند، و برای مرتبه دوم همان کلمات را تکرار فرمودند.

عایشه هم سؤالش را تکرار کرد ولی پیامبر خدا ﷺ باز هم سکوت فرمودند.

ناگهان صدای در خانه آمد، در را باز نمودم و دیدم علی بن ابی طالب علیه السلام است.



برگشتم و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: علی علیه السلام پشت در است.
فرمودند: ایشان را داخل کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابوالحسن! خوش آمدی؛ خانه خانه‌ی
شماست، (من قبل از آمدن شما) دو مرتبه آمدن شما را آرزو نمودم
و چون تأخیر نمودید، از خداوند عزوجل درخواست کردم شما را به
من برساند، بنشین و تناول فرما، پس علی علیه السلام نشستند و میل فرمودند.
سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی! خداوند بکشد هر کس با
شما بجنگد، و دشمن بدارد شما را.

عایشه گفت: چه کسی با او می‌جنگد؟ چه کسی با او دشمنی می‌کند؟
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: تو و همراهان تو؛ و این سخن را دو مرتبه
تکرار فرمودند.

سپس فرمودند: ای عایشه! آنان دست در دست تو می‌گذارند (برای
جنگیدن با علی علیه السلام) و تو به این عمل راضی می‌باشی و آن را انکار نمی‌کنی.



الْمَنْقَبَةُ الرَّابِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

حدثنا الحسن بن حمزة رضي الله عنه قال: حدثني علي بن محمد بن قتيبة، قال: حدثني الفضل بن شاذان، قال: حدثني محمد بن زياد، قال: حدثني جميل بن صالح عن جعفر بن محمد، قال: حدثني أبي، عن أبيه، عن الحسين بن علي عليه السلام، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: « فَاطِمَةُ مُهَجَّةٌ قَلْبِي ، وَ ابْنَاهَا ثَمْرَةٌ فُوَادِي ، وَ بَعَلُّهَا نُورٌ بَصْرِي ، وَ الْأُمَّتَةُ مِنْ وُلْدِهَا أَمْنَاءُ رَبِّي وَ حَبْلُهُ الْمَمْدُودُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ ، مَنْ اعْتَصَمَ بِهِ نَجَا ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَىٰ »^۱.

فضیلت چهل و چهارم

حضرت امام صادق علیه السلام از اجداد بزرگوارشان علیهم السلام، از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل می‌کنند: پدرم حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله می‌فرمایند: فاطمه علیها السلام (باعث) شادی دل من، و پسرانش (حسن و حسین علیهما السلام) میوه‌ی قلب من، و شوهرش علیه السلام نور چشم من، و امامان علیهم السلام از فرزندان او، امین‌های پروردگار من می‌باشند؛ آنها ریسمان (واسطه) بین خدا و خلق او هستند که هر کس به این ریسمان چنگ بزند، نجات یابد و هر کس از آن روی برگرداند، سقوط می‌کند.

۱: غایة المرام: ۴۶، ح ۵۷ - مقتل الحسين علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۵۹ - المناقب «زمخشری»: ۲۱۳ (خطی) - فرائد السمطين: ۲، ۶۶، ح ۳۹۰ به اسناد خوارزمی - ینابیع المودة: ۸۲. الطرائف: ۱۱۷، ح ۱۸۰ - الصراط المستقیم: ۲، ۴۲ - بحار الأنوار: ۲۳، ۱۰۰، ح ۱۶. الفضائل «شاذان بن جبرئیل»: ۱۴۶ - الروضة فی الفضائل: ۱۴۴ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری. درر بحر المناقب «ابن حسنویه»: ۱۰۶ (خطی) - الأربعین «محمد بن أبی الفوارس»: ۱۴ (خطی) احقاق الحق: ۱۳، ۷۹.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

حدثنا أبو عبد الله محمد بن وهبان الصّالي عليه السلام، قال: حدثني أحمد بن أسان العامري، قال: حدثني عبد الله بن عبد الله بن عتبة بن عبد الله بن مسعود عن أبيه، عن جده عبد الله بن مسعود، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ لِلشَّمْسِ وَجْهَيْنِ: فَوَجْهٌ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَوَجْهٌ يُضِيءُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَ عَلَى الْوَجْهَيْنِ مِنْهَا كِتَابَةٌ». ثُمَّ قَالَ: «أَتَدْرُونَ مَا تِلْكَ الْكِتَابَةُ؟». قُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ.

فَقَالَ: «الْكِتَابَةُ الَّتِي تَلِي أَهْلَ السَّمَاءِ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱ وَ أَمَّا الْكِتَابَةُ الَّتِي تَلِي أَهْلَ الْأَرْضِ: عَلِيٌّ عليه السلام نُورُ الْأَرْضِينَ»^۲.

فضیلت جهل و بنجم

عبدالله بن مسعود می گوید: از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که فرمودند: همانا خورشید دو چهره دارد، یک روی آن برای اهل آسمان نورافشانی می کند و روی دیگر برای اهل زمین؛ که بر هر دو روی آن نوشته ای وجود دارد. سپس فرمودند: آیا می دانید این نوشته چیست؟ عرض کردیم: خدا و رسول او صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داناترند. فرمودند: بر آن جهتی که برای اهل آسمان نور می دهد (این آیه) نوشته شده: خداوند نور آسمان ها و زمین است. و بر جهت دیگر که برای اهل زمین نورافشانی می کند، نوشته شده: علی علیه السلام است نور زمین ها.

۱: سوره نور: آیه ۳۵.

۲: بحار الأنوار: ۲۷، ۹، ح ۲۱ - مدينة المعاجز: ۱۵۸، ح ۴۳۲.

الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

حدثنا أحمد بن محمد بن أيوب الحافظ رحمته الله قال: حدثني أحمد بن زياد، قال: حدثني علي بن إبراهيم، من أبيه، قال: حدثني الريان بن الصلت، قال: سمعت علي بن موسى الرضا عليه السلام يقول: «سمعت أبي موسى عليه السلام يقول: سمعت أبي جعفر عليه السلام يقول: سمعت أبي محمد عليه السلام يقول: سمعت أبي علي عليه السلام يقول: سمعت أبي الحسين عليه السلام يقول: سمعت أبي علي أمير المؤمنين عليه السلام يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: سمعت جبرئيل عليه السلام يقول:

« سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حُجَّتِي عَلِيَّ خَلْقِي، وَ نُورِي فِي بِلَادِي، وَ أَمِينِي عَلِيَّ عِلْمِي، لَا أَدْخِلُ النَّارَ مَنْ عَرَفَهُ وَ إِنِّ عَصَانِي، وَ لَا أَدْخِلُ الْجَنَّةَ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ إِنِّ أَطَاعَنِي »^۱.

فضیلت چهل و ششم

اباصلت می گوید: حضرت امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارشان عليهم السلام نقل فرمودند که امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمودند:

از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم شنیدم، می فرمودند: من از جبرئیل عليه السلام شنیدم که می گفت: من از خداوند جل جلاله شنیدم که فرمود:

علی بن ابی طالب عليه السلام حجت من بر خلق من است، و نور من در سرزمین هاست و امین من بر علم و دانش من است. (محرّم اسرار من است.) هر کس او را شناخته باشد، داخل آتش جهنم نمی کنم، حتی اگر معصیت مرا کرده باشد، و داخل بهشت نمی کنم کسی که علی عليه السلام را انکار کرده باشد، حتی اگر اطاعت مرا کرده باشد.

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۶، ح ۹۱ - غاية المرام: ۵۱۲، ح ۱۹.



الْمَنْقَبَةُ السَّابِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

حدثنا أبو محمد إبراهيم بن محمد الذاري الخياط رضي الله عنه قال: حدثني محمد بن جعفر قال: حدثني أيوب بن نوح، قال: حدثني ابن محبوب، قال: حدثني علي بن الريان قال: حدثني ملاك بن عطية، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين عليه السلام من أبيه عليه السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: « يَا أَبَا الْحَسَنِ ! لَوْ وَضِعَ إِبْرَاهِيمُ الخَلَائِقِ وَأَعْمَاهُمْ فِي كَفَّةٍ مِيزَانٍ ، وَ وَضِعَ عَمَلُكَ لِيَوْمٍ وَاحِدٍ فِي الكَفَّةِ الأُخْرَى ، لَرَجَحَ عَمَلُكَ لِيَوْمٍ وَاحِدٍ عَلَى جَمِيعِ مَا عَمِلَ الخَلَائِقُ ، وَ إِنَّ اللَّهَ بَاهِي بِكَ يَوْمَ أُحُدٍ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ ، وَ رَفَعَ الحُجُبَ مِنَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ ، وَ أَشْرَقَتْ إِلَيْكَ الجَنَّةُ وَ مَا فِيهَا ، وَ ابْتَهَجَ بِفِعْلِكَ رَبُّ العَالَمِينَ ، وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَعْوِضُكَ بِذَلِكَ اليَوْمِ مَا يَغْبِطُكَ بِهِ كُلُّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ وَ صِدِّيقٍ وَ شَهِيدٍ ! »



فضیلت چهل و هفتم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، از حضرت سیدالشهداء علیه السلام

نقل می‌فرمایند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله به مولا علی علیه السلام فرمودند:

ای ابوالحسن! اگر ایمان و اعمال همه‌ی بندگان در یک کفه‌ی ترازو و فقط عمل یک روز شما در کفه‌ی دیگر قرار گیرد، آن عمل یک روزه‌ی شما، بر تمامی اعمال (یک عمر) بندگان، برتری خواهد داشت. همانا خداوند در روز جنگ اُحد نزد ملائکه‌ی مقرب خود به شما مباحثات نمود، (در آن روز) خداوند حجاب‌ها را از آسمان‌های هفتگانه برداشت، و نور بهشت و آنچه در آن است را بر شما تابانید و پروردگار دو جهان، به عمل شما خشنود شد.

همانا خداوند متعال در عوض این روز (روز جنگ اُحد) مقامی به شما عنایت فرموده که همه‌ی انبیا و رسولان و صدیقین و شهدا به شما غبطه می‌خورند.



الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

حدثني أحمد بن محمد بن سليمان رضي الله عنه قال: حدثني جعفر بن محمد، قال: حدثني يعقوب بن يزيد، قال: حدثني صفوان بن يحيى، قال: حدثني داود بن الحسين، قال: حدثني عمر بن أذينة، عن جعفر بن محمد عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليه السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « يَا عَلِيُّ! مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ الْمَسِيحِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ إِفْتَرَقَ قَوْمُهُ ثَلَاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ مُؤْمِنُونَ وَهُمْ الْحَوَارِيُّونَ، وَفِرْقَةٌ عَادُوهُ وَهُمْ الْيَهُودُ، وَفِرْقَةٌ غَلَوْا فِيهِ فَخَرَجُوا عَنِ الْإِيمَانِ، وَإِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ فِيكَ ثَلَاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ شِيعَتُكَ وَهُمْ الْمُؤْمِنُونَ، وَفِرْقَةٌ أَعْدَاؤُكَ وَهُمْ الشَّاكُونَ، وَفِرْقَةٌ غَلَاةٌ فِيكَ فَهُمْ الْجَاهِدُونَ.

وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ! وَ شِيعَتُكَ وَ مُحِبُّو شِيعَتِكَ فِي الْجَنَّةِ، وَ أَعْدَاؤُكَ وَ الْعَلَاةُ فِي مَحَبَّتِكَ فِي النَّارِ »^١.

١: بحار الأنوار: ٢٥، ٢٦٤، ح ٤ - المناقب «خوارزمي»: ٢٢٦ - مصباح الأنوار: ٢٣ (خطي) ينابيع المودة: ١٠٩.



فضیلت چهل و هشتم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می فرمایند که :
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند :

ای علی ! مَثَل شما در بین اَمّت من مَثَل مسیح ، عیسی بن مریم علیها السلام است ، (زیرا) قوم او سه فرقه شدند: گروهی مؤمنین بودند که همان حواریون هستند، و گروهی با مسیح دشمنی نمودند، که یهود می باشند، و گروهی در مورد ایشان غلو کردند که از اهل ایمان خارج شدند .
همانا اَمّت من نیز در مورد شما ، سه فرقه می شوند: گروهی شیعه‌ی شما ، که مؤمنین هستند، و گروهی شک کنندگان راجع به شما که دشمنان هستند ، و گروهی اهل غلو ، یعنی انکار کنندگان می باشند .
ای علی ! شما و شیعیان و دوستان شیعیان شما در بهشت هستید و دشمن شما و غلو کنندگان در مورد شما، در آتش جهنم می باشند .



الْمَنْقَبَةُ النَّاسِحَةُ وَالْأَرْبُخُونَ

حدثنا هارون بن موسى عليه السلام، قال: حدثني جعفر بن علي الدقاق، قال: حدثني الحارث بن محمد، قال: حدثني سعيد بن كثير، قال: حدثني محمد بن الحسن المعروف بشلقان، عن جعفر بن محمد، عن أبيه عليه السلام، عن جابر بن عبد الله الأنصاري، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام». .

فَقَامَ أَبُو دُجَانَةَ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَمْ تُخْبِرْنَا عَنِ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّهُ أَحَبُّكَ أَنْ الْجَنَّةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى تَدْخُلَهَا أَنْتَ وَعَلَى الْأُمَّمِ، حَتَّى تَدْخُلَهَا أُمَّتُكَ؟

قَالَ: «بَلَى، وَ لَكِنْ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ حَامِلَ لِيَاءِ الْقَوْمِ إِمَامُهُمْ؟ وَ عَلِيُّ حَامِلُ لِيَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ يَدَيَّ، وَ هُوَ صَاحِبُ رَايَتِي، فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَبْلِي، فَإِنَّ الْعَلَمَ مَعَهُ وَ أَنَا عَلَى أَثَرِهِ». .
فَقَامَ عَلِيُّ عليه السلام وَ قَدْ أَشْرَقَ وَجْهُهُ سُورًا وَ هُوَ يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَنَا بِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ!». .

١: المناقب «خوارزمي»: ٢٢٧ - المحتضر: ٩٧ - مصباح الأنوار: ١١١ (خطي) - غاية المرام: ٦٧٩، ح ٩ - تفسير فرات كوفي: ١٧٥ به اسناد جابر - بحار الأنوار: ٧، ٢٠٩، ح ١٠٠.
تفضيل الأئمة على الأنبياء «حسن بن سليمان» به نقل از كتاب القائم «فضل بن شاذان» بحار الأنوار: ٢٦، ٣١٨، ح ٨٧ - الفضائل: ١٢٣ و الروضة في الفضائل «شاذان بن جبرئيل»: ٣١ (خطي) به نقل از فخرالدين طبري.

فضیلت چهل و نهم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان علیه السلام، از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌فرمایند که :

شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: اولین کسی که از بین پیامبران و صدیقین داخل بهشت می‌شود، علی بن ابی طالب علیه السلام است .

در این هنگام ابودجانة برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا شما (در گذشته) از قول خداوند متعال به ما خبر نداده بودید که: بهشت بر انبیا حرام است تا شما داخل شوی؟ و بر امت‌های گذشته نیز حرام است تا امت شما داخل شوند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آری، اما آیا نمی‌دانی حامل پرچم هر قومی، پیشاپیش آن قوم حرکت می‌کند؟

و علی علیه السلام در روز قیامت حامل پرچم «حمد» می‌باشد که پیشاپیش من حرکت می‌کند و اوست صاحب پرچم من، پس او قبل از من وارد بهشت می‌شود در حالی که عَلم با اوست و من به دنبال او می‌روم. در این هنگام علی علیه السلام از جای برخاست و در حالی که صورت مبارکش از شادی برافروخته شده بود، عرض کرد: ای رسول خدا! خدا را حمد و سپاس می‌گویم که ما را به واسطه شما شرافت عنایت فرمود.



الْمَنْقَبَةُ الْخَمْسُونَ

حدثنا أبو محمد هارون بن موسى التلعكبري رضي الله عنه قال حدثنا عبدالعزیز بن عبدالله، قال: حدثني جعفر بن محمد، قال: حدثني عبدالكبير، قال: حدثني قماز الطار أبو قمر، قال: حدثني أحمد بن محمد بن الوليد، قال: حدثني ربيع بن الجراح، قال: حدثني الأعمش، عن أبي وائل، عن عبدالله بن مسعود، قال: قال رسول الله ﷺ: «لَمَّا خَلَقَ اللهُ آدَمَ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ، عَطَسَ آدَمُ وَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ.

فَأَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: حَمَدْتَنِي عَبْدِي، وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْلَا عَبْدَانِ أُرِيدُ أَنْ أُخْلِقَهُمَا فِي دَارِ الدُّنْيَا مَا خَلَقْتُكَ.

قال: إلهي فيكونان مني؟

قال: نعم؛ يا آدم ارفع رأسك و انظر، فرفع رأسه، فإذا مكتوب على العرش:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ وَ عَلِيٌّ مُقِيمُ الْحُجَّةِ، مَنْ عَرَفَ حَقَّ عَلِيِّ عليه السلام زَكَا وَ طَهَّرَ، وَ مَنْ أَنْكَرَ حَقَّهُ لُعِنَ وَ خَابَ، أَقْسَمْتُ بِعِزَّتِي أَنْ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَنْ أَطَاعَهُ وَ إِنْ عَصَانِي، وَ أَقْسِمُ بِعِزَّتِي أَنْ أُدْخِلَ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَ إِنْ أَطَاعَنِي!».

١: المناقب «خوارزمي»: ٢٢٧ - غاية المرام: ٧، ح ١٦ - ينابيع المودة: ١١ - مصباح الأنوار: ٩٤ (خطي) - بشارة المصطفى «طبري»: ٦٨ به اسناد اعمش - بحار الأنوار: ٦٨، ١٣٠، ح ٦١ تأويل الآيات: ٤٧، ح ٢٢ به نقل از شيخ طوسي - الفضائل: ١٥٢، ح ٧٩ والروضة في الفضائل «شاذان بن جبرئيل»: ١٤٨، ح ١٤٥ - احقاق الحق: ٤، ١٤٤ به نقل از الأربعين «حافظ بن أبي الفوارس»: ٢٧.

فضیلت پنجاهم

عبداللہ بن مسعود می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

ہنگامی کہ خداوند آدم ﷺ را خلق کرد و از روح خود در او دمید، آدم ﷺ عطسه کرد و گفت: « الحمد لله »، خداوند فرمود: ای بنده من! حمد مرا کردی؛ قسم به عزت و جلالم کہ اگر نبودند آن دو نفر کہ ارادہ نموده ام آنها را در دنیا خلق کنم) هرگز تو را خلق نمی کردم.

آدم ﷺ عرض کرد: خداوندا! آنان از (صلب) من می باشند؟

حق تعالی فرمود: آری، ای آدم! سرت را بلند کن و ببین، پس چون آدم ﷺ سرش را بلند کرد، دید بر عرش نوشته شده: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، محمد ﷺ رسول خدا، پیامبر رحمت است و علی ﷺ اقامہ کنندہی حجت است، هر کس بشناسد حق علی ﷺ را، پاکیزہ و طاهر است و هر کس انکار کند حق او را، ملعون و زیان کار است.

به عزتم قسم، هر کس از او اطاعت کند، داخل بہشت می کنم، اگرچہ معصیت مرا نموده باشد، و قسم به عزتم داخل آتش جہنم می کنم هر کس کہ معصیت او را کرده باشد، اگرچہ از من اطاعت کرده باشد.



الْمَنْقَبَةُ الْخَادِيَّةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا أبو عبد الله الحسين بن أحمد بن محمد بن الأحمول بالمهدية، قال: حدثني الحسين بن جعفر، قال: حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن عيسى، عن نصر بن حماد، عن شعبة بن الحجاج، قال: حدثني أيوب السختياني عن نافع عن ابن عمر، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « مَنْ أَرَادَ التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي ، وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُوَ مِنَ النَّارِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي ، وَ مَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي ، وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي ، فَوَاللَّهِ مَا أَحَبَّهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رَبِحَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ »^۱.

فضیلت پنجاه و یکم

ابن عمر می گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

هر کس می خواهد به خداوند تعالی توکل کند، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر کس می خواهد از آتش (جهنم) نجات یابد، اهل بیت مرا دوست بدارد. هر کس می خواهد حکمت به او عطا شود، اهل بیت مرا دوست بدارد. هر کس می خواهد بی حساب وارد بهشت شود، اهل بیت مرا دوست بدارد؛ به خدا قسم، کسی آنها را دوست نمی دارد مگر اینکه در دنیا و آخرت منفعت می برد.

۱: بحار الأنوار: ۲۷، ۱۱۶، ح ۹۲ - غاية المرام: ۵۸۶، ح ۸۳ - مقتل الحسين علیه السلام «خوارزمی»:
 ۱، ۵۹ به اسناد ابن شاذان - فرائد السمطين: ۲، ۲۹۴، ح ۵۵۱ - الاعتقاد «حافظ ابوبکر شیرازی»: ۲۹۶ - ينابيع المودة: ۲۶۳.



الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا محمد بن عماد التستري، قال: حدثني محمد بن أحمد بن إدريس، قال: حدثني محمد بن عبدالله الإصهاني، عن أبيه، حدثني هشيم بن يونس بن عبيد عن الحسن البصري، عن عبدالله، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَقْعُدُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ عَلَى الْفِرْدَوْسِ وَهُوَ جَبَلٌ قَدْ عَلَا عَلَى الْجَنَّةِ وَفَوْقَهُ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مِنْ سَفْحِهِ تَنْفَجِرُ أَمْهَارُ الْجَنَّةِ وَ تَتَفَرَّقُ فِي الْجِنَانِ، وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ نُورٍ، يَجْرِي بَيْنَ يَدَيْهِ نَهْرٌ مِنْ تَسْنِيمٍ، لَا يَجُوزُ أَحَدٌ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا وَ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بِوِلَايَتِهِ وَ وِلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ هُوَ مُشْرِفٌ عَلَى الْجَنَّةِ، فَيَدْخُلُهَا مُحِبِّهِ، وَ مُشْرِفٌ عَلَى النَّارِ، فَيَدْخُلُهَا مُبْغِضِيهِ»^١.

١: بحار الأنوار: ٢٧، ١١٦، ح ٩٣ - غاية المرام: ٢٠٧، ح ١٢ - المناقب «خوارزمي»: ٣١
المقتل: ١، ٣٩ - كشف الغمة: ١، ١٠٣ - ارشاد القلوب: ٢٣٥ - ارجح المطالب «الامرتسري»: ٥٥٠
فرائد السمطين: ١، ٢٩٢، ح ٢٣٠ - المناقب المرتضوية «حنفي ترمذي»: ١٠٥ - ينابيع
المودة: ٨٦ و ص ١١٣ - مصباح الأنوار: ٦٠ - المناقب «ابن شهر آشوب»: ٢، ٧، بحار الأنوار:
٢٠٢، ٣٩.



فضیلت پنجاه و دوم

عبد الله بن مسعود می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هنگامی که روز قیامت شود، علی بن ابی طالب علیه السلام بر روی فردوس می نشیند و فردوس کوهی بر بالای بهشت می باشد و بالای آن عرش پروردگار عالمیان است، از دامنه این کوه، نهرهای بهشت می جوشد و در سراسر بهشت تقسیم می شود و علی علیه السلام (بر روی این کوه) بر روی تختی از نور نشسته و در مقابل او نهری از چشمه ی تسنیم جاری است و احدی از پل صراط نمی گذرد مگر اینکه با او جوازی از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و اهل بیت او باشد.

او احاطه دارد بر بهشت پس دوستان خود را داخل بهشت می کند و بر جهنم احاطه دارد و دشمنان خود را داخل آتش می کند.

الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا أبو محمد هارون بن موسى، قال: حدثنا محمد بن الحسين الخنجر، قال: حدثنا علي بن كعب إملاء، قال: حدثني الحسين بن ثابت الجمال، عن أبيه من الأعمش، قال: حدثني شقيق بن مسلمة، قال: حدثني حذيفة بن اليمان، قال: قَامَ النَّبِيُّ ﷺ وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ: « يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَنْتَ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَائِي، تَنْزِلُ حَيْثُ نَزَلْتُ، وَ إِنَّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ وَ هِيَ دَرَجَةُ الْوَسِيلَةِ، فَطُوبَى لَكَ وَ لِشِيعَتِكَ مِنْ بَعْدِكَ »^۱.

فضیلت پنجاه و سوم

حذیفه بن یمان می گوید: روزی پیامبر خدا ﷺ ایستادند و میان دو چشم (پیشانی) علی بن ابی طالب علیه السلام را بوسیدند و فرمودند: ای ابوالحسن! شما عضوی از اعضای (بدن) من می باشی، فرود می آیی (در بهشت)، آنجا که من فرود می آیم، و همانا برای شما در بهشت مقام و درجه ای است که به آن درجه، « وسیله » گویند، پس خوشا به حال شما و شیعیانت، پس از شما.

۱: غایة المرام: ۵۸۶، ح ۸۴.



الْمَنْقَبَةُ الرَّابِعَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا سهل بن أحمد الديباجي رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن محمد بن الأشعث بمصر، قال: حدثنا موسى بن إسماعيل، قال: حدثنا أبي إسماعيل بن موسى عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين بن علي عليه السلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلِيًّا بِأَهْلِهَا مَكْتُوبًا بِالنُّورِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ وَوَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمَّةُ اللَّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، عَلِيُّ مُجِيبِهِمْ رَحْمَةُ اللَّهِ، وَ عَلِيٌّ مُبْغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ »^۱.

۱: غاية المرام: ۵۸۶، ح ۸۲ - مدينة المعاجز: ۱۴۹، ح ۴۱۵ - كنز الفوائد: ۶۳ به اسناد ابن شاذان - بحار الأنوار: ۲۷، ۲۲۸، ح ۳۱ - روضات الجنات: ۶، ۱۸۱.
خصال صدوق: ۱، ۳۲۳، ح ۱۰ - أمالي طوسی: ۱، ۳۶۵، ح ۷۷ - المناقب «خوارزمي»: ۲۱۴
فرائد السمطين: ۲، ۷۳، ح ۳۹۶ - لسان الميزان «عسقلاني»: ۵، ۷۰ - غاية الطالب «کنجی»: ۴۲۳ و «مهبا ذکر الله» را در آخر آن اضافه نموده است.
الصراط المستقیم: ۷۵، ۲، ح ۴ - كشف الغمة: ۱، ۹۴ - الطرائف: ۶۴، ح ۶۵ - ميزان الاعتدال «ذهبي»: ۲، ۲۱۷.
مفتاح النجاة «بدخشی»: ۱۵ (خطی) به نقل از خطیب و حافظ ابو محمد عزالدین عبدالرزاق بن رزق الله الجزری شافعی از ابن عباس - درر بحر المناقب «ابن حسنویه»: ۳۱ (خطی) به نقل از الفردوس - مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمي»: ۱، ۱۸.



فضیلت پنجاه و چهارم

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می فرمایند:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

(در شب معراج) وارد بهشت شدم و دیدم با نور بر درب آن چنین

نوشته بود: « نیست معبودی به جز پروردگار، محمد صلی الله علیه و آله فرستاده‌ی

خداست، علی علیه السلام ولی خداست، فاطمه علیها السلام بانوی الهی است، حسن

و حسین علیهم السلام برگزیدگان خداوند می‌باشند، رحمت خداوند بر دوستان

و محبتین آنان باد و لعنت خداوند بر دشمنانشان باد.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا محمد بن عبدالله بن عبدالله الحافظ، قال: حدثني جعفر بن عليّ الدقاق، قال: حدثني عبدالله بن محمد الكاتب، قال: حدثني سليمان بن الربيع، قال: حدثني نصر بن مزاحم، قال: حدثني عليّ بن عبدالله، قال: حدثني الأشعث عن ضمرة، عن أبي ذر، قال:

نَظَرَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «هَذَا خَيْرُ الْأَوْلِيَيْنِ وَ خَيْرُ الْآخِرِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ ، هَذَا سَيِّدُ الصِّدِّيقِينَ وَ زَيْنُ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ .

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاءَ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ قَدْ أَضَاءَتْ الْقِيَامَةَ مِنْ ضَوْئِهَا ، عَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مُرْصَعٌ بِالزُّبُرِجَدِ وَ الْيَاقُوتِ ، فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ : هَذَا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ ، وَ يَقُولُ النَّبِيُّ : هَذَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ ، فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ : هَذَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ ، هَذَا وَصِيُّ حَبِيبِ اللَّهِ ، هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

فَيَقِفُ عَلَى ظَهْرِ جَهَنَّمَ ، فَيُنْجِي مِنْهَا مَنْ يُحِبُّ وَ يُدْخِلُ فِيهَا مَنْ لَا يُحِبُّ ، وَ يَأْتِي أَبْوَابَ الْجَنَّةِ ، فَيُدْخِلُ فِيهَا أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ مِنْ أَيِّ بَابٍ أَرَادُوا بِغَيْرِ حِسَابٍ .^١

١ : غاية المرام: ٤٦، ح ٥٦ - به اختصار در بحار الأنوار: ٢٦، ٣١٦، ح ٨١ به نقل از کتاب: تفضيل الأئمة على الأنبياء «حسن بن سليمان» به نقل از کتاب حسن بن كبش.



فضیلت پنجاه و پنجم

اباذر رضی الله عنه نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب رضی الله عنه نظر کرده، فرمودند: این (مرد) بهترین شخص از اولین و آخرین، از اهل آسمان ها و زمین می باشد، این است سرور راستگویان، و زینت اوصیا و پیشوای تقوا پیشگان و رهبر روسفیدان.

هنگامی که روز قیامت فرارسد، در حالی وارد محشر می شود که سوار بر شتری از شترهای بهشتی است، که تمام محشر از نور آن روشن و منور شود، بر سر او تاجی است که به زبرجد و یاقوت مزین شده، (چون با این عظمت وارد محشر می شود) فرشتگان می گویند: این یکی از فرشتگان مقرب است؛ پیامبران صلی الله علیه و آله می گویند: این پیامبری مرسل است؛ ناگهان ندا دهنده ای از زیر عرش ندا می دهد: این است بزرگترین راستگو و تصدیق کننده، این است وصی حبیب خدا صلی الله علیه و آله، این است علی بن ابی طالب رضی الله عنه.

در این هنگام می آید، پشت جهنم می ایستد و هر کسی را که دوست ندارد از آن نجات می دهد و آن که را نخواهد، وارد جهنم می کند. نزد درهای بهشت می آید و دوستان و شیعیانش را از هر دری که آنها اراده کنند، بدون حساب داخل بهشت می فرماید.



الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا أبو الحسن محمد بن جعفر القزويني رحمته الله قال: حدثني أبي، قال: حدثني محمد بن الحسن بن علي القزويني، قال: حدثني أحمد بن داود، قال: حدثني محمد بن صالح، قال: حدثني العباس بن الربيع، قال: حدثني عصمة بن إسماعيل، قال: حدثني أبو معشر، قال: حدثني أبو هريرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: « لَيْلَةٌ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ سَمِعْتُ نِدَاءً مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: إِنَّ عَلِيًّا آيَةٌ أُهُدَى وَ وَصِي حَبِيبِي، فَبَلَغَ. فَلَمَّا نَزَلْتُ مِنَ السَّمَاءِ نَسِيتُ ذَلِكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ﴾^١ (الآية)»^٢.

فضیلت پنجاه و ششم

ابوهریره می گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

شبى که مرا در آسمان هفتم سیر دادند (شب معراج)، ندایى از زیر عرش شنیدم که مى فرمود: همانا علی علیه السلام نشانه‌ی هدایت، و وصی حبيب من است، (ای رسول خدا، این مطلب را) ابلاغ کن. پس هنگامی که از آسمان به پایین آمدم، ابلاغ این مطلب را به تأخیر انداختم، و خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: ﴿ ای پیامبر! آنچه از خدا بر تو نازل شده، به خلق برسان، که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده ای ... ﴾ تا آخر آیه.

١: سوره مائده: آیه ٦٧.

٢: غایة المرآة: ٢٠٧، ح ١٣ - مدينة المعاجز: ١٦٠، ح ٤٤٥. مصباح الأنوار: ٤٩ (خطی) به اسناد ابن شاذان - شواهد التنزیل «حسکانی»: ١، ١٨٧، ح ٢٤٢ - فرائد السمطين «حموینی»: ١٥٨، ١.

الْمَنْقَبَةُ السَّابِعَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا القاضي المعافي بن زكريا رضي الله عنه املاء من حفظه، قال: حدثني محمد بن يزيد، قال: حدثني أبو كريب محمد بن العلاء، قال: حدثني إسماعيل بن صبح، قال: حدثني أبو يونس، قال: حدثني محمد بن المنكدر، عن جابر، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رضي الله عنه: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؟ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَ لَوْ جَازَ أَنْ يَكُونَ، لَكُنْتُ يَا عَلِيُّ!»^۱.

۱: غاية المرام: ۱۱۹، ح ۷۴ - كنز الفوائد «كراجكي»: ۲۸۲ - بغية الوعاة «سيوطي»: ۴۵۲
تاريخ بغداد: ۳، ۲۸۸ - ترجمة الإمام أمير المؤمنين من تاريخ دمشق «ابن عساکر»: ۱، ۳۴۶، ح ۴۲۷ - امالی «طوسی»: ۲، ۲۱۱، ح ۱۵ - بحار الأنوار: ۳۷، ۲۵۵، ح ۵ - اثبات الهداة: ۳، ۴۵۲، ح ۴۶۴.

الأربعين «خزاعي»: ذح ۳۹ - فرائد السمطين «حموي»: ۱، ۱۲۳، ح ۸۶ - ذيل اللثالی «سيوطي»: ۵۹ - لسان الميزان «عسقلانی»: ۵، ۳۷۸ به نقل از خطیب بغدادی.

این حدیث به حدّ تواتر از علمای فریقین نقل شده، تا بدانجا که قاضی ابوالقاسم علی بن المحسن بن علی التنوخی کتاب مستقلی در باب راویان این حدیث و طریقه های نقل آن و اختلافات در نقل و.. تألیف نموده است.

این مطلب را ابن طاووس در الطرائف: ۵۱ و علامه مجلسی در بحار الأنوار: ۳۷، ۲۶۸ و الامر تسری در ارجح المطالب: ۴۳۱ نقل می فرمایند.

همچنین حاکم ابونصر الحریری در کتاب: «التحقیق لما احتج به أمير المؤمنين رضي الله عنه يوم الشورى» از طریق بیست و هشت راوی این حدیث را نقل می کند، که ابن طاووس و علامه مجلسی نیز به این مطلب اشاره می فرمایند.



فضیلت پنجاه و هفتم

جابر نقل می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:
« آیا راضی نیستید که شما به منزله‌ی هارون، نسبت به موسی
باشی برای من؟

با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست، و اگر جایز بود که
پس از من پیامبری باشد، یقیناً آن پیامبر، شما بودی ای علی! ».

الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا أبو محمد الحسن بن عليّ عبد الله العلوي الطبري رحمته الله، قال: حدثني أحمد ابن محمد بن عبد الله، قال: حدثني جدي أحمد بن محمد، عن أبيه، قال: حدثني حنّاد بن عيسى، قال: حدثني صمر بن أذينة، قال: حدثني أبان بن أبي مياش، عن سليم بن قيس الهلالي، عن سلمان المحدثي، قال: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صلوات الله عليه وآله وَإِذَا الْحُسَيْنُ عَلَى فَحْدِهِ، وَ يُقَبِّلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ يَلْتَمُ فَاهُ، وَ هُوَ يَقُولُ: «أَنْتَ سَيِّدٌ، ابْنُ السَّيِّدِ، أَبُو السَّادَةِ، أَنْتَ الْإِمَامُ، ابْنُ الْإِمَامِ، أَبُو الْأَئِمَّةِ، أَنْتَ الْحُجَّةُ، ابْنُ الْحُجَّةِ أَبُو الْحُجَجِ التَّسْعَةِ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ»^۱.

فضیلت پنجاه و هشتم

سليم بن قيس هلالی از سلمان محمّدی نقل می کند که گفت: بر پیامبر خدا صلوات الله عليه وآله وارد شدم، دیدم حسین علیه السلام بر ران آن حضرت نشسته و پیامبر صلوات الله عليه وآله میان دو چشم او را پیای می بوسد، گاهی نیز دهان او را می بوسید و می فرمود: تویی آقا، پسر آقا، پدر آقایان، تویی امام، پسر امام، پدر امامان، تویی حجت (خدا)، پسر حجت (خدا)، پدر حجت های نه گانه، که نهمین آنها، قائم آنهاست.

۱: غاية المرام: ۴۶، ح ۵۹ - مقتل الحسين علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۱۴۶ - حلیة الأبرار: ۲، ۷۲۰ ح ۲۸ - الطرائف: ۱۷۴، ح ۲۷۲ - الصراط المستقیم: ۱۱۹، ۲.



الْمَنْقَبَةُ الثَّاسِيَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا أبو القاسم عبيد الله بن الحسن بن محمد الكوفي، قال: حدثني الحسن ابن محمد الجلي، قال: حدثني أحمد بن يحيى بن الحسين بن زيد بن علي، قال: حدثني أبي، عن جدي الحسين بن زيد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي ابن الحسين، عن أبيه عليه السلام، قال: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: « مَنْ لَمْ يَقُلْ إِنِّي رَابِعُ الْخُلَفَاءِ الْأَرْبَعَةِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ » .

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ: فَقُلْتُ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ رَوَيْتُمْ غَيْرَ هَذَا، فَإِنَّكُمْ لَا تَكْذِبُونَ!

قَالَ: « نَعَمْ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: ﴿ وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ﴾^١ فَكَانَ آدَمُ أَوَّلُ خَلِيفَةِ اللَّهِ - قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ﴾ - وَ قَالَ: ﴿ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ ﴾^٢ فَكَانَ دَاوُدُ الثَّانِي. وَ كَانَ هَارُونَ خَلِيفَةَ مُوسَى، قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ ﴾. وَ هُوَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ » .

« مَنْ لَمْ يَقُلْ إِنِّي رَابِعُ الْخُلَفَاءِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ »^٣.

١: سورة بقره: آية ٣٠.

٢: سورة ص: آية ٢٦.

٣: غاية المرام: ٦٩، ح ١٩ - البرهان: ١، ٧٥، ح ١٣ - مدينة المعاجز: ١٦٠، ح ٤٤٤ المناقب «ابن شهر آشوب»: ٢، ٢٦١ - بحار الأنوار: ٣٨، ١٥٣، ح ١٢٧.

فضیلت پنجاه و نهم

حسین بن زید از امام صادق علیه السلام و آن حضرت ، از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می فرمایند : مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند :

هر کس نگوید که من چهارمین خلیفه از خلفای چهارگانه می باشم ، لعنت خدا بر او باد .

حسین بن زید می گوید : خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم : از شما مطلب دیگری ، غیر از این روایت شده ! آیا تکذیب نمی کنید ؟

حضرت فرمودند : آری ، (اما این مطلب ، توضیحی دارد از این قرار :) خداوند تعالی در کتاب خود می فرماید : ﴿ به یاد آر ، آنگاه که پرورنگارت به ملائکه فرمود : من در زمین خلیفه قرار دادم ﴾ . پس آدم اولین خلیفه ی خداست ، به استناد فرمایش الهی که فرمود : ﴿ من در زمین خلیفه قرار دادم ﴾ .

همچنین خطاب به داود علیه السلام می فرماید : ﴿ ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم ﴾ ، پس داود علیه السلام دومین خلیفه ی خداست ؛ هارون علیه السلام نیز خلیفه ی موسی علیه السلام است (آنجا که) خداوند می فرماید : ﴿ تو اکنون ، پیشوای قوم و جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر ﴾ ، پس هارون علیه السلام خلیفه ی سوم و امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز خلیفه ی محمد صلی الله علیه و آله و سلم (و چهارمین خلیفه) است .

(اینگونه است که امیرمؤمنان علیه السلام می فرمایند :) هر کس نگوید که من چهارمین خلیفه از خلفای چهارگانه می باشم ، لعنت خدا بر او باد .



الْمَنْقَبَةُ السِّتُونَ

حدثنا أبو حفص عمر بن إبراهيم بن أحمد بن كثير المقرئ، قال: حدثني
عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز البغوي، قال: حدثني عبدالله بن عمر، قال:
حدثني عبدالملك بن عمير، قال: حدثني سالم البزاز، قال: حدثني أبوهريرة، قال:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ
بَعْدِي وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ عليهم السلام، فَمَنْ قَالَ غَيْرَ هَذَا فَعَلَيْهِ
لَعْنَةُ اللَّهِ»^۱.

فضیلت شصتم

ابوهریره می گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:
بهترین امت من، پس از من علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن
و حسین علیهم السلام می باشند.
پس هر کس جز این بگوید، لعنت خدا بر او باد.

۱: غایة المرام: ۴۵۰، ح ۱۶ - کنز الفوائد «کراجکی»: ۶۳ به اسناد ابن شاذان - بحار الأنوار:

۲۷، ۲۲۸، ح ۳۱ و ج ۳۸، ۹۸، ح ۶۵ - روضات الجنات: ۶، ۱۸۱.

الْمَنْقَبَةُ الْخَاطِيَّةُ وَالسِّتُونَ

حدثنا أبو الطيب محمد بن الحسين الثلي، قال: حدثني علي بن العباس، قال: حدثني بكار بن أحمد، قال: حدثني ضر بن مزاحم، قال: حدثني زياد بن المنذر، قال: حدثني المنذر، عن سلمان الفارسي، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « يَا سَلْمَانُ! مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ

فِي الْجَنَّةِ مَعِي، وَ مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ.

يَا سَلْمَانُ! حُبُّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا يَنْفَعُ فِي مِائَةِ مِنَ الْمَوَاطِنِ، أَيْسَرُهَا الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمُحَشِّرُ وَالصِّرَاطُ وَالْعَرْضُ وَالْحِسَابُ، فَمَنْ رَضِيَتْ ابْنَتِي عَنْهُ رَضِيَتْ عَنْهُ، وَ مَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَ مَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا غَضِبَتْ عَلَيْهِ، وَ مَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ.

يَا سَلْمَانُ! وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ بِعَلَّهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُ شَيْعَتَهَا وَ ذُرِّيَّتَهَا»^١.

١: بحار الأنوار: ٢٧، ١١٦، ح ٩٤ - غاية المرام: ١٨، ح ١٧ - مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمي»: ١، ٥٩ به اسناد ابن شاذان - ينابيع المودة: ٢٦٣ - مودة القربى «سيد علي همداني»: ١١٦، احقاق الحق: ١٠، ١٦٦.



فضیلت شصت و یکم

سلمان محمدی نقل می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست بدارد، در بهشت با من است و هر کس با او دشمنی کند، در آتش است.

ای سلمان! محبت فاطمه علیها السلام در صد موضع (از جایگاههای مرگ و قیامت) منفعت می‌رساند، که آسان‌ترین این موقوفها: مرگ، قبر، میزان، محشر، پل صراط و موقع عرض اعمال و حساب رسی است.

پس دخترم از هر کسی که راضی باشد، من نیز از او راضی هستم و هر کس من از او راضی باشم، خداوند از او راضی است.

فاطمه علیها السلام بر هر کس غضب کند، من نیز بر او غضب می‌کنم و چون من از کسی خشمگین باشم، خداوند نیز بر او غضب می‌فرماید.

ای سلمان! وای بر کسی که به فاطمه علیها السلام و شوهر او علی علیه السلام، ظلم کند، وای بر کسی که به شیعیان و فرزندان او علیهم السلام ظلم کند.



الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَّةُ وَالسِّتُونَ

حدثنا أبو الحسن أحمد بن الحسن الضحاك الرازي بها، قال: حدثني حمزة بن عبدالله المالكي، قال: حدثني عبدالله بن محمد رسويه، قال: حدثني ابن هرمة عن أنس بن مالك، قال:

قال رسول الله ﷺ: « يا أنس! أسرج بعليّتي » .

فأسرجت بعليّته فركب، فتبعته حتى صرنا إلى باب أمير المؤمنين عليّ

فقال لي: « يا أنس! أسرج بعليّته » .

فأسرجتها، فركبها وأنا معها حتى صارا إلى قلاة من الأرض خضرة نزهة، فأظلمت غمامة بيضاء، فتقاربت فإذا بصوت عالٍ: السلام عليكما ورحمة الله وبركاته، فردا السلام، وهبط الأمين جبرئيل عليّ، فاعتزلا مليا.

فلما أن عرج إلى السماء دعا النبي ﷺ عليا عليّ وناولته ثقاة عليها سطر مكتوب من منشآت القدرة: هديّة من الطالب الغالب إلى وليّه عليّ بن أبي طالب عليّ.



فضیلت شصت و دوم

انس بن مالک (خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله) می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: ای انس! اسب مرا زین کن.

چنین کردم و آن حضرت سوار شدند، من نیز پشت سر ایشان حرکت کردم تا رسیدیم به خانه‌ی امیرمؤمنان علی علیه السلام.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای انس اسب علی علیه السلام را زین کن.

اسب مولا علیه السلام را زین نمودم و آن حضرت نیز سوار شدند، هر دو حرکت نمودند، من هم با آنها حرکت می‌کردم تا رسیدیم به زمین‌هایی سرسبز و پاکیزه و با صفا؛ در این هنگام ابر سفیدی بر آنها سایه افکند و به آنها نزدیک شد و صدای آشکار و بلندی به گوش رسید که می‌گفت: «سلام بر شما دو نفر و رحمت و برکات خدا بر شما باد!».

آن دو بزرگوار جواب دادند و پس از آن جبرئیل امین علیه السلام هبوط کرد و آن دو در کناری خلوت نمودند.

پس هنگامی که جبرئیل علیه السلام به آسمان بازگشت، پیامبر صلی الله علیه و آله، مولا علی علیه السلام را صدا زدند و سیبی به ایشان دادند که به دست قدرت الهی بر روی آن این سطر نوشته شده بود:

«هدیه‌ای از خداوند غالب، به سوی ولیش، علی بن ابی طالب علیه السلام».



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ وَالسِّتُونَ

حدثنا أبو عبد الله أحمد بن محمد بن الحسن بن أيوب الحافظ رحمته الله قال: حدثني أبو عبيد أحمد بن محمد بن جعفر الصولي، قال: حدثني محمد بن الحسين، قال: حدثني حفص بن عمر، قال: حدثني أبو معاوية، قال: قال لي الأعمش: يا أبا معاوية ألا أحدثك حديثاً لا تختار عليه؟

قلت: بلى فديتك. قال: حدثني أبو وائل ولم يمهه أحد غيري، عن عبد الله، قال: حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ لِي جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

« يَا مُحَمَّدُ! عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ، مَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ! ».

فضیلت شصت و سوم

ابومعاویه می گوید: اعمش به من گفت: ای ابامعاویه! آیا برایت حدیثی بگویم که چیزی برای تو با ارزش تر و نیکوتر از آن نباشد؟
گفتم: آری، فدایت شوم.

گفت: ابووائل به من گفت: و کسی غیر از من آن را نشنید، او نیز از عبدالله روایت کرد که:

رسول خدا ﷺ فرمودند: جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ به من عرضه داشت:

ای محمد! علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بهترین بشر است، و هر کس منکر (این سخن)

باشد، کافر است.

۱: بحار الأنوار: ۲۶، ۳۰۶، ح ۶۶ - غاية المرام: ۴۵۰، ح ۱۵.



الْمَنْقَبَةُ الرَّابِعَةُ وَالسِّتُونَ

حدثنا الحسن بن أحمد بن سحّويه الجاور عليه السلام، قال: حدثني محمد بن أحمد البغدادي، قال: حدثني عيسى بن مهران، قال: حدثني يحيى بن عبد الحميد الحماني، قال: أخبرني قيس بن الربيع، قال: حدثني الأعمش، عن أبي وائل، عن عبد الله ابن مسعود، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوَّلُ مَنْ اتَّخَذَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام أَخًا مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ إِسْرَافِيلُ، ثُمَّ مِيكَائِيلُ، ثُمَّ جَبْرَائِيلُ وَ أَوَّلُ مَنْ أَحَبَّهُ مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ حَمَلَةُ الْعَرْشِ، ثُمَّ رِضْوَانُ خَازِنُ الْجَنَّةِ، ثُمَّ مَلِكُ الْمَوْتِ وَ إِنَّ مَلِكُ الْمَوْتِ، يَتَرَحَّمُ عَلَيَّ مُحَمَّدِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام كَمَا يَتَرَحَّمُ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَام»^١.

١: المناقب: ٣١، ومقتل الحسين عليه السلام «خوارزمي»: ١، ٣٩ به اسناد ابن شاذان - مناقب ابن شهر آشوب: ٢، ٣٢ - ينابيع المودة: ١٣٣ - كشف الغمة: ١، ١٠٣ - غاية المرام: ٥٨٠، ح ٢٦ مصباح الأنوار: ٦١ (خطي).

بحار الأنوار: ٣٨، ٣٣٥ ضمن ح ١٠ به نقل مناقب ابن شهر آشوب ودرج ٣٩، ١١٠، ح ١٧ به نقل كشف الغمة - غاية المرام: ٦٦٢، ح ٤ به نقل از كتاب فتح المبين في كشف اليقين في شرح دوحة المعارف - احقاق الحق: ٦، ١١١ به نقل از ارجح الطالب للامرتسرى: ٥٢٦.



فضیلت شصت و چهارم

عبداللہ بن مسعود می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

اولین کسی که در بین اهل آسمان‌ها علی بن ابی طالب علیه السلام را به برادری خود برگزید، اسرافیل علیه السلام و پس از آن میکائیل علیه السلام و بعد از آن جبرئیل علیه السلام بود.

اولین کسانی که از اهل آسمان‌ها به دوستی علی علیه السلام مفتخر گردیدند، حاملان عرش، سپس رضوان خزانه دار بهشت و پس از آن ملک الموت علیه السلام بود.

ملک الموت (عزرائیل علیه السلام) بر دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام (در موقع قبض روح) ترحم می‌کند، همچنان که بر انبیاء علیہم السلام رحم می‌نماید.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ وَالسُّتُونَ

حدثنا طلحة بن أحمد بن محمد بن زكريا النشابوري، قال: حدثني سناء بن عبدالرحمن، قال: حدثني علي بن عبدالله بن عبد الحميد، عن هشيم بن بشير، قال: حدثني شعبة بن الحجاج، قال: حدثني علي بن ثابت، عن أبي سعيد الخدري، عن ابن عباس، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَيْلَةٌ أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ، فَرَأَيْتُ نُورًا ضَرَبَ بِهِ وَجْهِي، فَقُلْتُ لِجِبْرِئِيلَ: مَا هَذَا النُّورَ الَّذِي رَأَيْتُهُ؟

قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! لَيْسَ هَذَا نُورُ الشَّمْسِ وَلَا نُورُ الْقَمَرِ، وَ لَكِنْ جَارِيَةٌ مِنْ جَوَارِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِطَّلَعَتْ مِنْ قَصْرِهَا فَتَنظَرَتْ إِلَيْكَ وَ ضَحِكْتَ، فَهَذَا النُّورُ مِنْ ثَنَائِهَا، وَ هِيَ تَدُورُ فِي الْجَنَّةِ إِلَى أَنْ يَدْخُلَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^١.

١: غاية المرام: ١٨، ح ١٨ - اليقين في امرة أمير المؤمنين عليه السلام: ٦١ - المناقب «خوارزمي»: ٢٢٧
مقتل الحسين عليه السلام: ٣٩ - كفاية الطالب: ٣٢١ - اليقين: ٢٠ - اثبات الهداة: ٤، ٤٤، ح ٤٨٢ به
نقل از خوارزمي.



فضیلت شصت و پنجم

ابن عباس می گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند: شبی که مرا به آسمان بردند، (شب معراج) داخل بهشت شدم، در این هنگام نوری به صورتم برخورد کرد، به جبرئیل علیه السلام گفتم: این چه نوری است؟

عرض کرد: ای محمد! این نور، نه نور خورشید بود و نه ماه، بلکه حوریه‌ای از حوریه‌های علی بن ابی طالب علیه السلام بود که از قصر خود نمایان شد، پس چشمش به شما افتاد و (با دیدن شما) خندید، این نوری که مشاهده فرمودید، از دندان‌های او بود.

او همیشه در بهشت دور می‌زند تا آن زمان که علی بن ابی طالب علیه السلام داخل بهشت شود.



الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالسُّتُونَ

أخبرنا أبو عبد الله الحسين بن محمد بن إسحاق بن أبي خطاب السوطي، قال: حدثني إساعيل بن عليّ الداعلي، عن أبيه، قال: حدثني عليّ بن موسى الرضا عليه السلام، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن عليّ بن الحسين، عن أبيه عليه السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: « يَا عَلِيُّ! أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ، لَا يَشُكُّ فِيكَ إِلَّا مَنْ كَفَرَ! »^۱.

فضیلت شصت و ششم

حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می فرمایند:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

ای علی! شما بهترین انسان هایی، و کسی در مورد شما شک

و تردید نمی کند، مگر اینکه کافر باشد.

۱: بحار الأنوار: ۲۶، ۳۰۶، ح ۶۷ - غاية المرام: ۴۵۰، ح ۱۷.

الْمَنْقَبَةُ السَّابِحَةُ وَالسِّتُونَ

حدثني الشريف التقيب أبو محمد الحسن بن محمد العلوي الحسيني رحمته الله قال: حدثني محمد بن زكريا، قال: حدثني العباس بن بكار، قال: حدثني أبو بكر الهذلي، من عكرمة، من ابن عباس، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ: « يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ! أَنْتُمْ أَصْحَابِي، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَمَنْ قَاسَهُ بِغَيْرِهِ فَقَدْ جَفَانِي، وَمَنْ جَفَانِي فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ رَبِّي. يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ كِتَابًا مُبِينًا، وَأَمَرَنِي أَنْ أُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَلَ إِلَيْهِمْ، مَا خَلَا عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ يَسْتَعْنِي عَنِ الْبَيَانِ.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ فَصَاحَتَهُ كَفَصَاحَتِي وَدِرَايَتَهُ كَدِرَايَتِي.

وَ لَوْ كَانَ الْحِلْمُ رَجُلًا لَكَانَ عَلِيًّا عليه السلام.

وَ لَوْ كَانَ الْفَضْلُ شَخْصًا لَكَانَ الْحَسَنَ عليه السلام.

وَ لَوْ كَانَ الْحَيَاءُ صُورَةً لَكَانَ الْحُسَيْنَ عليه السلام.

وَ لَوْ كَانَ الْحُسْنُ هَيْئَةً لَكَانَتْ فَاطِمَةَ، بَلْ هِيَ أَعْظَمُ، إِنَّ

فَاطِمَةَ عليها السلام ابْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنُصْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا ^١.

١: غاية المرام: ٥١٢، ح ٢٠ - فرائد السمطين: ٢، ٦٨، ٣٩٢ - غاية المرام: ٤٥٩، ح ٣٣.



فضیلت شصت و هفتم

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به عبدالرحمان بن عوف فرمودند: ای عبدالرحمان! شما اصحاب من هستید و علی بن ابی طالب علیه السلام از من است و من از علی علیه السلام، پس هر که او را به غیر خودش (به غیر علی علیه السلام) قیاس کند، به من جفا نموده، و هر کس به من جفا کند، مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند، لعنت پروردگارم بر او باد.

ای عبدالرحمان! همانا خداوند تعالی بر من کتابی روشنگر نازل نمود، و به من فرمود که برای مردم، آنچه - در مورد آنها - نازل شده، بیان کنم، به استثنای علی بن ابی طالب علیه السلام؛ زیرا او بی نیاز از بیان و شرح و تفسیر قرآن است، همانا خداوند تعالی فصاحت علی علیه السلام را همچون فصاحت من قرار داده، و درایت او را مانند درایت من قرار داده است؛ و اگر حلم و بردباری به صورت مردی باشد، آن مرد علی علیه السلام است. اگر فضل و برتری شخص باشد، آن شخص، حسن علیه السلام است. اگر حیا صورت داشت، آن صورت، حسین علیه السلام بود. اگر حُسن هیکل داشت، آن هیکل فاطمه علیه السلام بود، بلکه عظیم تر و بزرگتر از آن، همانا دختر من فاطمه علیه السلام از نظر عنصر و شرف و کرامت، بهترین موجود بر روی زمین است.



الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ وَالسِّتُونَ

حدیثی القاضی المعافی بن زکریا من حفظه، قال: حدیثی ابراهیم بن فضل، قال: حدیثی الفضل بن یوسف، قال: حدیثی الحسن بن صابر، قال: حدیثی وکیع، قال: حدیثی هشام بن عروة، عن أبيه، عن عائشة قالت: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «ذِكْرُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِبَادَةٌ»^۱.**

فضیلت شصت و هشتم

عایشه می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

یاد و ذکر علی بن ابی طالب علیه السلام عبادت است.

۱: مناقب خوارزمی: ۲۶۱ به اسناد ابن شاذان - ترجمة الإمام علي عليه السلام من تاريخ دمشق «ابن عساکر»: ۲، ۴۲۴ - المناقب «ابن المغازلی»: ۲۰۶، ح ۲۴۳.
 الفردوس «دیلمی»: ۱۱۰ (خطی) به نقل از جعفر بن محمد الحسینی در کتاب العروس - مناقب ابن شهر آشوب: ۳، ۶ - کنز العمال: ۱۲، ۲۰۱ - ینابیع المودة: ۲۳۷، ح ۲۶۱ - بحار الأنوار: ۳۸، ۱۹۹ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب - کنوز الحقائق: ۷۸ - ینابیع المودة: ۱۸۰ - البداية و النهاية «ابن کثیر»: ۷، ۳۵۷ - الجامع الصغیر «سیوطی»: ۱، ۵۸۳ - الفتح الکبیر «شیخ یوسف نبهانی»: ۲، ۱۲۰ - مودة القربی «همدانی»: ۷، ۱۱۱ - المناقب المرتضویة «کشفی حنفی» به نقل از دیلمی و ابن حجر و صاحب بحر المعارف و صاحب فصل الخطاب - مناقب علی علیه السلام «عبینی حیدرآبادی»: ۳۴ به نقل از طبرانی.



الْمَنْقَبَةُ التَّاسِعَةُ وَالسِّتُونَ

حدثنا أبو القاسم جعفر بن مسرور اللحام رضي الله عنه قال: حدثني الحسين بن محمد، من إبراهيم بن محمد، عن بلا، عن إبراهيم بن صالح الأنماطي، عن عبد الصمد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليه السلام، قال:

«سُئِلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾^۱ قَالَ: نُزِلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عليه السلام وَ طُوبَى، شَجَرَةٌ فِي دَارِهِ وَ هِيَ الْفِرْدَوْسُ، لَيْسَ مِنْ أَثْمَارِ دُورِ الْجَنَّةِ شَيْءٌ إِلَّا وَ عُصْنٍ مِنْهَا فِيهَا»^۲.

فضیلت شصت و نهم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می فرمایند:
امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد این آیه سؤال شد:
﴿خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها﴾.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این آیه در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شده، و طوبی درختی است در خانه‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام که آن خانه در فردوس است، و در هیچ خانه‌ای از خانه‌های بهشت، درختی نیست، مگر اینکه شاخه‌ای از طوبی در آن باشد.

۱: سوره رعد: آیه ۲۹.

۲: الیقین فی امره امیرالمؤمنین علیه السلام: ۶۲ - غایة المراد: ۱۹، ح ۱۹ - بحار الأنوار: ۳۹، ۲۳۵، ح ۲۰ به نقل از یقین - مناقب ابن شهر آشوب: ۳، ۳۲ از ابان بن عیاش از انس، و کلبی از ابوصالح و شعبه از قتادة، و حسن عن جابر و ثعلبی از ابن عباس و ابی بصیر و عبد الصمد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام.



الْمَنْقَبَةُ السَّبْعُونَ

حدثنا أبو الهاسم عبد الله بن محمد بن إسحاق بن سليمان بن حنافة البزاز بمدينة السلام، قال: حدثني البغوي عبد الله بن محمد، عن الحسن بن عرفة، قال: حدثنا زجر بن هارون، قال: حدثنا جيل بن الطويل، عن أنس، عن عائشة، قالت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

« عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ الْبَشَرِ، مَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ » .

فَقِيلَ لَهَا : وَ لِمَ خَارَبْتِيهِ ؟

فَقَالَتْ : وَ اللَّهُ مَا خَارَبْتُهُ مِنْ ذَاتِ نَفْسِي وَ مَا حَمَلَنِي عَلَى ذَلِكَ

إِلَّا طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ .^۱

فضیلت هفتادم

انس بن مالک از عایشه نقل می کند که گفت : شنیدم از رسول خدا ﷺ

می فرمودند :

علی بن ابی طالب علیه السلام بهترین بشر است ، و هر کس (از این حقیقت)

روبرگرداند ، کافر است .

(در این هنگام) شخصی به عایشه گفت : (اگر این فضیلت را می دانی) چرا

با او می جنگی ؟

گفت : به خدا قسم ، من به اختیار خود ، با او ن جنگیدم ؛ طلحه

و زبیر مرا بر این عمل مجبور نمودند .

۱ : بحار الأنوار : ۲۶ ، ۳۰۶ ، ح ۶۸ .



الْمَنْقَبَةُ الْخَاصِيَّةُ وَالسَّبْحُوتُ

حدثنا أبو بكر محمد بن عبدالله بن حمدون بن الفضل القفيع، قال: حدثني القاضي عبدالرحمن بن الحسن، قال: حدثني إبراهيم بن الحسين، قال: حدثنا شاء عبدالله بن سلمة الصغير، قال: حدثنا شعبة بن الحجاج، قال: حدثنا أبو رجاء الطار من سمره، قال:

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلَّمَا أَصْبَحَ ، أَقْبَلَ عَلَيَّ أَصْحَابِيهِ بِوَجْهِهِ يَقُولُ : « هَلْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدٌ رُؤْيَا ؟ » .

وَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصْبَحَ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ : « رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ حَمْرَةَ عَمِّي وَ جَعْفَرَ بْنَ عَمِّي ، جَالِسَيْنِ وَ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا طَبَقٌ مِنْ نَبَقٍ وَ هُمَا يَأْكُلَانِ مِنْهُ ، فَمَا لَبِثَا أَنْ تَحَوَّلَ رُطْبًا ، فَأَكَلَا مِنْهُ .

فَقُلْتُ لَهُمَا : مَا وَجَدْتُمَا السَّاعَةَ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ فِي الْآخِرَةِ ؟
قَالَا : الصَّلَاةُ وَ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ إِحْفَاءُ الصَّدَقَةِ » .^۱

فضیلت هفتاد و یکم

سمره می گوید: هر روز صبح پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روی مبارک را به جانب اصحاب می نمودند و می فرمودند: آیا کسی از شما رؤیایی مشاهده نکرده؟ روزی هم خود پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: در خواب، عمویم حمزه و پسر عمویم، جعفر را دیدم که نشسته بودند و در مقابل آنها ظرفی از نَبَق بود و آنها می خوردند، طولی نکشید که آن نَبَق به رطب تبدیل شد، و آنها از آن رطبها نیز خوردند.

به آنها گفتم: اکنون (که شما در برزخ هستید) چه عملی را در (عالم) آخرت، بهترین اعمال یافته اید؟

گفتند: نماز و دوستی علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و صدقه دادن مخفیانه.

۱: بحار الأنوار: ۲۷، ۱۱۷، ح ۹۵ - مدينة المعاجز: ۱۷۲، ح ۴۷۶.



الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ وَالسَّبْحُونَ

حدثنا أبو الفرج محمد بن المظفر بن قيس المقرئ القتيبي رحمه الله قال: حدثني الحسن بن محمد بن سعيد، قال: حدثني سرابة بن إبراهيم، قال: حدثني علي بن محمد ابن غلد، قال: حدثني جعفر بن حفظ، قال: حدثني محمد بن إسماعيل، قال: حدثني زيد بن مياض، عن صفوان بن سلمان عن سلمان بن يسار، عن ابن عباس، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي كَجِلْدِي، عَلِيٌّ مِنِّي كَلْحَمِي، عَلِيٌّ مِنِّي كَعَظْمِي، عَلِيٌّ مِنِّي كَدَمِي فِي عُرُوقِي، عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّ فِي أَهْلِي وَخَلِيفَتِي فِي قَوْمِي وَ يَقْضِي دِينِي وَ يُنْجِزُ عِدَاتِي، عَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا إِذَا مِتُّ عِوَضَ عَنِّي»^۱.

فضیلت هفتاد و دوّم

ابن عباس می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

علی بن ابی طالب علیه السلام نسبت به من، مانند پوست من است، علی علیه السلام نسبت به من، مانند گوشت من است، علی علیه السلام نسبت به من، مانند استخوان من است، علی علیه السلام نسبت به من، همچون خون در رگهای من است. او برادر و وصی من است در خانواده ام و جانشین من است در میان قوم (پیروان) من، او اداکننده دین من است، او وفاکننده به عهد من است، و هنگامی که از دنیا بروم، او بَدَل من در دنیا می باشد.

۱: غایة المرام: ۶۹، ح ۲۰.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ وَالسَّبْحُوحُونَ

حدثنا أبو الفرج محمد بن المظفر بن أحمد بن سعيد الدقاق، قال: حدثني أحمد ابن محمد، قال: حدثني محمد بن منصور، عن عثمان بن أبي شيبة، قال: حدثني جرير، قال: حدثني محمد بن يسار، قال: حدثني الفضل بن هارون، عن أبي هارون العبدي، عن أبي بكر عبدالله بن عثمان، قال:

كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بُسْتَانٍ عَامِرٍ بَنِ سَعْدٍ بِعَقِيقِ السُّفْلَى،
فَبَيْعًا نَحْنُ نَحْتَرِقُ الْبُسْتَانَ إِذْ صَاحَتْ نَخْلَةٌ بِنَخْلَةٍ!
فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَتَدْرُونَ مَا قَالَتِ النَّخْلَةُ؟»
فَقُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ.

قال: «صاحت: هذا محمد رسول الله وصيته علي بن أبي طالب عليه السلام»
فَسَمَّاهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ تِلْكَ الصَّيْحَةِ: «نَخْلَةُ الصَّيْحَانِي»^١.

١: مدينة المعاجز: ٦٥، ح ١٥٢ - المناقب «خوارزمي»: ٢٢١ به اسناد ابن شيرويه ديلمى الصراط المستقيم: ٢، ٣٣ - اثبات الهداة: ٥، ٦٤ ح ٤٣٩ - فرائد السمطين: ١، ١٣٧ - ينابيع المودة: ١٣٦ - غاية المرام: ١٥٧، ح ٢٦ - الخرائج والجرائح «راوندي»: ٤٧٨ - بحار الأنوار: ١٧، ٣٦٥، ح ٧ - المناقب «ابن شهر آشوب»: ٢، ١٥٣ از طريق جابر بن عبدالله، و حذيفة بن اليان و عبدالله بن عباس، و ابوهارون العبدي، از عبدالله بن عثمان، و حمدان بن المعافا از حضرت امام رضا عليه السلام، و محمد بن صدقة، از حضرت امام موسى بن جعفر عليه السلام.



فضیلت هفتاد و سوم

ابوبکر عبدالله بن عثمان می گوید :

با پیامبر خدا ﷺ در باغ عامر بن سعد - که در منطقه‌ی عقیق
سفلی بود - مشغول راه رفتن بودیم و از بین درختان و نخل‌ها عبور
می کردیم که ناگهان صدای صیحه‌ای از نخلی بلند شد! و این صیحه از
نخلی به نخل دیگر منتقل می شد!

پیامبر ﷺ فرمودند: آیا می دانی این نخل چه می گوید؟

عرض کردم: خدا و رسولش دانایانتر می باشند.

پیامبر ﷺ فرمودند: می گوید: این محمّد رسول خداست، و وصی

او علی بن ابی طالب است.

پس به همین علت - که آن نخل صیحه زد - پیامبر خدا ﷺ آن را

نخل صیحانی^۱ نامیدند.

۱: یعنی نخل صیحه زننده.



الْمَنْقَبَةُ الرَّابِعَةُ وَالسَّبْحُونَ

حدثني أبو الحسن عجلي بن محمد المكتب اللغوي الرازي، قال: حدثني الحسن بن عجلي الوفوي، قال: حدثني العباس بن بكار النخعي، قال: حدثني أبو بكر الهذلي، قال: حدثني عكرمة، من ابن عباس، قال:

قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ ، فَقَالَ : يَا ابْنَ عَبَّاسٍ ! أَخْبِرْنِي عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ .

فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ : آلُ مُحَمَّدٍ عليه السلام الْمُعْلَمُونَ التُّقَى ، الْبَادِلُونَ الْجَدَى ،

الْتَارِكُونَ الْهُوَى ، الْتَاكِبُونَ الرَّدَى ، لَا خُشْعَ لِمَظٍّ ، وَلَا طَمَحَ

حِظٍّ ، وَلَا غُلْظَ فُظْظٍ ، فِي كُلِّ حِينٍ يُقْظُ ، أَحْلَاسُ الْحَيْلِ ،

أَنْجُمُ اللَّيْلِ ، وَبُحْرُ النَّيْلِ ، بُعَادُ الْمَيْلِ ، هَامَاتُ هَامَاتٍ ، وَ سَادَاتُ

سَادَاتٍ ، وَ عُيُوثُ جَارَاتٍ ، وَ لُيُوثُ غَابَاتٍ ، الْمُتَقِيمُونَ الصَّلَاةَ ،

الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ ، الْمُتَرَبُّونَ الْحَسَنَاتَ ، وَ الْمُحِيطُونَ السَّيِّئَاتِ .



فضیلت هفتاد و چهارم

عکرمه می گوید: مردی از جابرخواست و به ابن عباس گفت: ای ابن عباس! از آل محمد علیهم السلام برایم بگو.

ابن عباس گفت: آل محمد علیهم السلام کسانی هستند که پرهیزکاری را یاد می دهند، و با رغبت بسیار بخشش می کنند، هوای خود را رها کرده و از امور هلاک کننده دوری می کنند، پاکیزه (با آدابی خاص) غذا تناول می کنند، و عمیق و زیبا می نگرند، تندی و خشونت در خلق و خوی نداشته و پیوسته در توجه و بیداری کامل هستند، مانند ستارگان، راهنمای خلق می باشند، دریای سخاوتند و از امیال نفسانی دور، دارای مقامی بس بلند و بزرگ می باشند و فریادرس پناهندگانند، شیران بی باک، برپاکنندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات، و نزدیک کننده ی نیکی ها، و دور کننده ی بدی ها هستند.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ وَالسَّبْحُونَ

حدثنا أبو محمد عبدالله بن يوسف بن ماويه الاصهاني بنيسابور، قال: حدثني حامد بن محمد المروزي، قال: حدثني علي بن محمد بن عيسى، قال: حدثني محمد بن مكاشة، قال: حدثني محمد بن سلمة، عن خصف، عن مجاهد، قال:

قِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ : مَا تَقُولُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟

فَقَالَ : ذَكَرْتُ وَ اللَّهِ أَحَدَ الثَّقَلَيْنِ ، سَبَقَ بِالشَّهَادَتَيْنِ ، وَ صَلَّى الْقِبْلَتَيْنِ وَ بَايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ ، وَ أُعْطِيَ الْبَسُطَتَيْنِ وَ هُوَ أَبُو السَّبْطَيْنِ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مَنْ رُدَّتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ مَرَّتَيْنِ مِنْ بَعْدِ مَا غَابَتْ عَنِ الْقِبْلَتَيْنِ ، وَ جَرَدَ السَّيْفَ تَارَتَيْنِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْكَرَّتَيْنِ وَ هُمَا حَرْبُ بَدْرٍ وَ حُنَيْنٍ ، فَثَلُّهُ فِي الْأُمَّةِ مَثَلُ ذِي الْقُرْنَيْنِ ، ذَاكَ مَوْلَايَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ .^١

١: البرهان: ١، ٢٧، ح ١٤ - المناقب: ٢٣٦ و در مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمي»: ١، ٤٧ به اسناد

ابن ساذان، غاية المرام: ٢١٤ ح ٢٤ - ينابيع المودة: ١٣٩.



فضیلت هفتاد و پنجم

مجاهد می‌گوید : شخصی به ابن عباس گفت: در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام چه می‌گویی ؟

گفت : به خدا قسم ، یکی از دو ثقل (قرآن و عترت) را یاد کردی ، او برای ادای شهادتین از همه‌ی مسلمانان سبقت گرفت و به دو قبله نماز خواند ، و دو مرتبه بیعت نمود ، و با جوانمردی عطا نمود ، و اوست پدر نوه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله ، (یعنی حسن و حسین علیهما السلام ، او کسی است که دو مرتبه خورشید پس از غروب کردن ، برای او بازگشت ، و دو مرتبه شمشیر کشید و دو مرتبه یورش و حمله‌ی دلیرانه نمود و آن در جنگ بدر و حنین بود .

پس مثل او در بین امت ، مانند ذوالقرنین می‌باشد ؛ آری ، این است مولای من ، علی بن ابی طالب علیه السلام که درود خدا بر او باد .



الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالسَّبْحُوهُ

حدثنا أبو الحسن أحمد بن طرخان الكندي رضي الله عنه، قال: حدثني جعفر بن محمد، قال: حدثني أبو بكر أحمد بن جعفر، قال: حدثني جعفر بن محمد، قال: حدثني إبراهيم بن الحجاج، قال: حدثني حماد بن سلمة، قال: حدثني علي بن زيد بن جدعان، قال: حدثني سعيد بن المسيب، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ وَ وَزِيرًا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ .

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ : إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ وَزِيرَكَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ جَبْرَائِيلَ ، وَ وَزِيرَكَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .^۱

فضیلت هفتاد و ششم

سعید بن مسیب می گوید : رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : خداوندا برای من وزیری از اهل آسمان ، و وزیری از اهل زمین قرار بده .

پس خداوند تعالی وحی نمود : همانا من از اهل آسمان ها جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ ، و از اهل زمین علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را وزیر تو قرار دادم .

۱ : غایة المرام: ۶۱۳، ح ۹.

الْمَنْقَبَةُ الشَّابِحَةُ وَالسَّبْحُونَ

حدثني محمد بن علي بن فضل الزيات، قال: حدثني الحسين بن محمد، قال: حدثني الحسن بن ربيع الماجشوني، عن إسماعيل بن أبان الوراق، قال: حدثني غياث بن إبراهيم، عن جعفر بن محمد عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليه السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « نَزَلَ عَلَيَّ جَبْرَائِيلُ عليه السلام صَبِيحَةَ يَوْمٍ فَرِحًا مُسْتَبْشِرًا ، فَقُلْتُ : حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ ! مَا لِي أَرَاكَ فَرِحًا مُسْتَبْشِرًا ؟ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ! وَ كَيْفَ لَا أَكُونُ كَذَلِكَ وَ قَدْ قَرَّتْ عَيْنِي بِمَا أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ أَخَاكَ وَ وَصِيَّكَ وَ إِمَامُ أُمَّتِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام .

فَقُلْتُ : وَ بِمِ أَكْرَمَ اللَّهُ أَخِي وَ إِمَامُ أُمَّتِي ؟

فَقَالَ : بَاهِي اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى بِعِبَادَتِهِ الْبَارِحَةَ مَلَائِكَتَهُ وَ حَمَلَةَ عَرْشِهِ وَ قَالَ : مَلَائِكَتِي وَ حَمَلَةَ عَرْشِي ! أَنْظَرُوا إِلَى حُجَّتِي فِي أَرْضِي بَعْدَ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ ﷺ كَيْفَ عَفَّرَ خَدَّهُ فِي التُّرَابِ تَوَاضِعًا لِعَظَمَتِي ، أَشْهَدُكُمْ أَنَّهُ إِمَامُ خَلْقِي وَ مَوْلَى بَرِيَّتِي « ١ .

١ : غاية المرام: ٤٦، ح ٦٠ - مدينة المعاجز: ١٦٣، ح ٤٥٢ - المناقب «خوارزمي»: ٢٢٨ به اسناد ابن شاذان - غاية المرام: ٢٧، ح ٤ - مصباح الأنوار: ٩٥، (خطي) تأويل الآيات: ٣١ (خطي) - ينابيع المودة: ٧٩ و ص ١٢٦ .
بحار الأنوار: ١٩، ٨٧، ح ٣٧ به نقل از تأويل الآيات.



فضیلت هفتاد و هفتم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از اباعبدالله الحسین علیه السلام

نقل می‌فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

روزی هنگام صبح، جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد، در حالی که بسیار خوشحال و مسرور بود، به او گفتم: حبیب من، جبرئیل! چه شده که تو را امروز شاد و مسرور می‌بینیم؟

عرض کرد: ای محمد! چگونه شاد نباشم؟ در حالی که چشم من روشن شد به آنچه خداوند اکرام نمود به آن، برادر و وصی تو و امام امت تو، علی بن ابی طالب علیه السلام را.

گفتم: خداوند به واسطه‌ی چه (عملی) برادر و امام امتم را اکرام نمود؟ جبرئیل علیه السلام عرض کرد: خداوند سبحان مباحات کرد نزد ملائکه و حاملان عرش، به عبادت شب گذشته‌ی علی علیه السلام، و فرمود: ای فرشتگان من و ای حاملان عرش من! بنگرید به حجت من بعد از پیامبرم در زمین من، که چگونه صورت خود را به خاک می‌ساید، به خاطر تواضعی که در مقابل عظمت من دارد.

شما را شاهد می‌گیرم که اوست امام خلق من، و مولای بندگان من.



الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ وَالسَّبْعُونَ

حدثنا أبو بكر محمد بن عبدالله بن حمدون، قال: حدثني محمد بن أحمد، قال: حدثني جعفر بن محمد بن شاکر الصائغ، قال: حدثني منصور بن صفر، عن مهدي ابن ميمون، عن محمد بن سيرين، عن أخيه معبد، عن أبي سعيد الخدري، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْعِلْمُ خَمْسَةٌ أَجْزَاءٌ، أُعْطِيَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ذَلِكَ أَرْبَعَةٌ أَجْزَاءٍ، وَ أُعْطِيَ سَائِرُ النَّاسِ جُزْءٌ وَاحِدًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا، لَعَلِّي بِجُزْءِ النَّاسِ أَعْلَمُ مِنَ النَّاسِ بِجُزْئِهِمْ» .

فضیلت هفتاد و هشتم

ابوسعید خدری می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

علم پنج جزء دارد، که چهار جزء آن به علی بن ابی طالب علیه السلام عطا شده است و به بقیه ی مردم فقط یک جزء (از علم) داده شده است .
قسم به آن خدایی که مرا به حق، بشیر و نذیر مبعوث فرمود، علی علیه السلام به همان یک جزء مردم نیز عالم تر از خود آنها به آن است .



الْمَنْقَبَةُ النَّاسِحَةُ وَالسَّبْحُونَ

حدثنا أبو محمد بن فريد البوشنجي، قال: حدثني الزبير بن بكار، قال: أخبرني
سفيان بن عيينة، قال: حدثني أبو قلابة، عن أيوب السخيتاني، قال:
كُنْتُ أَطُوفُ بِالْبَيْتِ ، فَاسْتَقْبَلَنِي فِي الطَّوْفِ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ ،
فَقَالَ لِي : أَلَا أَبَشِّرُكَ بِشَيْءٍ تَفْرَحُ بِهِ ؟
فَقُلْتُ لَهُ : بَلَى .

فَقَالَ : كُنْتُ وَإِقْفَاءَ بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ ﷺ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَهُوَ
قَاعِدٌ فِي الرَّوْضَةِ ، فَقَالَ لِي :

« أَسْرِعْ وَ ائْتِنِي بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام » .

فَذَهَبْتُ ، فَإِذَا عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ عليها السلام ، فَقُلْتُ لَهُ : إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ يَدْعُوكَ .

فَجَاءَ فِي الْحَالِ وَ كُنْتُ مَعَهُ ، فَسَلَّمَ عَلَيَّ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ لَهُ

النَّبِيُّ ﷺ : « يَا عَلِيُّ سَلِّمْ عَلَيَّ جَبْرَائِيلُ » .

فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام : « أَلَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا جَبْرَائِيلُ » .

فَرَدَّ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ السَّلَامَ .

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ : « إِنَّ جَبْرَائِيلَ عليه السلام يَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْرَأُ

عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ : طُوبَى لَكَ وَ لِشِعْبَتِكَ وَ لِحِجَّتِكَ ، وَ الْوَيْلُ

لِئِمَّةِ الْوَيْلِ لِمَنْ بَغَضَكَ ، إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ



الْعَرْشِ : أَيُّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ ؟

فَيَرْفَعُ بِكُمَا إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ حَتَّى تَوَقَّفَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ ، فَيَقُولُ
اللَّهُ لِنَبِيِّهِ ﷺ : أَوْرِدْ عَلَيَّ الْحَوْضَ ، وَ هَذَا الْكَأْسُ أُعْطِيهِ حَتَّى
يُسْقَى مُحِبِّهِ وَ شَيْعَتِهِ ، وَ لَا يُسْقَى أَحَدًا مِنْ مُبْغِضِيهِ ، وَ يَأْمُرُ
مُحِبِّهِ أَنْ يُحَاسِبُوا حِسَابًا يَسِيرًا وَ يَأْمُرُ بِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ « ١ .

١ : بحار الأنوار: ٢٧، ١١٧، ح ٩٧ - غاية المرام: ٥٨٦، ح ٥٦.



فضیلت هفتاد و نهم

ایوب سجستانی می گوید: در حال طواف خانه‌ی خدا بودم، که در بین طواف، انس بن مالک نزد من آمد و گفت: آیا به تو بشارتی بدهم تا به آن شاد شوی؟ گفتم: آری. گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه در روضه (منوره) نشسته بودند و من در مقابل ایشان، در این هنگام فرمودند: با سرعت نزد علی بن ابی طالب علیه السلام برو و او را نزد من بیاور.

پس من به خانه‌ی علی علیه السلام رفتم و با علی و فاطمه علیهما السلام روبرو شدم. به علی علیه السلام عرض کردم: پیامبر صلی الله علیه و آله شما را می خواند، ایشان به سرعت به راه افتادند، من نیز به دنبال ایشان، (هنگامی که به پیامبر رسیدند) سلام کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی علیه السلام! به جبرئیل علیه السلام سلام کن.

علی علیه السلام فرمود: سلام بر تو ای جبرئیل!

جبرئیل علیه السلام نیز جواب سلام آن حضرت را داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (خطاب به مولا علی علیه السلام) فرمودند: جبرئیل علیه السلام می گوید:

همانا خداوند متعال به شما سلام می رساند و می فرماید: خوشا به حال شما و شیعیان و محبتین شما، و وای و باز هم وای بر دشمنان شما.

هنگامی که روز قیامت فرارسد، منادی از دل عرش الهی ندا سردهد: کجا هستند محمد و علی علیهما السلام؟ در این هنگام شما را تا آسمان هفتم بالا برند (و به جایی روید) که در مقابل پروردگار توقف کنید.

خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله می فرماید: علی علیه السلام را بر حوض (کوثر) وارد کن، و این جام را به او عطا کن تا محبتین و شیعیانش را سیراب کند و احدی از دشمنانش را سیراب نکند و امر کند تا (محبتینش) به آسانی حساب رسی شوند و همچنین امر می کند آنها به سوی بهشت روند.



الْمَنْقَبَةُ الثَّمَانُونَ

أخبرنا أحد بن محمد بن سعيد، عن الحسين بن محفوظ، قال: حدثنا أحمد بن إسحاق، قال: حدثني النظير بن عبد التلام بصنعاء اليمن، قال: حدثني عبدالرزاق، عن معمر، عن الزهري، قال: حدثني أبو بكر عبدالله بن عبدالرحمن، قال: سمعت عثمان بن عفان، قال: سمعت عمر بن الخطاب، قال: سمعت أبا بكر بن أبي قحافة، يقول:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَلَائِكَةً يُسَبِّحُونَ وَيُقَدِّسُونَ وَ يَكْتُبُونَ ثَوَابَ ذَلِكَ لِحُبِّهِ وَ مُحِبِّيهِ وَوَلَدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱.

فضیلت هشتادم

عثمان بن عفان می گوید: عمر بن خطاب از ابوبکر نقل می کرد که: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی از نور صورت علی بن ابی طالب علیه السلام فرشتگانی خلق نموده که (همیشه) تسبیح و تقدیس الهی کنند و ثواب آن را برای دوستان علی علیه السلام و دوستان فرزندان آن حضرت علیه السلام بنویسند.

۱: بحار الأنوار: ۲۷، ۱۱۸، ح ۹۸ - غاية المرام: ۸، ح ۱۹ - مدينة المعاجز: ۱۸۸، ح ۵۱۵
مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمي»: ۱، ۹۷ - مصباح الأنوار: ۲۹۷ (خطی) - جامع الأخبار: ۲۱۲
بحار الأنوار: ۴۰، ۱۲۵، ح ۱۶.



الْمَنْقَبَةُ الْخَاصِيَّةُ وَالْثَمَانُونَ

حدثني قاضي القضاة أبو عبد الله الحسين بن هارون النخعي عليه السلام، قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني علي بن الحسن، عن أبيه، قال: حدثني علي بن موسى، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليه السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ، أَلْتَّاجِي مِنْهَا مَنْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى ». .

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى؟

قَالَ ﷺ: « وَلايَةُ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ». .

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ؟

قَالَ ﷺ: « أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ». .

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟

قَالَ ﷺ: « مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي ». .

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدَكَ؟

قَالَ ﷺ: « أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ». .^١

١: بحار الأنوار: ٢٠، ٣٦، ح ١٦ - اليقين: ٦٢ - البرهان: ١، ٢٤٤، ح ١١، غاية المرام: ١٩، ح ٢٠.



فضیلت هشتاد و یکم

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از حضرت

سیدالشهداء علیه السلام نقل می‌فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

به زودی بعد از من فتنه‌ای تاریک (در امت من) به وجود می‌آید،

گروهی که به ریسمان الهی چنگ بزنند، از آن فتنه نجات می‌یابند.

از آن حضرت پرسیدند: ای رسول خدا! آن ریسمان الهی چیست؟

فرمودند: ولایت سرور و آقای اوصیا.

گروهی سؤال کردند: سرور و آقای اوصیا کیست؟

آن حضرت فرمودند: امیر مؤمنان است.

عرضه داشتند: ای رسول خدا! امیر مؤمنان کیست؟

فرمودند: او مولای مسلمانان و پیشوای آنان، بعد از من است.

عرض کردند: ای رسول خدا! مولا و پیشوای مسلمانان بعد از شما

کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام.



الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَّةُ وَالثَّمَانُونَ

حدثنا الحسين بن محمد بن مهران الدامغاني من كتابه، قال: حدثني محمد ابن عبدالله بن نصر، قال: حدثني عبدالله بن المبارك الدينوري، قال: حدثني الحسن بن عبيد، قال: حدثني محمد بن عبدالله بن عروة، قال: حدثني يوسف بن بلال، قال: حدثني محمد بن مروان، قال: حدثني السائب، عن أبي صالح، عن ابن عباس، قال:

قال رسول الله ﷺ: «لثما عرج بي إلى السماء، إنتهى بي المسير مع جبرئيل إلى السماء الرابعة، فرأيت بيتاً من ياقوت أحمر. فقال لي جبرئيل: يا محمد! هذا هو البيت المعمور، خلقه الله تعالى قبل خلق السماوات والأرضين بخمسين ألف عام، قم يا محمد! فصل إليه.

قال النبي ﷺ: ثم أمر الله تعالى حتى اجتمع جميع الرسل والأنبياء، فصقهم جبرئيل عليه السلام ورأى صفاً، فصليت بهم، فلما فرغت من الصلاة أتاني آت من عند ربي، فقال لي: يا محمد! ربك يقرئك السلام و يقول لك: سل الرسل على ماذا أرسلتهم من قبلك؟

فقلت: معاشر الرسل! على ماذا بعثكم ربي قبلي؟
فقالت الرسل: على ولايتك وولاية علي بن أبي طالب عليه السلام.
وهو قوله تعالى: ﴿وَسئَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا﴾^١ ٢.

١: سورة زخرف: آية ٤٥.

٢: بحار الأنوار: ٢٦، ٣٠٧، ح ٦٩ - غاية المرام: ٢٠٧، ح ١٤ و به اختصار در مصباح الأنوار:

٨٧ (خطي) به نقل از ابن عباس.



فضیلت هشتاد و دوّم

ابن عباس می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

هنگامی که (شب معراج) مرا به آسمان بردند، با جبرئیل علیه السلام به آسمان چهارم رفتیم، در آنجا قصری از یاقوت قرمز دیدم. جبرئیل علیه السلام به من عرض کرد: ای محمّد! این بیت المعمور است که خداوند تعالی آن را پنجاه هزار سال قبل از خلقت آسمانها و زمین خلق نموده است.

ای محمّد! برخیز و به طرف آن نماز بخوان.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در این هنگام خداوند تعالی به همه ی رسولان و پیامبران علیهم السلام امر فرمود، جمع شوند و جبرئیل علیه السلام آنها را در صفی پشت سر من قرار داد و من با آنها نماز خواندم.

وقتی از نماز فارغ شدم، فرشته ای از جانب پروردگارم نزد من آمد و عرض کرد: ای محمّد! پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید:

از رسولان سؤال کن (من) برای چه چیزی آنها را قبل از تو فرستادم؟

گفتم: ای رسولان! بر چه امری پروردگارم شما را قبل از من مبعوث فرمود؟

پیامبران علیهم السلام همگی جواب دادند: ما برای (ابلاغ) نبوت تو و ولایت

علی بن ابی طالب علیه السلام مبعوث شدیم.

به همین مطلب، این آیه از قرآن اشاره می فرماید: ﴿ای رسول! از

رسولانی که پیش از تو فرستادیم، سؤال کن﴾.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ وَالثَّمَانُونَ

حدثنا أبو محمد عبد الله بن الحسين الشيخ الصالح عليه السلام قال: حدثنا محمد بن علي الأمرج، قال: حدثني محمد بن الحسين بن عبد الوهاب، قال: حدثني علي بن الحسين، قال: حدثني الربيع بن يزيد الرقاشي، عن أنس بن مالك، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُنَادِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِسَبْعَةِ أَسْمَاءٍ، أَوْهَانًا: يَا صَدِيقُ، يَا ذَالُ، يَا عَابِدُ، يَا هَادِيُّ، يَا مَهْدِيُّ، يَا فَتَى، يَا عَلِيُّ، مُرَّ أَنْتَ وَشَيْعَتُكَ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱.

فضیلت هشتاد و سوم

انس بن مالک نقل می کند: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، علی بن ابی طالب عليه السلام را به هفت اسم ندا کنند: اولین اسم: «ای درست کردار و راست گفتار» است (و سپس) «ای دلالت کننده (راهنما)»، «ای عبادت پیشه»، «ای هدایت کننده»، «ای هدایت شده»، «ای جوانمرد»، «ای علی»؛ (سپس خطاب می شود:) تو و شیعیانت بدون حساب وارد بهشت شوید.

۱: غایة المرام: ۵۸۷، ح ۸۸ - المناقب «خوارزمی»: ۲۲۸ به اسناد ابن شاذان - غایة المرام: ۵۸۳، ح ۴۹ - مصباح الأنوار: ۹۵ (خطی) - احقاق الحق: ۴، ۲۹۹.



الْمَنْقَبَةُ الرَّابِعَةُ وَالْثَّمَانُونَ

حدیثی محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن مطر الشیبانی، و حدیثی قال: حدیثی عبدالله بن سعید، و حدیثی مؤمل بن أماب و حدیثی قال: حدیثی عبدالرزاق و حدیثی قال: حدیثی معمر و حدیثی قال: حدیثی الزهری و حدیثی قال: حدیثی عمرو و حدیثی قال: حدیثی عائشة، قالت:

دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَلَى أَبِي فِي مَرَضِهِ الَّذِي قَبَضَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ ، فَجَعَلَ أَبِي يَنْظُرُ إِلَيْهِ فَمَا يَزِيغُ بَصْرَهُ عَنْهُ .

فَلَمَّا خَرَجَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ، قُلْتُ : يَا أَبَه ! رَأَيْتَكَ تَنْظُرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَمَا تَزِيغُ بَصْرَكَ عَنْهُ !

قَالَ : يَا بُنَيَّةَ ! قَدْ فَعَلْتُ هَذَا لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُولُ :

« النَّظْرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ »^۱.

فضیلت هشتاد و چهارم

عایشه می گوید: علی بن ابی طالب عليه السلام در روزهای آخر عمر پدرم (ابوبکر) به خانه ی او آمد و من دیدم که پدرم به او نگاه می کند و چشم از او بر نمی دارد.

چون علی بن ابی طالب عليه السلام از خانه خارج شد، گفتم: ای پدر! من امروز دیدم که دائماً به علی بن ابی طالب عليه السلام نگاه می کردی و چشم از او بر نمی داشتی. گفت: ای دخترم! من این عمل را به خاطر فرمایش رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم انجام دادم، که فرمود:

« نگاه کردن به صورت علی عليه السلام عبادت است. »

۱: بحار الأنوار: ۲۶، ۲۲۹، ح ۱۱ - غایة المرام: ۶۲۷، ح ۲۱ این حدیث به طریق های گوناگونی از مجموعه ی اصحاب و راویان حدیث نقل شده است.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ وَالْثَّمَانُونَ

حدثنا جعفر بن محمد بن قولويه رضي الله عنه، قال: حدثني علي بن الحسن التميمي، قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني منصور بن أبي العباس، قال: حدثني علي بن أسباط، عن الحكم بن بهلول، قال: حدثني أبوهمام، قال: حدثني عبد الله بن أذينة، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليه السلام، قال: قَامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّكَ لَا تَزَالُ تَقُولُ لِعَلِيِّ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَقَدْ ذَكَرَ اللَّهُ هَارُونَ فِي الْقُرْآنِ وَلَمْ يَذْكُرْ عَلِيًّا!

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « يَا عَلِيُّ! يَا أَعْرَابِي! أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ

تَعَالَى: ﴿ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴾ ^١» ^٢.

فضیلت هشتاد و پنجم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، از اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می‌فرمایند:

(روزی) عمر بن خطاب بلند شد و به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: همانا مکرر در مورد علی علیه السلام فرموده‌ای: تو برای من به منزله‌ی هارونی نسبت به موسی علیه السلام. و حال آنکه خداوند نام هارون را در قرآن ذکر فرموده ولی اسمی از علی علیه السلام در قرآن ذکر نکرده؟

پس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: ای خشن! ای بی سواد! آیا نشنیده‌ای

فرموده‌ی خداوند تعالی را در قرآن: ﴿ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴾.

۱: سوره حجر: آیه ۴۱.

۲: غایة المرام: ۱۱۹، ح ۷۵ - بحار الأنوار: ۲۵، ۸۵ ضمن ح ۱۲ به نقل از مناقب ابن

شهر آشوب: ۲، ۳۰۲.



الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالْثَّمَانُونَ

حدثنا محمد بن علي بن مكرم رضي الله عنه، قال: حدثنا محمد بن القاسم، قال: حدثني
عباد بن يعقوب، قال: أخبرنا شريك، عن الركين بن الربيع، عن القاسم بن
حان، عن زيد بن ثابت، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ
وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ اعْلَمُوا أَنَّ عَلِيًّا لَكُمْ أَفْضَلُ مِنْ كِتَابِ
اللَّهِ، لِأَنَّهُ مُتَرَجِّمٌ لَكُمْ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى»^۱.

فضیلت هشتاد و ششم

زيد بن ثابت می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

همانا من در بین شما دو امانت گران بها باقی می گذارم: کتاب خدا
و علی بن ابی طالب علیه السلام را، و بدانید که علی علیه السلام برای شما از قرآن برتر
است، زیرا او برای شما کتاب خدا را ترجمه (شرح و تفسیر) می کند.
(یعنی شما بدون او نمی توانید از قرآن کوچکترین استفاده ای بکنید.)

۱: غایة المرام: ۲۱۴، ح ۲۰ - البرهان: ۱، ۲۸، ح ۱۵. ارشاد القلوب «دیلمی»: ۳۷۸.



الْمَنْقَبَةُ السَّابِغَةُ وَالثَّمَانُونَ

حدثنا القاضي أبو الفرج المعافى بن زكريا في جامع الرصافة، عن محمد بن علي بن عبد الحميد بن زيار بن يحيى القرشي، عن عبد الرزاق، قال: أخبرني صدقة العبسي، قال: أخبرني زاذان، من سلمان، قال:

أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا فَسَلَّمْتُ عَلَيْهَا، فَقَالَتْ: « يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! هَذَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ جَائِعَانِ يَبْكِيَانِ، خُذْ بِأَيْدِيهِمَا فَأَخْرِجْ بِهِمَا إِلَى جَدِّهِمَا ».

فَأَخَذْتُ بِأَيْدِيهِمَا وَحَمَلْتُهُمَا، حَتَّى أَتَيْتُ بِهِمَا إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: « مَا لَكُمَا يَا حَبِيبَايَ؟ ».

قَالَا: « نَشْتَهِي طَعَامًا يَا رَسُولَ اللَّهِ ».

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: « اللَّهُمَّ اطْعِمْهُمَا » ثَلَاثًا.

قَالَ: فَتَنظَرْتُ، فَإِذَا سَفَرَجَلَةٌ فِي يَدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ شَبِيهَةٌ بِقَلَّةٍ مِنْ قِلَالِ هَجَرَ، أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ، وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، وَ أَلْيَنُ مِنَ الزَّبَدِ، فَفَرَكْتُهَا ﷺ بِإِبْهَامِهِ، فَصَيَّرَهَا نِصْفَيْنِ، ثُمَّ دَفَعَ نِصْفَهَا إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَى الْحُسَيْنِ نِصْفَهَا، فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى النِّصْفَيْنِ فِي أَيْدِيهِمَا وَ أَنَا أَشْتَهِيهَا، فَقَالَ لِي: « يَا سَلْمَانُ! أَتَشْتَهِيهَا؟ ».

فَقُلْتُ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: « يَا سَلْمَانُ! هَذَا طَعَامٌ مِنَ الْجَنَّةِ لَا يَأْكُلُهُ أَحَدٌ حَتَّى يَنْجُو مِنَ النَّارِ وَ الْحِسَابِ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ! ».

١: مدينة المعاجز: ٢١٦، ح ٦٠ - بحار الأنوار: ٤٣، ٣٠٨ ضمن ح ٧٢ العوام: ١٦، ٦٢



فضیلت هشتاد و هفتم

سلمان نقل می‌کند: روزی خدمت رسول خدا ﷺ رفتم و سلام نمودم، پس از آن، خدمت فاطمه علیها السلام رسیدم و سلام کردم؛ فاطمه علیها السلام فرمود: ای اباعبدالله! حسن و حسین علیهما السلام گرسنه‌اند و (از شدت گرسنگی) گریه می‌کنند، دست آنها را بگیر و خدمت جدشان (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) ببر. سلمان می‌گوید: دست آن دو بزرگوار را گرفتم و آنها را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بردم.

(پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدا که آنها را در این حال دیدند) فرمودند: ای عزیزان من، شما را چه می‌شود؟

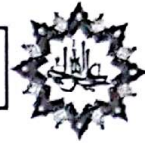
عرض کردند: یا رسول الله! گرسنه‌ایم، غذا می‌خواهیم. در این هنگام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه مرتبه فرمودند: خداوندا آنها را اطعام فرما.

سلمان می‌گوید: ناگهان یک گلابی در دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر شد! که به قلّه‌ای از قلّه‌های هجر^۱ که سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره بود، شبیه بود.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پوست آن رابا انگشت جدانمودند و آن را دونیم

① ضمن ح ۲ - مقتل الحسین علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۹۷ به اسناد ابن شاذان.

۱: هجر: نام روستایی در نزدیکی مدینه، که قلّات آن معروف بوده است.



کردند، نیمی از آن را به حسن علیه السلام و نیم دیگر را به حسین علیه السلام دادند، من نیز همین طور به آن دو نیمه که در دست آن بزرگواران بود، نگاه می‌کردم و دلم می‌خواست پیامبر صلی الله علیه و آله از آن گلابی به من هم عنایت بفرمایند.

آن حضرت فرمودند: ای سلمان! آیا میل داری؟

عرض کردم: آری ای رسول خدا!

فرمودند: ای سلمان! این طعامی از بهشت بود و کسی آن را نمی‌خورد، مگر اینکه از جهنم و حساب (روز قیامت) نجات می‌یابد، تو نیز بر خیر می‌باشی. (تو نیز اهل نجاتی).



الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ وَالْثَّمَانُونَ

حدثنا أبو سهل محمود بن عمرو بن عمرو العسكري، عن محمد بن عمرو، قال: حدثني يوسف بن يعقوب، قال: حدثني مسلم بن إبراهيم، قال: حدثني هشام الدستوائي، قال: حدثني يحيى بن أبي كثير، عن أبي سلمة عن أبي هريرة، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ مِائَةَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ فِي السَّمَاءِ الْخَامِسَةِ ثَلَاثِينَ مَلَكًا وَ خَلَقَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا رَأْسَهُ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ رِجْلَاهُ تَحْتَ الثَّرَى، وَ مَلَائِكَةٌ أَكْثَرُ مِنْ رَبِيعَةٍ وَ مَضَرٍ، لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ وَ لَا شَرَابٌ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُحِبِّهِ، وَ الْإِسْتِغْفَارَ لِشَيْعَتِهِ الْمُذْنِبِينَ وَ مَوَالِيهِ»^١.

١: بحار الأنوار: ٢٦، ٣٤٩، ح ٢٢ - غاية المرام: ١٩، ح ٢١ - الأربعين «منتجب الدين»: ح ٩.



فضیلت هشتاد و هشتم

ابوهریره می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

همانا خداوند در آسمان چهارم یکصد هزار فرشته و در آسمان پنجم سیصد هزار فرشته، خلق نموده است.

و در آسمان هفتم فرشته‌ای خلق نموده که سر او زیر عرش الهی و پاهایش زیر زمین است، و فرشتگانی که تعداد آنها از افراد ربیعه و مضر^۱ بیشتر است. (این فرشتگانی که اوصاف و تعدادشان ذکر شد) نه غذا می‌خورند و نه آبی می‌نوشند، (بلکه خوراک آنها) درود و صلوات فرستادن بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و دوستان آن حضرت است (و آنها همیشه) برای شیعیان گنهکار و دوستان آن حضرت، استغفار می‌کنند.

۱: ربیعه و مضر، نام دو قبیله از قبایل معروف و پرجمعیت آن زمان بوده است.

الْمَنْقَبَةُ الثَّاسِعَةُ وَالْثَّمَانُونَ

حدثني أحمد بن محمد بن موسى بن عروة، قال: حدثني محمد بن عثمان المدل، قال: حدثني محمد بن عبد الملك، عن يزيد بن هارون، عن حماد بن سلمة، عن ثابت، عن أنس بن مالك، قال:

رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ فِي الْمَنَامِ ، فَقَالَ لِي : « يَا أَنَسُ ! مَا حَمَلَكَ عَلَيَّ أَنْ لَا تُؤَدِّي مَا سَمِعْتَ مِنِّي فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ حَتَّى أَدْرَكَتَ الْعُقُوبَةَ ؟ ! وَ لَوْلَا اسْتِغْفَارُ عَلِيِّ ﷺ لَكَ مَا شَمَمْتَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ أَبَدًا ! وَ لَكِنْ أَنَشُرُ فِي بَقِيَّةِ عُمْرِكَ أَنَّ عَلِيًّا ﷺ وَ ذُرِّيَّتَهُ وَ مُحِبِّيهِمُ السَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ هُمْ جِزَانُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ حَمَزَةٌ وَ جَعْفَرٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ .

وَ أَمَا عَلِيٌّ ؛ فَهُوَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ ، لَا يَخْشَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ أَحَبَّهُ » .^١

١: المناقب: ٣٢ و مقتل الحسين ﷺ «خوارزمي»: ١، ٢٠ - كشف الغمة: ١، ١٠٢ - غاية المراد: ٥٨٠، ح ٢٧ - مدينة المعاجز: ٥١، ذح ١٠٣ - مصباح الأنوار: ١٣٧ (خطى) - بحار الأنوار: ٤٨، ٤٠، ح ٨٤.



فضیلت هشتاد و نهم

انس بن مالک می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من فرمودند: ای انس! چه چیزی تو را بر آن داشت که به مردم نرساندی آنچه از من شنیده بودی در فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام، تا این که به عقوبت و غضب الهی گرفتار شدی؟

اگر علی علیه السلام برای تو استغفار نکرده بود، هرگز بوی بهشت به مشامت نمی رسید!

اکنون در باقی مانده ی عمرت این مطلب را منتشر کن که علی علیه السلام و ذریه ی او علیهم السلام و دوستانش، قبل از همه خلائق، اولین کسانی هستند که به بهشت داخل می شوند و ایشان با اولیای خدا همسایه می باشند، - منظور از اولیای خدا، حمزه و جعفر و حسن و حسین می باشند - .
و اما علی علیه السلام، پس اوست بزرگترین راستگو، و هر کس او را دوست داشته باشد در روز قیامت ترس و وحشتی ندارد.

الْمَنْقَبَةُ التَّسْعُونَ

حدثنی أبو الحسن علی بن محمد علویة السخیلی رضی الله عنه، قال: حدثنی أبو عبد الله محمد ابن أحمد، قال: حدثنی حمدان بن محیی، قال: حدثنی محمد بن صدقة، قال: حدثنی موسى بن جعفر، من أبیه، عن محمد بن علی، من أبیه، عن الحسین بن علی رضی الله عنه، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ جَنَّةَ عَدْنٍ قَالَ لَهَا: « تَزَيِّنِي » فَتَزَيَّنَتْ وَ مَاسَتْ ، فَقَالَ لَهَا: « قَرِّي ، فَوَعِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُكَ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِينَ ، فَطُوبَى لَكَ وَ لِسَاكِنِكَ » . ثُمَّ قَالَ: « يَا عَلِيُّ ! مَا خَلَقْتُ جَنَّةَ عَدْنٍ إِلَّا لَكَ وَ لِشِيعَتِكَ » !

فضیلت نودم

حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه از پدران بزرگوارشان رضی الله عنهم از حضرت سید الشهداء رضی الله عنه نقل می فرمایند: رسول خدا ﷺ فرمودند: هنگامی که خداوند متعال بهشت جاوید را خلق نمود، خطاب به آن فرمود: خودت را زینت و آراسته کن، (به امر پروردگار، بهشت) مزین شد و ناز و نخوت و تکبر نمود، در این هنگام خداوند به بهشت فرمود: آرام و قرار بگیر، به عزت و جلالم قسم که تو را خلق نکردم، مگر برای مؤمنین، پس خوشا به حال تو و ساکنین تو.

سپس رسول خدا ﷺ فرمودند: ای علی! بهشت جاوید خلق نشد، مگر برای شما و شیعیانتان.



الْمَنْقَبَةُ الْخَاجِيَّةُ وَالتَّسْهُوَنُ

حدیثی ابو محمد الحسین الفارسی البیع رضی الله عنه قال: حدیثی أحمد بن محمد، قال: حدیثی محمد بن منصور، قال: حدیثی محمد بن إسماعیل، قال: حدیثی وکیع، من سفیان، من أشعب، من عکرمه، من ابن عباس، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَلِمَةٌ لَوْ قَالَهَا لِي كَانَتْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ!

قَالُوا: وَمَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فِي عَلِيِّ عليه السلام؟

قَالَ: قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: « يَا عَلِيُّ! أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ ، وَ ذُرِّيَّتَكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ ، وَ شِيعَتَكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ ، يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ قَبْلَ الْأُمَّمِ بِخَمْسِمِائَةِ عَامٍ »^۱.

فضیلت نود و یکم

ابن عباس می گوید: رسول خدا ﷺ در مورد (فضیلت) علی بن ابی طالب علیه السلام سخنی فرمودند که اگر آن را برای من می فرمود، نزد من از داشتن شتران سرخ موی بهتر بود.

گفتند: آن سخن از پیامبر ﷺ در وصف علی علیه السلام چه بود؟

گفت: رسول خدا ﷺ به او فرمودند:

ای علی! شما از من، و من از شما می باشم، و فرزندان شما از ما (از من و شما) و ما از آنان می باشیم، همچنین شیعه‌ی شما از ما، و ما از آنان هستیم، و آنان پانصدسال قبل از امت‌های دیگر داخل بهشت می شوند.

۱: غایة المرام: ۴۵۹، ح ۳۵.

الْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ وَالتَّسْحُونُ

حدثني إبراهيم بن المذارى الخطاط رحمه الله، قال: حدثني أحمد بن محمد بن سعيد الرما البغدادي في طريق مكة، قال: حدثني أحمد بن عليل، قال: حدثني عبدالله بن داود الأنصاري، من موسى بن عليّ القرشي، قال: حدثني قبر بن أحمد بن قبر مولى عليّ بن أبي طالب عليه السلام، من أبيه، من جده، قال: حدثني كعب بن نوفل، من بلال بن حمّة، قال:

طَلَعَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَ وَجْهُهُ مُشْرِقٌ كَدَارَةِ قَمَرٍ ،
فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عُوفٍ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا النُّورُ ؟
فَقَالَ : « بِشَارَةٌ أَتَتْنِي مِنْ عِنْدِ رَبِّي فِي أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي
وَ ابْنَتِي وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ زَوَّجَ عَلِيًّا عليه السلام بِفَاطِمَةَ ، وَ أَمَرَ رِضْوَانَ
خَازِنُ الْجَنَّةِ فَهَزَّ شَجَرَةَ طُوبَى فَحَمَلَتْ رِقَاعاً - يَعْنِي صَكَكاً -
بِعَدَدِ مُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي ، وَ أَنْشَأَ مِنْ تَحْتِهَا مَلَائِكَةً مِنْ نُورٍ ، وَ دَفَعَ
إِلَى كُلِّ مَلَكٍ صَكَكاً ، فَإِذَا اسْتَوَتْ الْقِيَامَةُ بِأَهْلِهَا ، نَادَتْ الْمَلَائِكَةُ
فِي الْخَلَائِقِ : يَا مُحِبُّوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، هَلُمُّوا خُذُوا وَذَائِعَكُمْ ،
فَلَا يَبْقَى مُحِبٌّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا دَفَعَتْ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ صَكَكاً فِيهِ
فَكَأَكُهُ مِنَ النَّارِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ بِعَوَضِ حُبِّ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
وَ فَاطِمَةَ ابْنَتِي وَ أَوْلَادِهِمَا » .^١

١: بحار الأنوار: ٢٧، ١١٧، ح ٩٦ - غاية المرام: ٥٨٦، ح ٨٥ - تاريخ بغداد «خطيب بغدادى»: ٤،
٢١٠، ح ١٨٩٧ - اسد الغابة «ابن الأثير»: ٢٠٦، ١ - الصواعق: ١٠٣ - الفضائل الخمسة: ١٢٧، ٢.



فضیلت نود و دوّم

بلال بن حمامه می گوید: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ما ظاهر شد، در حالی که صورت مبارکش مانند قرص ماه می درخشید، در این هنگام عبدالرحمان بن عوف از جای برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! این چه نوری است که در صورت مبارک شما می درخشد؟ آن حضرت فرمودند: (این نور از اثر) بشارتی است که پروردگام درباره برادر و پسر عمویم و دخترم علیّه السلام به من عنایت فرموده.

همانا خداوند تعالی تزویج فرمود علی علیه السلام را به فاطمه علیّه السلام، و به رضوان، خزانه دار بهشت امر فرمود (به مبارکی این ازدواج) درخت طوبی را تکان دهد، در این هنگام برگه هایی بر این درخت ظاهر شد (که آن برگه ها) به تعداد محبتین اهل بیت من علیهم السلام است، و از زیر آن درخت، فرشتگانی از نور آفرید و به هر فرشته یکی از آن برگه ها مرحمت فرمود. هنگامی که قیامت فرارسد، این فرشتگان در میان بنده های خدا ندا کنند: ای محبتین علی بن ابی طالب علیه السلام پیش آید و بگیرید امانتهای خود را. کسی از دوستان ما اهل بیت باقی نمی ماند، مگر اینکه ملائکه یکی از آن برگه های درخت طوبی را به او می دهند، که در آن (حکم) آزادی اوست از آتش جهنم، و این برگه ای آزادی برای هر زن و مردی از محبتین اهل بیت است که به عوض محبت علی بن ابی طالب علیه السلام و دخترم فاطمه علیّه السلام و فرزندان آنهاست.



الْمَنْقَبَةُ الثَّلَاثَةُ وَالتَّسْعُونَ

حدثنا أحمد بن الجراح، قال: حدثني عبدالعزیز بن محیی الجلودی، قال: حدثنا محمد بن زکریا، قال: حدثني عبدالله بن مسلم، قال: حدثني المنفل بن صالح، قال: حدثني جابر بن یزید، قال: حدثني زاذان، عن سلمان وابن عباس قالا: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: دَنَوْتُ مِنْ رَبِّي، فَكُنْتُ مِنْهُ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، وَكَلَّمَنِي بَيْنَ جَبَلَيْ الْعَقِيقِ، ثُمَّ قَالَ: « يَا أَحْمَدُ! إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ عَلِيًّا مِنْ نُورِي، وَ خَلَقْتُ هَذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَوَعِزَّتِي وَ جَلَالِي لَقَدْ خَلَقْتُهُمَا عَلَامَةً بَيْنَ خَلْقِي يُعْرَفُ بِهَا الْمُؤْمِنُونَ، وَ لَقَدْ أَقْسَمْتُ بِعِزَّتِي عَلَى نَفْسِي أَنِّي حَرَّمْتُ النَّارَ عَلَى الْمُتَحَمِّمِ بِالْعَقِيقِ إِذَا تَوَلَّى عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ » .^۱

فضیلت نود و سوّم

از ابن عباس و سلمان نقل شده: رسول خدا ﷺ فرمودند: (در شب معراج) به قدری به پروردگارم نزدیک شدم که فاصله‌ی من با او به اندازه‌ی دو کمان، بلکه کمتر شد، و خداوند متعال در بین دو کوه عقیق با من سخن گفت، سپس فرمود: « ای احمد! تو و علی را از نور خودم خلق کردم و این دو کوه (عقیق) را از نور صورت علی بن ابی طالب علیه السلام خلق نمودم، پس به عزت و جلالم قسم، این دو کوه را (به عنوان) نشانه‌ای بین خلق خودم خلق کردم، تا مؤمنین به واسطه‌ی آن شناخته شوند، و به عزتم قسم، من بر خود واجب کرده‌ام، بر کسی که انگشتر عقیق به دست کند و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را داشته باشد، آتش را حرام کنم » .

۱: غایة المرام: ۷، ح ۱۳.



الْمَنْقَبَةُ الرَّابِعَةُ وَالْتِسَاخُونَ

حدثنا محمد بن عبدالله بن عبدالله بن البهلول المولاي عليه السلام، قال: حدثني محمد ابن الحسن، قال: حدثني عيسى بن مهران، قال: حدثني عبدالله بن موسى، قال: حدثني خالد بن طهمان الخفاف، قال: سعت سعد بن جنادة العوفي يذكر أنه سعت زيد بن أرقم يقول: أنه سعت أبا سعيد الخدري يقول:

أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ : « عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْعَرَبِ » .

فَقِيلَ : أَلَسْتَ أَنْتَ سَيِّدُ الْعَرَبِ ؟

فَقَالَ : « أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ ، عَلِيُّ سَيِّدُ الْعَرَبِ ، مَنْ أَحَبَّهُ وَ تَوَلَّاهُ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ هَدَاهُ ، وَ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ عَادَاهُ أَصَمَّهُ اللَّهُ وَ أَعْمَاهُ ، عَلِيُّ حَقُّهُ كَحَقِّي ، وَ طَاعَتُهُ كَطَاعَتِي ، غَيْرَ أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ، مَنْ فَارَقَهُ فَارَقَنِي ، وَ مَنْ فَارَقَنِي فَارَقَ اللَّهُ ، أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ - وَ هِيَ الْجَنَّةُ - وَ عَلِيُّ بَابُهَا ، فَكَيْفَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدِي إِلَى الْجَنَّةِ إِلَّا مِنْ بَابِهَا ؟ !
عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ الْبَشَرِ ؛ مَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ » .^۱

۱: غاية المرام: ۵۴۳، ح ۶ - به اختصار در امالی صدوق: ۳۱۷، ح ۱۱ - امالی طوسی: ۲،

۴۵، ح ۲۱ - بحار الأنوار: ۴۰، ۲۰۰، ح ۲.



فضیلت نود و چهارم

ابوسعید خدری می گوید: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که فرمودند:

علی بن ابی طالب علیه السلام سرور و آقای عرب است، شخصی عرض کرد:

(ای رسول خدا!) آیا شما آقا و سرور عرب نیستید؟

فرمودند: من آقای فرزندان آدم علیه السلام و علی علیه السلام آقای عرب می باشد،

هر کس او را دوست داشته باشد، و ولایت او را قبول کند، خداوند او

را دوست دارد و هدایتش می کند و هر کس با او کینه توزی و دشمنی

کند، خداوند او را کر و کور نماید.

حقّ علی علیه السلام مانند حقّ من است و اطاعت از او مانند اطاعت از من

است، به جز اینکه پس از من پیامبری نیست.

هر کس از او جدا شود، از من جدا شده، و هر کس از من جدا شود،

از خدا جدا شده، من شهر حکمت هستم - که شهر حکمت، همان

بهشت است - و علی علیه السلام در آن است، پس چگونه غیر از در می توان

وارد بهشت شد؟

علی علیه السلام بهترین بشر می باشد، هر کس منکر شود کافر است.



الْمَنْقَبَةُ الْخَامِسَةُ وَالتَّسْهُونَ

حدثني القاضي أبو محمد الحسن بن محمد بن موسى، قال: حدثني علي بن ثابت، قال: حدثني حفص بن عمر، قال: حدثني يحيى بن جعفر، قال: حدثني عبد الرحمن ابن إبراهيم، قال: حدثني مالك بن أنس، عن نافع، عن ابن عمر، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عليه السلام قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاتَهُ وَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ .

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا، أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ عِرْقٍ فِي بَدَنِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ .
أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصِّرَاطِ .
أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ .
أَلَا وَ مَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ : آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ « ١ .

١: بحار الأنوار: ٢٧، ١٢٠، ح ١٠٠ - المناقب: ٣٢ و در مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمي»: ١، ٤٠
به اسناد ابن شاذان - كشف الغمة: ١، ١٠٤ - ارشاد القلوب: ٢٣٥ - غاية المرام: ٥٨٠، ح ٢٨
لسان الميزان «عسقلاني»: ٥، ٦٢ - فرائد السمطين: ٢، ٢٥٧، ح ٥٢٦ - بحار الأنوار: ٦٨، ٤٠، ح ٨٤ - احقاق الحق: ٧، ١٦١ به نقل از الامرتسرى در ارجح المطالب: ٥٢٦ - اعلام الدين: ٢٨٤ (خطي).



فضیلت نود و پنجم

ابن عمر می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند نماز و روزه و قیام (شب زنده داریهایش) او را قبول، و دعای او را مستجاب نماید.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند به تعداد رگهای بدنش، شهری در بهشت به او عطا فرماید.

آگاه باشید! هر کس آل محمد علیهم السلام را دوست بدارد، از حساب (روز قیامت) و میزان و پل صراط ایمن شود.

آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد علیهم السلام بمیرد، من کفیل او باشم تا همراه انبیا علیهم السلام وارد بهشت شود.

آگاه باشید! هر کس با آل محمد علیهم السلام کینه توزی کند، روز قیامت در حالی وارد محشر می شود که بین دو چشم (پیشانی) او نوشته شده: «نا امید از رحمت الهی».



الْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالتَّسْعُونَ

حدثني أبو عبد الله أحمد بن محمد بن أيوب عليه السلام قال: حدثني علي بن محمد بن عينة بن رويده، عن بكر بن أحمد، وحدثني أحمد بن محمد بن الجراح، قال: حدثني أحمد بن الفضل الأهوازي، قال: حدثني بكر بن أحمد، قال: حدثني محمد ابن علي عليه السلام، عن أبيه، قال: حدثني موسى بن جعفر، عن أبيه، عن محمد بن علي عن فاطمة بنت الحسين، عن أبيها و عنهما الحسن بن علي عليه السلام قال:

« حَدَّثَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : لَمَّا دَخَلْتُ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ فِيهَا شَجْرَةً تَحْمِلُ الْحُلِيَّ وَالْحُلْلُ ، أَسْفَلُهَا خَيْلٌ بَلَقِي ، وَ وَسَطُهَا حُورٌ الْعَيْنِ ، وَ فِي أَعْلَاهَا الرِّضْوَانُ .

قُلْتُ : يَا جَبْرَيْلُ ! لِمَنْ هَذِهِ الشَّجْرَةُ ؟

قَالَ : هَذِهِ لِابْنِ عَمِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ؛ إِذَا أَمَرَ اللَّهُ الْخَلِيقَةَ بِالدُّخُولِ إِلَى الْجَنَّةِ ، يُوتَى بِشِيعَةِ عَلِيٍّ حَتَّى يُنْتَهَى بِهِمْ إِلَى هَذِهِ الشَّجْرَةِ ، فَيَلْبَسُونَ الْحُلِيَّ وَالْحُلْلَ وَ يَرْكَبُونَ الْخَيْلَ الْبَلَقَى وَ يُنَادِي مُنَادٍ : هَؤُلَاءِ شِيعَةُ عَلِيٍّ عليه السلام صَبَرُوا فِي الدُّنْيَا عَلَى الْأَذَى فَأَكْرَمُوهُمْ الْيَوْمَ » .^١

١: بحار الأنوار: ٢٧، ١٢٠، ح ١٠١ - غاية المرام: ١٩، ح ٢٢ - اليقين في امرة أمير المؤمنين عليه السلام: ٦٣
بحار الأنوار: ٨، ١٣٨، ح ٥١ به نقل از اليقين - المناقب: ٣٢ و در مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمي»:
١، ٤٠ به اسناد ابن شاذان - مصباح الأنوار: ٦١ (خطي) اعلام الدين «ديلمی»: ٢٨٥ (خطي).



فضیلت نود و ششم

حضرت جواد الائمه علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از جناب فاطمه علیها السلام دختر سیدالشهدا علیه السلام از پدر و عموی گرامی خود علیهم السلام، از مولا امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

(در شب معراج) هنگامی که مرا وارد بهشت نمودند، درختی را با زیورها و زینت‌های بسیار، مشاهده کردم که در پایین آن، اسب‌های خوش ترکیب و در وسط آن، حورالعین، و بالای آن رضوان، جای داشت؛ به جبرئیل گفتم: این درخت متعلق به کیست؟

او گفت: این درخت برای پسر عموی شما، امیرمؤمنان علیه السلام است. وقتی خدای متعال به بندگان امر می‌کند داخل بهشت شوند، شیعیان علیهم السلام را نزد این درخت می‌آورند، از زیورها و زینت‌های آن می‌پوشند و بر آن اسب‌های خوش ترکیب سوار می‌شوند و منادی ندا می‌دهد: «اینان شیعیان علی علیه السلام هستند، آنها در دنیا در برابر آزارها و اذیت‌ها صبر نمودند، به همین خاطر امروز مورد کرامت قرار می‌گیرند.»



الْمَنْقَبَةُ السَّابِعَةُ وَالتَّسْخُوفُ

حدثني أحمد بن محمد بن الحسين عليه السلام قال: حدثني وريزة بن محمد بن وريزة، قال: حدثني جدي وريزة بن محمد النساني، قال: سعت علي بن موسى الرضا يقول: حدثني أبي، عن أبيه، عن جده، عن علي بن الحسين، عن أبيه الحسين ابن علي عليه السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ، لَقِيَنِي أَبِي

نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَام فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَقْتَ عَلَيَّ أُمَّتِكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ.

فَقَالَ: نِعَمَ الْخَلِيفَةَ خَلَقْتَ.

ثُمَّ لَقِيَنِي أَخِي مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَام، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَقْتَ عَلَيَّ

أُمَّتِكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيًّا.

فَقَالَ: نِعَمَ الْخَلِيفَةَ خَلَقْتَ.

ثُمَّ لَقِيَنِي أَخِي عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَام، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَقْتَ عَلَيَّ أُمَّتِكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَام.

فَقَالَ: نِعَمَ الْخَلِيفَةَ خَلَقْتَ.

قَالَ: فَقُلْتُ: لِجَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَام: يَا جَبْرَائِيلُ! مَا لِي لَا أَرَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام؟



قَالَ : فَعَدَلَ بِي إِلَى حَظِيرَةٍ ، فَإِذَا فِيهَا شَجْرَةٌ ، هُنَا ضُرُوعٌ
 كَضُرُوعِ الْعَنَمِ ، وَ إِذَا ثُمَّ أَطْفَالٍ ، كُلُّمَا خَرَجَ ضُرُوعٌ مِنْ فَمِ وَاحِدٍ
 رَدَّهُ إِلَيْهِ ، فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ! مَنْ خَلَّفْتَ عَلَيَّ أُمَّتِكَ ؟
 فَقُلْتُ : عَلِيًّا .

فَقَالَ : نِعَمَ الْخَلِيفَةَ خَلَّفْتَ ، وَ إِنِّي يَا مُحَمَّدُ! سَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ
 يُؤَلِّيَنِي غِذَاءَ أَطْفَالِ شَيْعَةِ عَلِيٍّ ، فَأَنَا أُغَدِّبُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ « ۱ » .

فضیلت نود و هفتم

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام ، از حضرت
 اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می فرمایند : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند :
 هنگامی که در شب معراج مرا در آسمان سیر دادند ، پدرم نوح علیه السلام
 را ملاقات کردم ، از من سؤال کرد : ای محمد ! چه کسی را بر امتت
 خلیفه قرار دادی ؟

گفتم : علی بن ابی طالب علیه السلام را .

گفت : بهترین جانشین ها ، را خلیفه ی خود قرار دادی .

سپس برادرم موسی علیه السلام مرا ملاقات نمود و گفت : ای محمد ! چه

کسی را در میان امتت خلیفه قرار دادی ؟

گفتم : علی علیه السلام را .

۱ : بحارالأنوار: ۲۷، ۱۲۱، ح ۱۰۲ - غایة المرام: ۶۹، ح ۲۱.



گفت: بهترین شخص را جانشین خود قرار داده ای.

سپس برادرم عیسی علیه السلام مرا ملاقات کرد، او نیز گفت: ای محمد!

چه کسی را بر امت جانشین گذاشتی؟

گفتم: علی علیه السلام را.

گفت: خوب جانشینی قرار دادی.

(پس از ملاقات با انبیای مذکور) به جبرئیل علیه السلام گفتم: ای جبرئیل! چرا

پدرم ابراهیم علیه السلام را نمی بینم؟

جبرئیل علیه السلام مرا به سمت قلعه ای برگردانید؛ در آنجا درختی بود که

پستان هایی مانند پستان های گوسفند داشت و کودکانی از این پستان ها

شیر می آشامیدند، و هرگاه پستانی از دهان یکی از آن کودکان خارج

می شد، ابراهیم علیه السلام دوباره آن را در دهانش می گذاشت.

(وقتی ابراهیم مرا دید) گفت: ای محمد! چه کسی را در بین امت خلیفه

و جانشین قرار دادی؟

گفتم: علی علیه السلام را.

گفت: خوب کسی را جانشین قرار داده ای.

ای محمد! من از خداوند تعالی تقاضا کردم که مسئولیت غذا دادن به

کودکان شیعیان علی علیه السلام را به من واگذار نماید، (و این تقاضای من قبول شد)

و من تا روز قیامت، به آنها غذا می دهم.

الْمَنْقَبَةُ الثَّامِنَةُ وَالتَّسْعُونَ

حدثني القاضي أبو الحسن محمد بن عثمان بن عبد الله النحوي في داره، قال: حدثني جعفر بن محمد العلوي، عن عبد الله بن أحمد، قال: حدثني محمد بن زياد، عن الفضل بن عمر، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين عن أبيه، عن أمير المؤمنين عليه السلام:

أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فِي الرَّحْبَةِ وَ النَّاسُ حَوْلَهُ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ! إِنَّكَ بِالْمَكَانِ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ أَبُوكَ مُعَذَّبٌ فِي النَّارِ . فَقَالَ لَهُ :

«مَهْ ، فَضَّ اللَّهُ فَاكَ ، وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ شَفَعَ أَبِي فِي كُلِّ مُذْنِبٍ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ لَشَفَّعَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ ، أَأَبِي مُعَذَّبٌ فِي النَّارِ وَ أَنَا ابْنُهُ قَسِمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ ؟ !

وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا ، إِنَّ نُورَ أَبِي ، أَبِي طَالِبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيَطْنِيءُ أَنْوَارَ الْخَلَائِقِ إِلَّا خَمْسَةَ أَنْوَارٍ : نُورُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ نُورِي وَ نُورُ فَاطِمَةَ وَ نُورُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ نُورُ أَوْلَادِهِ مِنَ الْأُمَّةِ ﷺ .

أَلَا إِنَّ نُورَهُ مِنْ نُورِنَا ، خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْفِيءِ عَامٍ .^١

١ : غاية المرام: ٤٦، ح ٦٣ - كنز الفوائد: ٨٠ به اسناد ابن شاذان - الحجة على الذهاب إلى تكفير أبي طالب عليه السلام «فخار بن معد»: ٧٢ - الدرجات الرفيعة «سيد علي خان مدني شيرازي»: ٥٠ امالي طوسي: ١، ٣٣١، ح ٥٨ - بشارة المصطفى «طبري»: ٢٤٩ - الاحتجاج «طبرسي»: ١، ٣٤٠، بحار الأنوار: ٣٥، ٦٩، ح ٣ - الغدير: ٧، ٢٨٧، ح ٣.



فضیلت نود و هشتم

مفضل از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از حضرت سیدالشهدا علیه السلام نقل می‌فرمایند:

روزی امیر مؤمنان علی علیه السلام در میدانی نشسته بودند و مردم اطراف آن حضرت بودند، مردی از جا برخاست و خطاب به آن حضرت عرض کرد: یا امیر المؤمنین! شما در مقامی هستید که خداوند عنایت نموده (شما وصی و خلیفه پیامبر می‌باشی و دارای فضائل بسیاری هستید) و حال آنکه پدر شما در آتش جهنم معذب است! امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: ساکت باش! خداوند دهانت را بشکند.

قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق مبعوث به رسالت نمود، اگر پدرم برای همه‌ی گنهکاران روی زمین شفاعت کند، خداوند شفاعت او را می‌پذیرد.

آیا پدر من معذب در آتش جهنم است و حال آنکه من که پسر او هستم، تقسیم‌کننده‌ی بهشت و جهنم می‌باشم؟

قسم به آن خدایی که به حق محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به رسالت مبعوث فرمود، همانا نور پدرم ابوطالب علیه السلام، در قیامت تمام نورهای خلائق را خاموش می‌کند، مگر پنج نور را: نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم، نور من، نور فاطمه علیها السلام، نور حسن علیه السلام و نور حسین علیه السلام و نور امامان از فرزندان حسین علیه السلام.

آگاه باشید! نور او (پدرم، ابوطالب علیه السلام) از نور ما (اهل بیت) می‌باشد، که خداوند عزوجل دو هزار سال قبل از خلقت آدم علیه السلام آن را خلق نمود.



الْمَنْقَبَةُ النَّاسِيحَةُ وَالتَّسْهُوِيُّ

حدثنا المعافي بن زكريا أبو الفرج، قال: حدثني محمد بن أحمد بن أبي الحج، قال: حدثني الحسن بن محمد بن بهرام، قال: حدثني يوسف بن موسى القطان، قال: حدثني جرير، عن ليث، عن مجاهد، عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ أَقْلَامٌ، وَ الْبِحَارَ مِدَادٌ، وَ الْجِنَّ حُسَابٌ، وَ الْإِنْسَ كُتَّابٌ، مَا قَدَرُوا عَلَى إِحْصَاءِ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام». ۱.

فضیلت نود و نهم

ابن عباس می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

اگر تمام درختان قلم، و آب دریاها مرکب، و همه گیان حسابگر و همه انسانها نویسنده شوند، قادر نمی باشند فضائل علی بن ابی طالب عليه السلام را حساب (و ثبت) کنند.

۱: کنز الفوائد: ۱۲۸ - المناقب «خوارزمی»: ۲ - کفایة الطالب «کنجی»: ۲۵۱ - فرائد السمطين: ۱، ۱۶ - لسان المیزان «عسقلانی»: ۵، ۶۲ - میزان الاعتدال «ذهبی»: ۳، ۴۶۷. بحار الأنوار: ۴۰، ۷۰، ح ۱۰۵ - کشف الغمة: ۱، ۱۱۱ - الطرائف: ۱۳۸، ح ۲۱۶ - حلیة الأبرار: ۱، ۲۸۹ - ینایع المودة: ۱۲۱ - غایة المرام: ۴۹۳۶، ح ۱ - مناقب خوارزمی: ۲۳۵ به نقل از معجم طبرانی به اسناد ابن عباس - کشف الحق: ۱، ۱۰۸ - الأربعین «خزاعی»: ح ۳۸ (خطی) - مصباح الأنوار: ۱۲۱ (خطی) - تأویل الآیات: ۸۸۸، ح ۱۳ - الأربعین «عطاء الله شیرازی» - أرجح المطالب: ۹۸ - ینایع المودة: ۱۲۲ به نقل از سعید بن جبیر - مودة القربی: ۵۵.



أَلَمْ نَقِمْ إِلَيْكَ

أخبرني أبو محمد الحسن بن أحمد بن محمد الجلدي من كتابه، قال: حدثني الحسين بن محمد بن إسحاق، قال: حدثني محمد بن زكريا، قال: حدثني جعفر بن محمد عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه، عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي فَضَائِلَ لَا تُحْصَى كَثْرَةً، فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِيَتْلِكَ الْكِتَابَةَ رَسْمًا، وَمَنْ أَصْغَى إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالإِسْتِمَاعِ، وَمَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ فِي فَضَائِلِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي ارْتَكَبَهَا بِالنَّظَرِ.

ثُمَّ قَالَ ﷺ: النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبَادَةٌ، وَذِكْرُهُ عِبَادَةٌ، وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِيمَانَ عَبْدٍ مِنْ عِبَادِهِ كُفْلِهِمْ إِلَّا بِوِلَايَتِهِ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ «.

١: بحار الأنوار: ٢٦، ٢٢٩، ح ١٠ - مناقب خوارزمي: ٢ - كفاية الطالب: ٢٥٢ - فرائد السمطين: ١، ١٩ - ميزان الاعتدال: ٣، ٤٦٧ به اسناد ابن شاذان - أمالي صدوق: ١١٩، ح ٩ بحار الأنوار: ٣٨، ٩٦، ح ٤ - جامع الأخبار: ١٧ - تأويل الآيات: ٨٨٨، ١٤ به نقل از كتاب الأربعين خوارزمي - كشف الحق: ١، ١٠٨ - ينابيع المودة: ١٢١ - غاية المرام: ٢٩٣، ح ٢ المحتضر: ٩٨ - كشف الغمة: ١، ١١٢.



فضیلت صدم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از مولا علی علیه السلام نقل می‌فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

همانا خداوند تعالی برای برادرم (علی بن ابی طالب علیه السلام) فضائلی قرار داده، که از بس فراوان است قابل شمارش نیست، پس هر کس یکی از فضائل او را بیان کند، در حالی که به آن اقرار داشته باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده‌ی او را می‌بخشد، و هر کس بنویسد یکی از فضائل او را، تا زمانی که این نوشته باقی باشد، ملائکه برای (کاتب آن) استغفار می‌کنند.

هر کس بشنود یکی از فضائل او را، خداوند گناهانی را که به واسطه‌ی شنیدن مرتکب شده، می‌بخشد.

هر کس نگاه کند به (کتاب) و نوشته‌ای که در آن فضائل علی علیه السلام نوشته شده باشد، خداوند گناهانی که به وسیله‌ی چشم مرتکب شده را می‌بخشد.

در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نگاه کردن به علی بن ابی طالب علیه السلام عبادت، و یاد و ذکر او نیز عبادت است، و خداوند ایمان هیچ بنده‌ای از بندگانش را قبول نمی‌کند، مگر با ولایت او و بیزاری از دشمنان او.



فهرست احاديث

« ١ »

- اللهم اجعل لي وزيراً..... فضيلت ٧٦ صفحه ١٥٦
العلم خمسة أجزاء، أعطي علي بن أبي طالب عليه السلام. فضيلت ٧٨ صفحه ١٥٩
النظر إلى وجه علي بن أبي طالب عليه السلام عبادة..... فضيلت ٨٤ صفحه ١٦٩
السلام عليك يا رسول الله..... فضيلت ٢٦ صفحه ٦٢
أتدرون ما قالت النخلة؟..... فضيلت ٧٣ صفحه ١٥٠
أتيت النبي ﷺ وهو في بعض حجراته..... فضيلت ٣٣ صفحه ٧٦
أول من اتخذ علي بن أبي طالب عليه السلام أخاً..... فضيلت ٦٤ صفحه ١٣٨
أول من يدخل الجنة من النبيين عليه السلام..... فضيلت ٤٩ صفحه ١١٤
أما ترضى أن تكون مني بمنزلة..... فضيلت ٥٧ صفحه ١٢٧
أنا سيد الأولين و الآخرين و أنت يا علي..... فضيلت ١ صفحه ١٥
أنا و اردكم على الحوض و أنت يا علي..... فضيلت ٥ صفحه ١٩
أنت سيد، ابن السيد، أبو السادة..... فضيلت ٥٨ صفحه ١٢٩
أسرع و اثنى بعلي بن أبي طالب عليه السلام..... فضيلت ٧٩ صفحه ١٦٠
أيها الناس! إن جبرئيل الروح الأمين نزل..... فضيلت ٢١ صفحه ٥٢
إذا كان يوم القيامة أمر الله..... فضيلت ١٦ صفحه ٤١
إذا كان يوم القيامة يقعد علي بن أبي طالب عليه السلام..... فضيلت ٥٢ صفحه ١١٩
إذا كان يوم القيامة ينادي علي بن أبي طالب عليه السلام..... فضيلت ٨٣ صفحه ١٦٨
إن الله تبارك و تعالى خلق من نور وجه..... فضيلت ٨٠ صفحه ١٦٣
إن الله تعالى جعل لأخي..... فضيلت ١٠٠ صفحه ١٩٦
إن الله تعالى لما خلق السماوات..... فضيلت ٧ صفحه ٢٣
إن الله تعالى لما خلق جنة..... فضيلت ٩٠ صفحه ١٧٩



- إنَّ الله خلق في السماء الرابعة..... فضيلت ٨٨ صفحه ١٧٥
إنَّ الله قد فرض عليكم طاعتي..... فضيلت ٢٢ صفحه ٥٦
إنَّ عليَّ بن أبي طالب عليه السلام أفضل..... فضيلت ٢ صفحه ١٦
إنَّ للشمس وجهين: فوجه..... فضيلت ٤٥ صفحه ١٠٨
إنِّي تارك فيكم الثقلين..... فضيلت ٨٦ صفحه ١٧١

« ب »

- بسم الله الرحمن الرحيم، تحية من الله تعالى..... فضيلت ٨ صفحه ٢٤
بشاره أتتني من عند ربي في أخي..... فضيلت ٩٢ صفحه ١٨١
بي أنذرتهم، وبعلي بن أبي طالب عليه السلام اهتديتم..... فضيلت ٤ صفحه ١٨
بيننا رسول الله صلى الله عليه وسلم في بيت أم سلمه..... فضيلت ١٥ صفحه ٣٩

« خ »

- خلق الله من نور وجه علي بن أبي طالب عليه السلام..... فضيلت ١٩ صفحه ٤٩

« د »

- دخلت الجنة فرأيت علي بابها..... فضيلت ٥٤ صفحه ١٢٢
دنوت من ربي فكنت منه كقاب قوسين..... فضيلت ٩٣ صفحه ١٨٣

« ذ »

- ذكر علي بن أبي طالب عليه السلام عبادة..... فضيلت ٦٨ صفحه ١٤٥

« ر »

- رأيت في المنام حمزة عمي و جعفر بن عمي..... فضيلت ٧١ صفحه ١٤٨

« سي »

- ستكون بعدي فتنة مظلمة، الناجي منها..... فضيلت ٨١ صفحه ١٦٤
سمي الحسن عليه السلام حسناً، لأنَّ يا حسان الله..... فضيلت ٣ صفحه ١٧



« ع »

علي عليه السلام مني، بمنزلة دمي من بدني..... فضيلت ٣٨	صفحه ٩٢
علي بن أبي طالب عليه السلام أقدم أمتي سلماً..... فضيلت ٢٥	صفحه ٦١
علي بن أبي طالب عليه السلام حجّتي على خلقي..... فضيلت ٤٦	صفحه ١٩
علي بن أبي طالب عليه السلام خليفة الله..... فضيلت ١٤	صفحه ٣٧
علي بن أبي طالب عليه السلام خير البشر..... فضيلت ٧٠	صفحه ١٤٧
علي بن أبي طالب عليه السلام خير هذه الأمة..... فضيلت ٦٠	صفحه ١٣٢
علي بن أبي طالب عليه السلام سيّد العرب..... فضيلت ٩٤	صفحه ١٨٤
علي بن أبي طالب عليه السلام مني كجلدي..... فضيلت ٧٢	صفحه ١٤٩
عليكم بعلي بن أبي طالب عليه السلام فإنه..... فضيلت ٣٦	صفحه ٨٢

« ف »

فاطمة عليها السلام مهجة قلبي، و ابناها..... فضيلت ٤٤	صفحه ١٠٧
--	----------

« ق »

قام إليه رجل فقال: يا ابن عباس! أخبرني..... فضيلت ٧٤	صفحه ١٥٢
قيل لابن عباس: ما تقول في علي بن أبي طالب عليه السلام؟.. فضيلت ٧٥	صفحه ١٥٤

« ل »

لا يتقدّمك بعدي إلا كافر، ولا يتخلف عنك..... فضيلت ٢٧	صفحه ٦٦
لا أعلم حتى أسأل جبرئيل عليه السلام..... فضيلت ٢٠	صفحه ٥٠
لما أسري بي إلى السماء لقيني أبي نوح عليه السلام..... فضيلت ٩٧	صفحه ١٩٠
لما أسري بي إلى السماء ما مررت..... فضيلت ١٣	صفحه ٣٤
لما أسري بي إلى السماء و انتهى بي إلى..... فضيلت ٢٨	صفحه ٦٧
لما خلق الله آدم عليه السلام و نفخ فيه من روحه..... فضيلت ٥٠	صفحه ١١٦
لما دخلت الجنة رأيت فيها شجرة تحمل..... فضيلت ٩٦	صفحه ١٨٨
لما عرج بي إلى السماء انتهى بي المسير..... فضيلت ٨٢	صفحه ١٦٦

- لو أنّ الغياض أقلام و البحار مداد..... فضيلت ٩٩ صفحه ١٩٥
 ليت أمير المؤمنين و سيد المسلمين..... فضيلت ٤٣ صفحه ١٠٣
 ليلة أسري بي إلى السماء أدخلت الجنة فضيلت ٦٥ صفحه ١٤٠
 ليلة أسري بي إلى السماء السابعة سمعت فضيلت ٥٦ صفحه ١٢٦
 ليلة أسري بي إلى السماء قال لي فضيلت ١٧ صفحه ٤٣

« م »

- ما بال أقوام يذكرون من له منزلة عند الله..... فضيلت ٣٧ صفحه ٨٤
 ما أظلت الخضراء و لا أقلت الغبراء بعدي..... فضيلت ٣٤ صفحه ٧٨
 ما مررت في ليلة أسري بي بشيء من فضيلت ٣٥ صفحه ٨٠
 من أحبّ عليّاً عليه السلام قبل الله منه صلواته..... فضيلت ٩٥ صفحه ١٨٦
 من أراد التوكل على الله تعالى فليحبّ..... فضيلت ٥١ صفحه ١١٨
 من صافح عليّاً عليه السلام فكأنما صافحني..... فضيلت ٣٩ صفحه ٩٣
 من لم يقل إني رابع الخلفاء الأربعة..... فضيلت ٥٩ صفحه ١٣٠
 من يحبّني و يحبّ أهل بيتي فليتبعني..... فضيلت ٤٢ صفحه ١٠٠
 معاشر الناس! اعلّموا أنّ الله تعالى جعل لكم..... فضيلت ٤١ صفحه ٩٦
 مه، فضّ الله فاك، و الذي بعث..... فضيلت ٩٨ صفحه ١٩٣

« ن »

- نزلت في أمير المؤمنين علي عليه السلام و طوبى..... فضيلت ٦٩ صفحه ١٤٦
 نزل عليّ جبرئيل عليه السلام صبيحة يوم فرحاً..... فضيلت ٧٧ صفحه ١٥٧

« هـ »

- هذا خير الأولين و خير الآخرين من..... فضيلت ٥٥ صفحه ١٢٤

« و »

- و الذي بعثني بالحق بشيراً و نذيراً ما استقرّ..... فضيلت ٢٤ صفحه ٥٩
 و الله لقد خلفني رسول الله ﷺ في أمته..... فضيلت ٣٢ صفحه ٧٤



« ی »

- یا أبا عبد الله! هذان الحسن و الحسين جائعان..... فضیلت ۸۷ صفحه ۱۷۲
یا أبا الحسن! ألا أبشرك بما بشرني..... فضیلت ۲۹ صفحه ۶۸
یا أبا الحسن! انظر عن يمينك و خذ ما ترى..... فضیلت ۴۰ صفحه ۹۴
یا أبا الحسن! أنت عضو من أعضائي..... فضیلت ۵۳ صفحه ۱۲۱
یا أبا الحسن! لو وضع إيمان الخلائق..... فضیلت ۴۷ صفحه ۱۱۰
یا ابن مسعود! نعت إلي نفسي..... فضیلت ۱۰ صفحه ۲۸
یا أبا هريرة! أتدري من هذا؟..... فضیلت ۱۲ صفحه ۳۳
یا أنس! أسرج بغلتي فأسرجت بغلته..... فضیلت ۶۲ صفحه ۱۳۵
یا أنس! ما حملك على أن لا تؤذي..... فضیلت ۸۹ صفحه ۱۷۷
یا سلمان! من أحب فاطمة عليها السلام ابنتي..... فضیلت ۶۱ صفحه ۱۳۳
یا علي! أنت مني و أنا منك..... فضیلت ۹۱ صفحه ۱۸۰
یا عبد الرحمن! أنتم أصحابي..... فضیلت ۶۷ صفحه ۱۴۳
یا علي! إذا كان يوم القيامة يؤتى بك..... فضیلت ۱۱ صفحه ۳۱
یا علي! إن الله إذا جمع الخلائق يوم القيامة..... فضیلت ۲۳ صفحه ۵۸
یا علي! أنا مدينة الحكمة و أنت بابها..... فضیلت ۱۸ صفحه ۴۷
یا علي! أنا نذير أمتي و أنت هاديها..... فضیلت ۶ صفحه ۲۱
یا علي! أنت أمير المؤمنين و إمام المتقين..... فضیلت ۹ صفحه ۲۶
یا علي! أنت خير البشر، لا يشك فيك..... فضیلت ۶۶ صفحه ۱۴۲
یا علي! إن جبرئيل عليه السلام أخبرني فيك..... فضیلت ۳۰ صفحه ۷۰
یا علي! مثلك في أمتي مثل المسيح..... فضیلت ۴۸ صفحه ۱۱۲
یا محمد! علي خير البشر، من أبي..... فضیلت ۶۳ صفحه ۱۳۷
یا غليظ! یا أعرابي! أما تسمع قول الله تعالى..... فضیلت ۸۵ صفحه ۱۷۰
يدخل داخل هو أمير المؤمنين..... فضیلت ۳۱ صفحه ۷۲



پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرمایند:

اگر تمام درختان قلم، و آب دریاها مرگب، و همه ی جنیان
حساب گر و همه ی انسان ها نویسنده شوند، قادر نمی باشند
فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام را حساب و شمارش کنند.

فضیلت نود و نه از همین کتاب

به اهتمام
حسینیه کربلائیهای اصفهان